

السبح نوح الدين المسمى

زندگانه و تبعه در اسلام

نشر جندابا

معمدانی شهیدی - سید محمود و فاطمه حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندادان و تبعید در اسلام

نویسنده:

نجم الدین طبسی

ناشر چاپی:

صفحه نگار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	زندان و تبعید در اسلام
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	فهرست مطالب
۲۰	پیشگفتار:
۲۰	مقدمه مؤلف:
۲۱	بخش اول زندان
۲۱	اشاره
۲۱	مقدمه
۲۲	فصل اول موجبات زندان
۲۲	اشاره
۲۳	گفتار اول: قتل
۲۳	۱. اتهام به قتل
۲۴	۲. راهنمایی قاتل برای پیدا کردن شخص موردنظر
۲۴	۳. نگه داشتن برای کشتن
۲۶	۴. دستور قتل
۲۷	۵. رهایی قاتل از قصاص
۲۷	۶. ترور
۲۸	۷. قتل و عفو اولیای دم
۲۸	۸. فقدان شرایط ولی دم
۲۹	۹. قتل ذمی
۳۰	۱۰. فرار قاتل
۳۰	۱۱. قتل عبد به دست مولا

۱۲. قتل توسط عبد به دستور مولا ۳۱
۱۳. قتل امان داده شده ۳۱
۱۴. قصد کشتن فرزند ۳۱
- گفتار دوم: سرقت ۳۲
۱. سرقت برای بار سوم ۳۲
۲. سارقی که دست و پاهایش قطع شده است ۳۳
۳. سرقت زیور آلات ۳۴
۴. جیب‌بری، دزدی کوچه و خیابان، کف‌زنی ۳۴
۵. سوراخ کردن دیوار خانه و شکستن قفل خانه ۳۵
۶. نبش قبر ۳۵
۷. خریدن شخص آزاد ۳۶
۸. غیبت مالباخته ۳۶
۹. راهزنی ۳۷
۱۰. معاونت در راهزنی ۳۷
۱۱. اتهام به سرقت ۳۷
۱۲. شهرت به سرقت ۳۸
- گفتار سوم: آزار جسمی منجر به جرح ۳۸
۱. تمثیل ۳۸
۲. تراشیدن یا از بین بردن موی سر زن ۳۹
۳. زدن عبد بدون دلیل ۳۹
- گفتار چهارم: آزار روحی و دشنام ۳۹
۱. دشنام و هجو مسلمان ۳۹
۲. مردم‌آزاری ۴۰
۳. دستور افترا ۴۰

- گفتار پنجم: ترک واجبات و انجام محرمات ۴۰
۱. فعل حرام ۴۰
۲. ترک واجبات ۴۱
۳. بدعت ۴۱
- گفتار ششم: سحر و کارهای مشابه آن ۴۲
۱. سحر ۴۲
۲. تنجیم ۴۲
- گفتار هفتم: ارتداد ۴۳
۱. ارتداد زن ۴۳
۲. ارتداد مرد ۴۴
۳. غلو درباره حضرت علی علیه السلام ۴۴
- گفتار هشتم: فحشا ۴۴
۱. برای اجرای حد ۴۴
۲. برای فاصله افتادن میان دو حد ۴۵
۳. برای جلوگیری از زنا ۴۶
۴. زنا با خواهر ۴۶
۵. زنا با زن ۴۷
۶. زنا با غیر محصنه ۴۷
۷. نگاه داشتن فرد برای زنا با او ۴۷
۸. قواد ۴۷
۹. لواط ۴۸
۱۰. آمیزش با جاریه مشترک توسط شریک ۴۸
- گفتار نهم: شرب خمر و مسکرات ۴۸
- اشاره ۴۸

۱. شرب خمر در ماه رمضان ۴۹
۲. دادن شراب ۴۹
۳. بیهوشی در اثر مستی ۴۹
۴. افراط در مشروب‌خواری ۴۹
- گفتار دهم: مسایل زناشویی ۵۰
۱. ایلاء زوجه و خودداری از رجوع یا طلاق او ۵۰
۲. ظهار و خودداری از رجوع یا طلاق ۵۰
۳. خودداری از محدود ساختن زنان به چهار تن ۵۱
۴. خودداری زوج از طلاق زوجه ۵۱
۵. ندادن نفقه ۵۲
۶. قذف و خودداری از ملاعنه ۵۳
۷. موارد خاص طلاق ۵۳
۸. آزار زوجه ۵۳
- گفتار یازدهم: جرایم ضد امنیت ۵۴
۱. جاسوسی ۵۴
۲. شورش ۵۴
۳. اسارت ۵۵
۴. گروگان گرفتن ۵۵
۵. ادعای عدم بلوغ از سوی مشرک نوجوان ۵۶
۶. خودداری اهل کتاب از جزیه ۵۶
۷. پناهندگی مستأمن به دارالحرب ۵۶
۸. تصمیم به شورش علیه امام ۵۷
۹. محاربه بدون قتل و غارت ۵۷
۱۰. شورش پیرمردان، زنان و کودکان ۵۷

- ۵۸ ۱۱. دیده‌بانی و پشتیبانی [از گروه‌های شورشی]
- ۵۸ ۱۲. امتناع از پذیرفتن حکم حاکم
- ۵۸ ۱۳. استراق سمع و افشای اسرار
- ۵۹ گفتار دوازدهم: تخلفات کارگری و اداری
- ۵۹ ۱. خیانت در بیت المال
- ۵۹ ۲. اطلاعات و خبردادن به خائن
- ۵۹ ۳. مسامحه حاکم
- ۶۰ گفتار سیزدهم: تخلفات مالی
- ۶۰ ۱. خودداری از ادای دین
- ۶۲ ۲. ادعای اعسار مدیون
- ۶۳ ۳. مدیون معسر
- ۶۳ ۴. افلاس
- ۶۴ ۵. غصب، خوردن مال یتیم و خیانت در امانت
- ۶۴ ۶. خودداری گروگذار از ادای دین
- ۶۵ ۷. حبس کفیل تا تحویل مکفول
- ۶۶ ۸. سکوت مدعی علیه
- ۶۷ ۹. حرکات ایذایی و درشتی در دادگاه
- ۶۷ ۱۰. خودداری مدعی علیه از حضور در دادگاه
- ۶۷ ۱۱. حبس مدعی علیه برای تعدیل شاهد یا حضور او در دادگاه
- ۶۸ ۱۲. نکول از سوگند
- ۶۹ گفتار چهاردهم: حبس بعضی از طرفداران مسلک منحرف
- ۶۹ ۱. شهادت باطل
- ۶۹ ۲. بی‌مبالاتی دانشمند، جهل پزشک و پیمانکار کلاهبردار
- ۷۰ ۳. مستی و قداره‌کشی

۷۰ ۴. شرارت
۷۱ فصل دوم حقوق زندانی
۷۱ اشاره
۷۱ گفتار اول: اصل برائت
۷۲ گفتار دوم: حق شرکت در مراسم دینی
۷۳ گفتار سوم: حق ملاقات با نزدیکان
۷۳ گفتار چهارم: حق رفاه
۷۴ گفتار پنجم: حق مرخصی
۷۵ گفتار ششم: حق تسریع در محاکمه
۷۶ گفتار هفتم: حق حضور در کنار همسر
۷۶ گفتار هشتم: حق درمان
۷۷ گفتار نهم: حق خوراک، پوشاک و...
۷۸ گفتار دهم: حق آزادی از زندان
۷۹ فصل سوم احکام زندان
۷۹ اشاره
۸۰ گفتار اول: جداکردن زنان از مردان
۸۰ گفتار دوم: جداسازی جوانان و نوجوانان از بزرگسالان، مسلمانان از غیر مسلمانان
۸۱ گفتار سوم: ایجاد اشتغال برای زندانی
۸۱ گفتار چهارم: تحریم شکنجه برای گرفتن اقرار
۸۳ گفتار پنجم: معنای تأدیب در زندان و حدود آن
۸۴ کتاب‌شناسی زندان
۸۵ بخش دوم تبعید
۸۵ اشاره
۸۵ فصل اول کلیات تبعید

۸۵	اشاره
۸۵	معنای نفی
۸۵	معنای تغریب
۸۶	ادله تبعید
۸۶	حد یا تعزیر بودن تبعید
۸۷	تبعید به عنوان تعزیر
۸۸	مکان تبعید
۸۹	مسافت تبعیدگاه
۸۹	مخارج تبعیدی
۹۰	رعایت مسائل رفاهی
۹۰	مدت تبعید
۹۱	شرط بلوغ در تبعید محارب
۹۲	برخی از احکام تبعید
۹۵	تبعید زن
۹۶	فعالیت اقتصادی در تبعید
۹۷	مرخصی رفتن تبعیدی
۹۷	فصل دوم موارد تبعید
۹۷	اشاره
۹۸	گفتار اول: قتل
۹۸	اشاره
۹۸	۱. قتل فرزند توسط پدر
۹۸	۲. قتل برده خود
۹۸	۳. قتل برده
۹۹	۴. قتل ذمی

۹۹	۵. مثله کردن
۹۹	گفتار دوم: فحشاء
۹۹	۱. آمیزش با حیوان
۱۰۰	۲. قوادی
۱۰۱	۳. لواط
۱۰۱	۴. زناى غير محصنه
۱۰۲	۵. مخنث بودن
۱۰۳	۶. مورد ستایش عاشقانه قرار گرفتن در اشعار
۱۰۳	۷. نوشیدن مسکر در ماه رمضان
۱۰۳	گفتار سوم: تخلفات سیاسی- امنیتی
۱۰۳	۱. جاسوسی
۱۰۴	۲. استهزای پیامبر صلی الله علیه و آله و افشای اسرار حکومت
۱۰۴	۳. دشنام به اهل بیت علیهم السلام «۴»
۱۰۴	۴. جعل اسناد دولتی
۱۰۴	۵. سرقت
۱۰۴	۶. اختکار
۱۰۵	۷. شرارت
۱۰۵	۸. محاربه
۱۰۶	منابع
۱۲۱	فهرست آیات
۱۲۱	فهرست روایات
۱۲۴	فهرست مذاهب و قبایل
۱۲۵	فهرست اشخاص
۱۳۲	فهرست اماکن

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۲

زندان و تبعید در اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: طبسی، نجم‌الدین، ۱۳۳۴-
 عنوان قرارداد: السجن والنفی فی مصادرالتشریح . فارسی.
 عنوان و نام پدیدآور: زندان و تبعید در اسلام/ مؤلف نجم‌الدین الطبسی؛ مترجمان مصطفی شفیعی، محمدرضا حسینی.
 مشخصات نشر: قم: صفحہ نگار، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.
 شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۸-۳۰-۷۵۴۴-۹۶۴
 وضعیت فهرست نویسی: فاپا
 یادداشت: عنوان عطف: زندان و تبعید در نصوص و فتاوا.
 یادداشت: نمایه.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۵ - ۲۱۶.
 عنوان عطف: زندان و تبعید در نصوص و فتاوا.
 عنوان دیگر: السجن والنفی فی مصادرالتشریح الاسلامی. فارسی.
 موضوع: زندان (فقه).
 موضوع: تبعید (فقه).
 موضوع: زندانیان.
 شناسه افزوده: شفیعی، مصطفی، ۱۳۳۸ - ، مترجم.
 شناسه افزوده: حسینی، محمدرضا، ۱۳۴۱ - ، مترجم.
 رده بندی کنگره: BP۱۹۵/۶ ط ۲ س ۳۰۴۱ ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۵
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۶۴۱۵

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۱۵
 مقدمه مؤلف ۱۷
 بخش اول: زندان مقدمه ۲۱
 فصل اول: موجبات زندان گفتار اول: قتل ۲۷
 ۱. اتهام به قتل ۲۷
 ۲. راهنمایی قاتل برای پیدا کردن شخص مورد نظر ۲۹
 ۳. نگه داشتن برای کشتن ۲۹
 ۴. دستور قتل ۳۲

۵. رهایی قاتل از قصاص ۳۳
۶. ترور ۳۴
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶
۷. قتل و عفو اولیای دم ۳۵
۸. فقدان شرایط ولی دم ۳۶
۹. قتل ذمی ۳۸
۱۰. فرار قاتل ۳۸
۱۱. قتل عبد به دست مولا ۳۹
۱۲. قتل توسط عبد به دستور مولا ۴۰
۱۳. قتل امان داده شده ۴۱
۱۴. قصد کشتن فرزند ۴۱
- گفتار دوم: سرقت ۴۲
۱. سرقت برای بار سوم ۴۲
۲. سارقی که دست و پاهایش قطع شده است ۴۴
۳. سرقت زیور آلات ۴۶
۴. جیب‌بری، دزدی کوچه و خیابان، کف‌زنی ۴۶
۵. سوراخ کردن دیوار خانه و شکستن قفل خانه ۴۷
۶. نبش قبر ۴۸
۷. خریدن شخص آزاد ۴۹
۸. غیبت مالباخته ۴۹
۹. راهزنی ۵۰
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷
۱۰. معاونت در راهزنی ۵۰
۱۱. اتهام به سرقت ۵۱
۱۲. شهرت به سرقت ۵۱
- گفتار سوم: آزار جسمی منجر به جرح ۵۲
۱. تمثیل ۵۲
۲. تراشیدن یا از بین بردن موی سر زن ۵۳
۳. زدن عبد بدون دلیل ۵۳
- گفتار چهارم: آزار روحی و دشنام ۵۴
۱. دشنام و هجو مسلمان ۵۴
۲. مردم آزاری ۵۴
۳. دستور افترا ۵۵

گفتار پنجم: ترک واجبات و انجام محرمات ۵۵

۱. فعل حرام ۵۵

۲. ترک واجبات ۵۶

۳. بدعت ۵۷

گفتار ششم: سحر و کارهای مشابه آن ۵۸

۱. سحر ۵۸

۲. تنجیم ۵۸

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸

گفتار هفتم: ارتداد ۵۹

۱. ارتداد زن ۵۹

۲. ارتداد مرد ۶۱

۳. غلو درباره حضرت علی علیه السلام ۶۱

گفتار هشتم: فحشا ۶۱

۱. برای اجرای حدّ ۶۱

۲. برای فاصله افتادن میان دو حدّ ۶۴

۳. برای جلوگیری از زنا ۶۴

۴. زنا با خواهر ۶۵

۵. زناى زن ۶۶

۶. زناى غير محصنه ۶۶

۷. نگه داشتن فرد برای زناى با او ۶۷

۸. قوادی ۶۷

۹. لواط ۶۸

۱۰. آمیزش با جاریّه مشترک توسط شریک ۶۸

گفتار نهم: شرب خمر و مسکرات ۶۹

۱. شرب خمر در ماه رمضان ۶۹

۲. دادن شراب ۶۹

۳. بیهوشی در اثر مستی ۷۰

۴. افراط در مشروب خواری ۷۰

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹

گفتار دهم: مسایل زناشویی ۷۱

۱. ایلاء زوجه و خودداری از رجوع یا طلاق او ۷۱

۲. ظهار و خودداری از رجوع یا طلاق ۷۲

۳. خودداری از محدود ساختن زنان به چهار تن ۷۳

۴. خودداری زوج از طلاق زوجه ۷۴
۵. ندادن نفقه ۷۵
۶. قذف و خودداری از ملاعنه ۷۶
۷. موارد خاص طلاق ۷۷
۸. آزار زوجه ۷۷
- گفتار یازدهم: جرایم ضد امنیت ۷۸
 ۱. جاسوسی ۷۸
 ۲. شورش ۷۹
 ۳. اسارت ۸۰
 ۴. گروگان گرفتن ۸۱
 ۵. ادعای عدم بلوغ از سوی مشرک نوجوان ۸۱
 ۶. خودداری اهل کتاب از جزیه ۸۲
 ۷. پناهندگی مستأمن به دار الحرب ۸۳
 ۸. تصمیم به شورش علیه امام ۸۳
 ۹. محاربه بدون قتل و غارت ۸۴
 - زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰
 ۱۰. شورش پیرمردان، زنان و کودکان ۸۴
 ۱۱. دیده‌بانی و پشتیبانی [از گروه‌های شورشی] ۸۵
 ۱۲. امتناع از پذیرفتن حکم حاکم ۸۵
 ۱۳. استراق سمع و افشای اسرار ۸۶
 - گفتار دوازدهم: تخلفات کارگری و اداری ۸۶
 ۱. خیانت در بیت المال ۸۶
 ۲. اطلاعات و خبر دادن به خائن ۸۷
 ۳. مسامحه حاکم ۸۸
 - گفتار سیزدهم: تخلفات مالی ۸۸
 ۱. خودداری از ادای دین ۸۸
 ۲. ادعای اعسار مدیون ۹۲
 ۳. مدیون معسر ۹۳
 ۴. افلاس ۹۴
 ۵. غضب، خوردن مال یتیم و خیانت در امانت ۹۵
 ۶. خودداری گروگذار از ادای دین ۹۶
 ۷. حبس کفیل تا تحویل مکفول ۹۷
 ۸. سکوت مدعی علیه ۹۸

۹. حرکات ایذایی و درشتی در دادگاه ۱۰۰
۱۰. خودداری مدعی علیه از حضور در دادگاه ۱۰۰
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱
۱۱. حبس مدعی علیه برای تعدیل شاهد یا حضور او در دادگاه ۱۰۱
۱۲. نکول از سوگند ۱۰۱
- گفتار چهاردهم: حبس بعضی از طرفداران مسلک منحرف ۱۰۳
۱. شهادت باطل ۱۰۳
۲. بی‌مبالاتی دانشمند، جهل پزشک و پیمانکار کلاهبردار ۱۰۴
۳. مستی و قداره‌کشی ۱۰۵
۴. شرارت ۱۰۶
- فصل دوم: حقوق زندانی گفتار اول: اصل برائت ۱۱۱
- گفتار دوم: حق شرکت در مراسم دینی ۱۱۳
- گفتار سوم: حق ملاقات با نزدیکان ۱۱۵
- گفتار چهارم: حق رفاه ۱۱۶
- گفتار پنجم: حق مرخصی ۱۱۷
- گفتار ششم: حق تسریع در محاکمه ۱۱۸
- گفتار هفتم: حق حضور در کنار همسر ۱۲۰
- گفتار هشتم: حق درمان ۱۲۱
- گفتار نهم: حق خوراک، پوشاک و ۱۲۲
- گفتار دهم: حق آزادی از زندان ۱۲۵
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲
- فصل سوم: احکام زندان گفتار اول: جدا کردن زنان از مردان ۱۲۹
- گفتار دوم: جدا سازی جوانان و نوجوانان از بزرگسالان، مسلمانان از غیر مسلمانان ۱۳۰
- گفتار سوم: ایجاد اشتغال برای زندانی ۱۳۲
- گفتار چهارم: تحریم شکنجه برای گرفتن اقرار ۱۳۲
- گفتار پنجم: معنای تأدیب در زندان و حدود آن ۱۳۵
- کتاب‌شناسی زندان ۱۳۷
- بخش دوم: تبعید فصل اول: کلیات تبعید معنای نفی ۱۴۵
- معنای تغریب ۱۴۵
- ادله تبعید ۱۴۶
- حد یا تعزیر بودن تبعید ۱۴۷
- تبعید به عنوان تعزیر ۱۴۸
- مکان تبعید ۱۴۹

- مسافت تبعیدگاه ۱۵۲
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۳
- مخارج تبعیدی ۱۵۲
- رعایت مسائل رفاهی ۱۵۳
- مدت تبعید ۱۵۴
- شرط بلوغ در تبعید محارب ۱۵۶
- برخی از احکام تبعید ۱۵۷
- تبعید زن ۱۶۳
- فعالیت اقتصادی در تبعید ۱۶۴
- مرخصی رفتن تبعیدی ۱۶۵
- فصل دوم: موارد تبعید گفتار اول: قتل ۱۶۹
۱. قتل فرزند توسط پدر ۱۶۹
 ۲. قتل برده خود ۱۷۰
 ۳. قتل برده ۱۷۱
 ۴. قتل ذمی ۱۷۱
 ۵. مثله کردن ۱۷۲
- گفتار دوم: فحشاء ۱۷۲
۱. آمیزش با حیوان ۱۷۲
 ۲. قوادی ۱۷۳
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۴
۳. لواط ۱۷۶
 ۴. زنا غیر محصنه ۱۷۶
 ۵. مخنث بودن ۱۷۷
 ۶. مورد ستایش عاشقانه قرار گرفتن در اشعار ۱۷۸
 ۷. نوشیدن مسکر در ماه رمضان ۱۷۹
- گفتار سوم: تخلفات سیاسی - امنیتی ۱۷۹
۱. جاسوسی ۱۷۹
 ۲. استهزای پیامبر صلی الله علیه و آله و افشای اسرار حکومت ۱۸۰
 ۳. دشنام به اهل بیت علیهم السلام ۱۸۰
 ۴. جعل اسناد دولتی ۱۸۱
 ۵. سرقت ۱۸۱
 ۶. احتکار ۱۸۱
 ۷. شرارت ۱۸۲

۸. محاربه ۱۸۲

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵

پیشگفتار:

«حبس» در تمامی قوانین جزایی به عنوان یکی از مجازات‌ها پذیرفته شده است. مخالفت حقوق جزای نوین با مجازات‌های اعدام و بدنی، توجه به مجازات زندان به منظور جای‌گزینی مجازات‌های سنگین و اصلاح مجرمان، فزونی گرفت؛ لیکن پس از نمایان شدن ناکارآمدی مجازات زندان و روی‌کرد حقوق‌دانان و قانون‌گذاران به جای‌گزین‌های این مجازات به منظور کاهش پی‌آمدهای منفی آن، ضرورت شناخت دقیق‌تر از نگرش حقوق جزای اسلامی به مجازات زندان، اهداف و موارد آن و حقوق زندانیان، بیشتر خودنمایی می‌کند.

به‌طور کلی دو دیدگاه درباره مجازات زندان در فقه جزایی اسلام وجود دارد؛ برخی بر این باورند که مجازات زندان در موارد بسیار محدودی پیش‌بینی شده است و نمی‌توان از آن به عنوان تعزیر استفاده کرد، اندیشه دیگر تجویز مجازات زندان به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری و توسعه آن می‌باشد. که به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی، بویژه در کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵، از این تفکر پیروی کرده است، به طوری که حدود ۵۵۰ مورد مجازات حبس در آن پیش‌بینی کرده است و چنین روی‌کردی به مجازات حبس برخلاف دیدگاه و سیاست قضایی

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۶

ریاست محترم قوه قضاییه، حضرت آیه الله هاشمی شاهرودی «دام‌ظله» می‌باشد که معتقدند...: «در فقه و بینش اسلام زندان کمتر به عنوان کیفر قلمداد شده و یا اصلاً نشده است»....

این تحقیق در صدد بیان دیدگاه‌ها و موارد تجویز مجازات زندان در فقه جزایی اسلام، بدون داوری درباره آن‌ها است.

ترجمه حاضر، گامی در این راستا شمرده می‌شود؛ به‌ویژه آن‌که نویسنده محقق ارجمند حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای نجم الدین طبسی «دام‌عزه»، پس از سال‌ها تحقیق درباره مجازات زندان و تبعید و حقوق زندانیان و تبعیدی‌ها در اسلام، اقدام به نگارش آن کرده است.

این کتاب علی‌رغم اختصار، حاوی مطالبی نو، پربار و مفید است و از غنای منابع تحقیق برخوردار می‌باشد که می‌تواند مورد استفاده اساتید، قضات، طلاب و دانشجویان قرار گیرد. همه این ویژگی‌ها ما را بر آن داشت که به ترجمه این کتاب همت گماریم. در اینجا از مؤلف ارجمند که، با ترجمه کتاب نفیس «موارد السجن فی النصوص و الفتاوی» و «النفی و التغریب فی مصادر التشريع الاسلامی» موافقت نمودند تشکر می‌کنیم.

امید است، این اثر گامی در جهت تبیین هرچه بیشتر حقوق جزایی اسلام باشد.

مترجمان:

مصطفی شفیعی - سید محمد رضا حسینی

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷

مقدمه مؤلف:

در قوانین جزایی اسلام، مسلماً مجازاتی به عنوان حبس - اعم از تأدیبی و احتیاطی - وجود دارد و کسی که بر فقه اسلامی اشراف داشته باشد، به این مطلب اذعان می‌کند. اسناد تاریخی، گویای اعمال مجازات زندان نسبت به برخی مجرمان و متهمان در زمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر المؤمنین علیه السّلام و خلفا می‌باشد؛ هرچند در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مکان خاصی به نام زندان وجود نداشت و مجرم یا متهم در مسجد یا خانه‌های نزدیک آن، زندانی می‌شد. امام علی علیه السّلام نخستین کسی بود که مکانی را به عنوان زندان ساخت و خلفای پیش از او، مجرم را در دهلیزها و چاه‌های کم‌عمق زندانی می‌کردند.

حبس در قوانین جزایی اسلام از جهتی به «حبس حدی» - که موارد آن محدود است- و «حبس تعزیری» تقسیم می‌شود، که توسعه و تضییق محدوده اعمال آن به دست حاکم شرع است و می‌توان در جرایمی که دارای مجازات تعزیری‌اند، به آن حکم نمود. در فقه اسلامی، وجود حقوقی از قبیل تدارک امکانات، انجام اعمال عبادی، تغذیه، بهداشت،

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۸

ملاقات با همسر، بستگان و دوستان و ... برای زندانیان، از چهارده قرن پیش به رسمیت شناخته شده است.

پس از اتمام تألیف کتاب «موارد السجن فی النصوص و الفتاوی» و «النفی و التغریب فی مصادر التشریح الاسلامی» و استقبال از آن‌ها، بر اساس برخی پیشنهادها، اقدام به تلخیص آن دو کردم تا برای برخی اهداف مفیدتر واقع گردد؛ به‌ویژه آن‌که این تلخیص به صورت تطبیقی می‌باشد.

در این مجموعه، علاوه بر اشاره به روایات و نقل بعضی از آن‌ها، نظریات فقیهان شیعه و سنی و موارد اتفاق و اختلاف آن‌ها و مصادر بحث‌ها نیز ذکر گردید تا بحث، کاربردی‌تر و محقق نیز از مراجعه به دو کتاب مذکور بی‌نیاز گردد.

الشیخ نجم الدین الطبسی

۱۳۸۰ / ۶ / ۳۰ - قم

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۹

بخش اول زندان

اشاره

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۱

مقدمه

واژه سجن در لغت به معنای حبس است؛ «۱» سجنه یعنی حبسه (او را زندانی کرد). سجن یعنی زندان. سجان یعنی صاحب زندان یا زندانبان.

سجین یعنی زندانی. «۲» حبس و محبس نیز به معنای زندان است. پس محبس هم به معنای سجن است [اسم ذات] و هم فعل است «۳» [اسم معنی]. بنابراین، سجن مکانی است که انسان در آن زندانی می‌شود. «۴»

وجود زندان در نظام قضایی اسلام و همه نظام‌های قضایی جهان، پذیرفته شده است و نیازی به استدلال ندارد. در روایات آمده است:

علی علیه السّلام زندانی ساخت و نام آن را «نافع» گذاشت و زندان دیگری

(۱) - النهایه، ابن الأثیر، ج ۲، ص ۳۴۲؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۱۳۲؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۰۳؛ مجمع البحرین ج ۴، ص ۶۰.

(۲) - القاموس، ج ۴، ص ۲۳۵؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۰۳؛ المفردات، راغب، ص ۱۰۴.

(۳) - العین، ج ۱، ۳۳۸؛ لسان العرب، ج ۶، ص ۴۴.

(۴) - معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۲

ساخت و نام آن را «مخیس» گذاشت. (۱) هرکس آگاهی به فقه اسلام داشته باشد می‌داند که کیفرهایی به نام زندان ابد، زندان موقت، زندان تأدیبی و زندان احتیاطی (۲) در اسلام وجود دارد. از این رو، ما برای اثبات جواز شرعی زندان، نیازی به اقامه دلیل نداریم.

این نوشتار در سه فصل تنظیم شده است:

فصل اول - موجبات زندان؛

فصل دوم - حقوق زندانی؛

فصل سوم - احکام زندان.

(۱) - مسند زید، ص ۲۶۶؛ الغارات، ج ۱، ص ۱۳۴؛ النهایه، ابن الأثیر، ج ۲، ص ۹۲؛ لسان العرب، ج ۶، ص ۷۲.

(۲) - ر. ک: مجله «فراسو» ص ۷۸، گزارش ویژه گفتگو با مولف، نجم الدین طبسی، شماره ۴-۳، سال اول.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۳

فصل اول موجبات زندان

اشاره

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۵

فصل اول؛ موجبات زندان موجبات زندان را می‌توان در ۱۴ گفتار خلاصه کرد؛ قطع نظر از این که برای این عنوان‌ها فتوایی صادر شده یا نصی وارد شده باشد. ما درباره عنوان‌هایی بحث می‌کنیم که در فقه شیعه و دیگر مذاهب اسلامی، از آنها به عنوان موجب کیفر زندان یاد شده است این عنوان‌ها عبارتند از:

۱. قتل؛

۲. سرقت؛

۳. آزار جسمی منجر به جرح؛

۴. آزار روحی و دشنام؛

۵. ترک واجبات و انجام محرمات؛

۶. سحر و کارهایی مشابه آن؛

۷. دخالت افراد ناآگاه در امور تخصصی؛

۸. ارتداد؛

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۶

۹. فحشا؛

۱۰. شرب خمر و مسکرات؛

۱۱. مسایل زناشویی؛

۱۲. دشمنی و مبارزه با حکومت؛

۱۳. امور کارگری و کارمندی؛

۱۴. تخلّفات مالی «۱».

برای هر یک از این عنوان‌های اصلی، عنوان‌های دیگری نیز وجود دارد.

(۱) - ر. ک: موارد السجن، ص ۳۵.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۷

کفتار اول: قتل

۱. اتهام به قتل

بنابر روایات شیعه و تسنن، متهّم به قتل زندانی می‌شود.

امام صادق علیه السّلام فرمود: «پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله متهّم به قتل را ۶ روز زندانی می‌کرد؛ اگر اولیای مقتول بیّنه می‌آوردند [حکم می‌کرد] و گرنه او را آزاد می‌کرد». «۱» شیخ طوسی این روایت را با کمی اختلاف نقل کرده است. «۲» حاکم نیشابوری - از علمای اهل سنت - روایت کرده است:

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله شخصی را به اتهام قتل بازداشت کرد. «۳» گروهی از فقهای ما از قبیل شیخ طوسی، «۴» ابن براج «۵» و ابن ابی حمزه طوسی، «۶» به مضمون این روایت فتوا داده‌اند. علامه حلّی «۷» - در یکی از فتوهایش - امام خمینی، «۸» خویی «۹» و گلپایگانی، «۱۰» از علمای معاصر، نیز براساس این

(۱) - الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰، ح ۵.

(۲) - التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۵۲، ح ۳۹.

(۳) - المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۰۲؛ نیل الاوطار، ج ۷، ص ۱۵۲؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸.

(۴) - النهایة، ص ۷۴۴.

(۵) - المهذب، ج ۲، ص ۵۰۳.

(۶) - الوسیلة، ص ۴۶۱.

(۷) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۴.

(۸) - تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۸۰.

(۹) - مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۳۳.

(۱۰) - مجمع المسائل، ج ۳، ص ۲۰۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۸

روایت، فتوا داده‌اند. مالک بن انس، «۱» از علمای اهل سنت، براساس آن، فتوا داده است. برخی از فقهای ما با این رأی مخالفت کرده‌اند. «۲»

مدت زمان حبس، در اتهام به قتل:

درباره مدت زندانی شدن متهم به قتل، اختلاف نظر وجود دارد:

۱. شیخ طوسی و جمعی از فقهای امامیه: ۶ روز. «۳»

۲. ابن ابی حمزه طوسی: ۳ روز. «۴»

۳. اسکافی: یک سال کامل. «۵»

۴. توقیف متهم در زندان تا پایان خصومت یا اقامه یننه. «۶»

البته این زندان، اختصاص به متهم به قتل دارد، نه متهم به جرح؛ چنان که صاحب جواهر «۷» استظهار کرده است. هم‌چنین زندانی کردن متهم به قتل، واجب است نه مستحب؛ «۸» چنان که برخی از علمای اهل سنت در مورد متهمی که از سوگند سر باز می‌زند، می‌گویند زندانی می‌شود تا قسم یاد کند یا اقرار کند. «۹»

(۱) - المدوّنَةُ الکبری، ج ۶، ص ۴۱۶.

(۲) - شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۲۲۷؛ المختصر النافع، ج ۲، ص ۲۹۸؛ الروضة البهیة، ج ۱۰، ص ۷۶؛ مسالك الافهام، ج ۱۵، ص ۲۲۳.

(۳) - القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۲؛ نضد القواعد الفقهيّة، ص ۴۹۹.

(۴) - الوسیلة، ص ۴۶۱.

(۵) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۶۱.

(۶) - موارد السجن، ص ۴۵.

(۷) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۶۱؛ مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۸۲ «تعلیقات علی باب القصاص».

(۸) - موارد السجن، ص ۴۶.

(۹) - بدائع الصنایع، ج ۷، ص ۲۸۹؛ الاختیار، ج ۲، ص ۱۳۵؛ التفریح، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تحفة الفقهاء، ج ۳، ص ۱۳۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۹

۲. راهنمایی قاتل برای پیدا کردن شخص مورد نظر

اگر کسی بخواهد فردی را به قتل برساند، شخصی که او را برای یافتن آن فرد راهنمایی کرده زندانی می‌شود. این نظر اختصاص به شافعی دارد و کسی دیگر متعرض این مسأله نشده است. بنابر نظر شافعی، این شخص زندانی و تعزیر می‌شود. «۱»

۳. نگه داشتن برای کشتن

کسی که فردی را نگه دارد تا او را بکشند، زندانی می‌شود. بنابر روایات اهل سنت و شیعه، او محکوم به زندان ابد می‌شود. در کافی آمده است امام صادق علیه السّلام فرمود: «علی علیه السّلام درباره دو نفر، که یکی مقتول را نگه داشته و دیگری او را کشته بود، حکم کرد و فرمود: قاتل کشته می‌شود و دیگری زندانی می‌گردد تا از غصه بمیرد، و او را زندانی کرد تا از غصه مرد». «۲»

از طریق اهل سنت، دارقطنی نقل کرده است: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد شخصی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته بود، حکم کرد و فرمود: قاتل کشته می‌شود و دیگری زندانی می‌گردد». «۳»

فقهای ما مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، دیلمی، ابن زهره،

(۱) - الام، ج ۷، ص ۳۳۱؛ المحلی، ج ۱۰، ص ۵۱۱؛ موارد السجن، ص ۵۱.

(۲) - الکافی، ج ۷، ص ۲۸۱؛ الفقیه، ج ۴، ص ۸۶؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۱۹.

(۳) - سنن الدار قطنی، ج ۳، ص ۱۴۰؛ مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۹، ص ۳۷۲؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۹، ص ۴۲۷؛ شرح النووی، ج ۱۸، ص ۳۸۲؛ نیل الاوطار، ج ۷، ص ۲۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۰

صاحب جواهر، امام خمینی و محمد رضا طوسی - والد - به مضمون این روایات فتوا داده‌اند. «۱» سید مرتضی می گوید: «از احکامی که ویژه امامیه است، این است که اگر کسی مرتکب قتل شود و دیگری مقتول را نگه داشته و شخص ثالثی ناظر بوده است، قاتل کشته می شود و نگه دارنده حبس ابد می شود و چشم ناظر کور می گردد. «۲»

دیگر مذاهب در این حکم اختلاف کرده‌اند: مالک می گوید:

«نگه دارنده مقتول، به اشد مجازات می رسد و یک سال زندانی می گردد»؛ «۳» شافعی می گوید: «وی تعزیر و حبس می شود»؛ «۴» ابو حنیفه می گوید: «نگه دارنده، تنبیه و سپس زندانی می گردد»؛ «۵» همه حنفی ها می گوید: «وی زندانی می شود تا بمیرد»؛ «۶» برخی حنبلی ها می گویند:

«کشته می شود» و برخی می گویند: «زندان می شود تا بمیرد». «۷»

حبس ابد برای نگه دارنده مقتول، حق الناس است و اگر اولیای دم از آن بگذرند ساقط می شود چنان که امام خمینی فرموده‌اند. «۸»

(۱) - المقنعه، ص ۱۶۶؛ الخلاف، ج ۵، ص ۱۷۳؛ المبسوط، ج ۷، ص ۴۹؛ المراسم العلویة، ص ۲۳۸؛ غنیة النزوع، ص ۴۰۷؛ جواهر

الکلام، ج ۴۱، ص ۴۲؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۶۳؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۶۷.

(۲) - الانتصار، ص ۲۷۰.

(۳) - الموطأ، ج ۲، ص ۸۷۳.

(۴) - الام، ج ۶، ص ۳۰.

(۵) - الام، ج ۷، ص ۳۳۰.

(۶) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۳۰۲.

(۷) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۳۰۲.

(۸) - موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی، ج ۱، ص ۱۸۵.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۱

منظور از نگه داشتن مقتول که موجب حبس ابد می شود، آن طور که از کلام شیخ طوسی «۱» فهمیده می شود، گرفتن فردی است که در حال فرار است؛ تا قاتل بتواند به او دست یابد. ظاهر برخی روایات این است که مقصود، نگه داشتن عرفی است و بستن لزومی ندارد، یا این است که جلوی فرار گرفته شود که با قفل زدن به خانه و مشابه آن نیز تحقق می یابد. «۲»

کلینی به سند خود روایت کرده است: «علی علیه السلام در مورد شخصی که به فردی حمله کرد تا او را بکشد و آن فرد از دست او فرار کرد و شخص ثالثی به او رسید و او را گرفت تا آن شخص آمد و او را کشت، حکم فرمود: قاتل کشته می شود و ممسک به زندان ابد می افتد تا بمیرد. «۳»

زندان در این جا برای نگه دارنده، ابدی و دائمی است؛ چنان که صریح برخی روایات می باشد. در روایات سماعه آمده است: «و

حکم کرد کسی که مقتول را نگه داشته بود، به زندان ابدی بیفتد تا بمیرد. «۴» فتوای فقهای ما، «۵» بلکه اجماع فقهای ما- چنان که صاحب جواهر «۶» گفته

-
- (۱)- الخلاف، ج ۲، ص ۳۵۴.
 (۲)- موارد السجن، ص ۶۲.
 (۳)- الکافی، ج ۷، ص ۲۸۷؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۱۹.
 (۴)- الکافی، ج ۷، ص ۲۸۷، التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۱۹.
 (۵)- المقنعة، ص ۱۱۶؛ النهایة، ص ۷۴۴؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۲؛ تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۴۶۳، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۱؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۶۸.
 (۶)- جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۲.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۲
 است- و نظر برخی از ظاهریه «۱» و اهل سنت این است که مدت زندان بستگی به نظر حاکم شرع- امام- دارد. «۲»
 بنابر نظر ابن براج «۳» و خویی، «۴» این زندانی در هر سال، پنجاه تازیانه می خورد. روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام در این زمینه وارد شده است. «۵»

۴. دستور قتل

کسی که دستور قتل می دهد، زندانی می شود. این رأی، نظر مشهور ما [امامیه] است. «۶» بلکه ادعای اجماع بر آن شده است. «۷» در روایت صحیحی آمده است: «امام باقر علیه السلام درباره شخصی که به دیگری دستور می دهد شخص ثالثی را بکشد، فرمود: قاتل، کشته می شود و دستوردهنده به قتل، زندانی می گردد تا بمیرد». «۸»
 در روایتی از اهل سنت که ابن حزم نقل کرده، آمده است: «اگر شخصی به برده خود دستور قتل کسی را بدهد و او شخصی را بکشد،

-
- (۱)- المحلی، ج ۱۰، ص ۵۱۱.
 (۲)- الموطأ، ج ۲، ص ۸۷۳؛ نیل الاوطار، ج ۷، ص ۲۳.
 (۳)- المهذب، ج ۲، ص ۴۲۸.
 (۴)- مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۱.
 (۵)- الکافی، ج ۷، ص ۳۸۷؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۲۱؛ البحار، ج ۱۰۱، ص ۳۹۷؛ مرآة العقول، ج ۲۴، ص ۳۹.
 (۶)- ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۱۹۰.
 (۷)- الروضة البهیة، ج ۱۰، ص ۲۷.
 (۸)- الکافی، ج ۷، ص ۲۸۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۲.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۳
 دستوردهنده کشته نمی شود، بلکه دیه مقتول را می پردازد و تنبیه و زندانی می گردد. «۱»
 فقهای ما به مضمون روایت صحیح، عمل کرده اند. «۲»

در نظر اهل سنت، شخص مکره که مأمور به قتل شده، تعزیر می‌شود.

برخی از اهل سنت گفته‌اند: حکم او مانند حکم نگاه دارنده است، یعنی زندانی می‌گردد. «۳»

۵. رهایی قاتل از قصاص

کسی که قاتلی را از قصاص برهاند، زندانی می‌گردد. در روایت صحیح آمده است: «راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی، فردی را عمدا کشته است. قاتل را نزد حاکم برده‌اند و حاکم او را به اولیای دم سپرده تا او را بکشند. گروهی به آنان حمله کرده، قاتل را از چنگ آنان نجات داده‌اند. آن حضرت فرمود: کسانی که قاتل را نجات داده‌اند باید زندانی شوند تا قاتل را تحویل دهند. سؤال شد: اگر قاتل مرد و آنان در زندان بودند؟ آن حضرت فرمود: اگر قاتل مرد، باید آنان (زندانیان) به اولیای مقتول دیه پردازند. «۴»

(۱) - المحلی، ج ۱۰، ص ۵۰۸.

(۲) - النهایه، ص ۷۴۷؛ الکافی فی الفقه، ص ۳۸۷؛ الوسیله، ص ۴۳۸؛ الغنیه، ص ۴۰۷؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۳؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۶۳؛ مجمع المسائل، ج ۳، ص ۲۰۹؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۶۶.

(۳) - الإنصاف، ج ۹، ص ۴۵۴؛ الاختیار، ج ۲، ص ۱۰۸.

(۴) - الکافی، ج ۷، ص ۲۸۶؛ الفقیه، ج ۴، ص ۸۰؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۴

جمعی از فقهای ما به مضمون این روایت فتوا داده‌اند؛ از جمله حلبی، یحیی بن سعید، بحرانی، خوئی و گلپایگانی. «۱» آقای خوئی می‌گوید: اگر اولیای مقتول خواستند قاتل را قصاص کنند و گروهی وی را از دست ایشان رها نیندند، آن‌ها زندانی می‌شوند تا قاتل دستگیر شود و اگر قاتل مرد یا دستگیر نشد، کسانی که او را رها نیندند باید دیه مقتول را پردازند. «۲»

۶. ترور

کسی که دست به ترور می‌زند، زندانی می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام از خانه خارج شد و مردم را برای نماز صبح بیدار کرد.

ناگهان عبد الرحمن بن ملجم مرادی با شمشیر به فرق او زد. آن حضرت به زانو افتاد و ابن ملجم را نگه داشت تا مردم او را دستگیر کردند.

علی علیه السلام را بردند، وقتی به هوش آمد به حسن و حسین علیهما السلام گفت: این اسیر را زندانی کنید و به او آب و غذا بدهید و خوب از او نگهداری کنید.

اگر زنده ماندم، خود با آنچه در حق من کرده است سزاوارترم؛ یا او را رها می‌کنم - قصاص می‌کنم - و یا او را عفو می‌کنم و یا مصالحه می‌کنم. «۳»

روایتی به همین مضمون را عبد الرزاق [صاحب مصنف] از قثم، غلام فضل، نقل کرده است. «۴»

(۱) - الکافی، ص ۳۹۵؛ الجامع للشرائح، ص ۵۷۱؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۱، ص ۷۲؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۲۶؛ مجمع

المسائل، ج ۳، ص ۲۰۹.

(۲) - مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۲۶.

(۳) - قرب الاسناد، ص ۱۴۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۹۶؛ جامع أحادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۷۹؛ عقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۹.

(۴) - المصنّف، ج ۱۰، ص ۱۵۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۵

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از خیبر باز می‌گشت، زنی یهودی که به ظاهر ایمان آورده بود، یک ذراع گوشت (سردست گوسفند) سرخ کرده و زهر آلود را جلوی آن حضرت گذاشت ... گوشت گوسفند به دستور خدا، به سخن آمد و گفت: ای رسول خدا، مرا نخور که مسموم هستم ... آن حضرت فرمود: آن زن را بیاورید، و دستور داد او را زندانی کردند. «۱»
ممکن است گفته شود این مورد، مورد خاص است و نبایستی الغای خصوصیت شود [و حکم عمومی از آن انتزاع گردد].

۷. قتل و عفو اولیای دم

قاتل پس از عفو اولیای دم، زندانی می‌شود.

دو روایت در این زمینه وارد شده است: یکی از طریق امامیه، که شیخ طوسی با سند حسن و موثق آن را نقل کرده و دیگری از طریق اهل سنت که حافظ بستی آن را روایت کرده است. «۲»

فضیل بن یسار می‌گوید: «به امام باقر علیه السّلام گفتم: ده نفر، یک نفر را کشته‌اند [حکم آن چیست؟] فرمود: اولیای دم می‌توانند هر ده نفر را بکشند و در عوض، دیه نه نفر را به اولیای آنان [ده نفر] پردازند و اولیای دم می‌توانند یک نفر را بکشند و آن نه نفر، هر کدام یک دهم دیه را به خانواده این مقتولی [که قصاص شده است] پردازند. امام باقر علیه السّلام فرمود: سپس حاکم شرع آن نه نفر را تنبیه و زندانی می‌کند. «۳»

(۱) - بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ موارد السجن، ص ۷۴.

(۲) - معالم السنن، ج ۴، ص ۳.

(۳) - الکافی، ج ۷، ص ۲۸۳؛ الفقیه، ج ۴، ص ۸۵؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۱۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۶

هیچ‌یک از فقهای ما به مضمون این روایت فتوا نداده‌اند، بلکه برخی تصریح کرده‌اند که حبس و ضرب جایز نیست. «۱» یکی از فقهای معاصر «۲» به مضمون این روایت تمایل نشان داده است. مالک و لیث «۳» و اوزاعی، از علمای اهل سنت، و همه علمای مالکی و حنفی قائل به یک سال حبس در این مورد هستند. «۴»

۸. فقدان شرایط ولی دم

اگر ولی دم، شرایط را نداشته باشد، مثلاً صغیر یا غایب یا مجنون باشد، قاتل زندانی می‌شود تا شرایط کامل شود. پس قاتل قصاص نمی‌شود تا ولی دم صغیر، بالغ شود یا [دیوانه] بهبودی یابد و ...

حبس کردن قاتل موافق نظر بسیاری از فقهای ما - مانند طوسی و ابن حمزه «۵» - می‌باشد علامه حلی نیز - بنابر یک احتمال - این نظر را دارد. «۶»

هم‌چنین فخر المحققین، «۷» شهید اول «۸» و امام خمینی - در صورتی که

- (۱) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۶.
 - (۲) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۵.
 - (۳) - بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۴۰۲؛ الموطأ، ج ۲، ص ۸۷۴؛ المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۴۰۳.
 - (۴) - الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۲۶۵؛ المغنی، ج ۷، ص ۷۴۵.
 - (۵) - المبسوط، ج ۷، ص ۵۴؛ الوسيلة، ص ۴۳۹.
 - (۶) - قواعد الأحكام، ج ۲، ص ۲۹۹.
 - (۷) - ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۶۲۳.
 - (۸) - القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۲.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۷
- مدت کوتاهی به زمان بلوغ باقی مانده باشد «۱» و ولی، غایب باشد - همین نظر را دارند. «۲»
- شیبانی، «۳» شافعی، «۴» ابن قدامة، «۵» قرافی، «۶» نووی، «۷» و برخی دیگر «۸» از علمای اهل سنت همین نظر را دارند. نظر مذهب شافعی، مذهب حنبلی و دو تن از یاران ابو حنیفه ابو یوسف و شیبانی نیز همین است. «۹»
- برخی از فقهای ما میان ولی صغیر و مجنون فرق گذاشته‌اند و برخی دیگر فرق گذاشته‌اند میان موردی که ترس از فرار قاتل باشد و یا نباشد؛ که در صورت اول [در هر دو مورد آن] قاتل زندانی می‌شود و در صورت دوم زندانی نمی‌شود.
- روایتی در مورد هشتم وارد نشده است و علت حبس یا به این سبب است که حقوق اولیای دم حفظ شود و یا به این جهت است که خاطر اولیای دم تشفی پیدا کند و یا به جهت این است که معلوم شود فرد غایب می‌خواهد با قاتل چه کند. «۱۰»

- (۱) - موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی، ج ۱، ص ۱۵۴.
 - (۲) - تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۴۸۳.
 - (۳) - الجامع الصغیر، ص ۴۹۵.
 - (۴) - الامم، ج ۸، ص ۳۹۸ و ۱۳۷.
 - (۵) - المغنی، ج ۷، ص ۷۴۰.
 - (۶) - الفروق، ج ۴، ص ۷۹.
 - (۷) - المجموع، ج ۱۸، ص ۴۵۰.
 - (۸) - ر. ک: الشرح الكبير، ج ۹، ص ۳۸۵؛ نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۲۸۴؛ البحر الرائق، ج ۸، ص ۲۹۹؛ التشریح الجنائی، ص ۲۳۸.
 - (۹) - الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۲۷۳.
 - (۱۰) - موارد السجن، ص ۸۴.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۸

۹. قتل ذمی

اگر مسلمانی، فردی ذمی را به قتل رساند زندانی می‌شود؛ البته در صورتی که معتاد به قتل ذمی نباشد.

از نظر ما [امامیه] قاتل ذمی، تعزیر و محکوم به پرداخت دیه می‌شود. «۱» مالک، پیشوای مالکی‌ها، می‌گوید: قاتل زندانی می‌شود. «۲» نص خاصی در این مورد وجود ندارد. «۳»

۱۰. فرار قاتل

اگر قاتل فرار کند، دیه از مالش داده می‌شود و (پس از دستگیری) زندانی می‌شود. کلینی روایت موثقی به سند خود روایت کرده است: «ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی فردی را عمداً کشته و سپس فرار کرده است و دسترسی به او نیست. آن حضرت فرمود: اگر مال دارد دیه از مالش برداشته می‌شود و اگر مال ندارد از خویشانش، الاقرب فالاقرب، می‌گیرند». در روایت دیگر، آن حضرت فرمود: سپس والی [پس از دستگیری]

(۱) - المقنعة، ص ۷۳۹؛ المبسوط، ج ۷، ص ۵؛ غنیة النزوع، ص ۴۰۷؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۲۱۱.

(۲) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۳) - موارد السجن، ص ۸۶.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۳۹

او را زندانی و تنبیه می‌کند. «۱»

از شیخ الاسلام علامه مجلسی نقل شده که اکثر اصحاب به این دو روایت عمل کرده‌اند. «۲» من ندیدم کسی به مضمون روایت دوم عمل کرده باشد. «۳»

۱۱. قتل عبد به دست مولا

اگر مولا، عبد خود را بکشد، زندانی می‌شود. بنابر روایات فریقین، هر کس عبد خود را بکشد یا او را شکنجه دهد تا بمیرد، زندانی می‌شود.

کلینی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: شخصی را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند که عبدش را بر اثر شکنجه، کشته بود. آن حضرت صد تازیانه به او زد، یک سال او را زندانی کرده به اندازه قیمت عبد از او غرامت گرفت و از طرف او صدقه داد. «۴»

از فقهای امامیه، «۵» کسی جز مرحوم خوئی «۶» و یحیی بن سعید حلّی، «۷» را نیافتیم که به مضمون این روایت فتوا داده باشد. ابن جلاب، از علمای اهل سنت، نیز قائل به حبس شده است. «۸»

(۱) - الکافی، ج ۷، ص ۳۶۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

(۲) - روضة المتقین، ج ۱۰، ص ۴۱۶.

(۳) - موارد السجن، ص ۸۸.

(۴) - الکافی، ج ۷، ص ۳۰۳؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۳۵؛ الفقیه، ج ۴، ص ۱۱۲؛ الجعفریات، ص ۱۲۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

- (۵) - موارد السجن، ص ۹۰.
 (۶) - مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۴۰.
 (۷) - الجامع للشرائع، ص ۵۷۶.
 (۸) - التفریح، ج ۲، ص ۲۱۱.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۰

۱۲. قتل توسط عبد به دستور مولا

عبدی که به دستور مولایش قتل کرده، زندانی می‌شود. جمعی از فقهای ما، مانند ابو صلاح حلبی، «۱» یحیی بن سعید «۲» و خوئی، «۳» فتوا به زندان ابد داده‌اند. احمد بن حنبل «۴» و ابو طالب، «۵» از علمای اهل سنت، نیز حکم به حبس داده‌اند. در این مورد، دو روایت از طریق شیعه و اهل سنت، از علی علیه السلام وارد شده است:

روایت اول: امام صادق علیه السلام فرمود: «علی علیه السلام در مورد شخصی که به عبدش دستور داده بود فردی را بکشد و او کشته بود، فرمود: آیا عبد انسان همانند تازیانه و شمشیر او نیست؟ باید مولا قصاص و عبد به زندان سپرده شود». «۶»

روایت دوم: خلّاس می‌گوید: «علی علیه السلام فرمود: اگر عبد به دستور مولا، فردی را بکشد، عبد مانند شمشیر یا تازیانه مولا است، مولا کشته می‌شود و عبد زندانی می‌گردد». «۷»

کلینی نیز روایت کرده است: عبدی که قتل عمد انجام داده، زندانی می‌گردد. «۸»

- (۱) - الکافی فی الفقه، ص ۳۸۷.
 (۲) - الجامع للشرائع، ص ۵۸۰.
 (۳) - مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۴.
 (۴) - المغنی، ج ۷، ص ۷۵۷.
 (۵) - الإنصاف، ج ۹، ص ۴۵۵.
 (۶) - الکافی، ج ۷، ص ۲۸۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۳؛ المناقب، ج ۲، ص ۱۹۵؛ البحار، ج ۱۰۴، ص ۳۸۶.
 (۷) - الامم، ج ۷، ص ۱۷۷؛ السنن الکبری، ج ۸، ص ۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۷.
 (۸) - الکافی، ج ۷، ص ۳۰۴.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۱

۱۳. قتل امان داده شده

کسی که امان داده شده را بکشد، زندانی می‌شود. در این مورد، هیچ روایت و فتوایی وجود ندارد. نقل شده است: شخصی از هند امان گرفته بوده وارد عدن شد و مسلمانی به عنوان تقاص خون برادرش، او را کشت. نامه‌ای در این باره به عمر بن عبد العزیز نوشتند و وی جواب داد:

قاتل را به عنوان قصاص، نکشید؛ بلکه از او دیه بگیرید و برای خانواده مقتول بفرستید، و دستور داد قاتل را زندانی کردند. «۱»

۱۴. قصد کشتن فرزند

کسی که می‌خواهد فرزند خود را بکشد، زندانی می‌شود. در این مورد، کسی جز سرخسی، «۲» از علمای اهل سنت، فتوا به حبس نداده است.

حکم زندان به سبب قتل، اختصاص به موارد چهارگانه ندارد.

(۱) - سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۲۹۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۹، ص ۴۵۱.

(۲) - المبسوط، ج ۲۰، ص ۹۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۲

گفتار دوم: سرقت

۱. سرقت برای بار سوم

کسی که برای بار سوم دست به سرقت می‌زند زندانی می‌شود تا بمیرد. امامیه در این مسأله اتفاق نظر دارند. در مرتبه اول دزدی، دستش و در مرتبه دوم، پایش قطع می‌شود. «۱» برخی از علمای اهل سنت نیز همین نظر را دارند؛ مانند شعبی، حسن بصری، نخعی، زهری، حماد ثوری، «۲» مالک، «۳» ابو یوسف، «۴» ابن جلاب، «۵» کاسانی، «۶» موصلی «۷» و حنفی‌ها. «۸» در میان فقهای ما کسی را مخالف این نظر نیافتیم؛ زیرا این مسأله از مسائلی است که می‌شود ادعا کرد به صورت قطع، از نصوص فهمیده می‌شود. «۹» از جمله این فقها شیخ مفید، «۱۰» شیخ طوسی، «۱۱»

(۱) - موارد السجن، ص ۱۱۰.

(۲) - المغنی، ج ۸، ص ۲۶۸.

(۳) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۲۸۲.

(۴) - الخراج، ص ۱۷۴.

(۵) - التفریح، ج ۲، ص ۲۲۷.

(۶) - بدایع الصنایع، ج ۷، ص ۸۶.

(۷) - الاختیار، ج ۴، ص ۱۰۹.

(۸) - الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۱۵۹.

(۹) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۳۳.

(۱۰) - المقنعة، ص ۱۵۰.

(۱۱) - المبسوط، ج ۸، ص ۳۵؛ الخلاف، ج ۶، ص ۴۳۶؛ النهاية، ص ۷۱۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۳

سَلَّار بن عبد العزیز دیلمی، «۱» ابن ادریس، «۲» طباطبایی، «۳» امام خمینی «۴» و مرحوم طبسی «۵» را می‌توان نام برد.

از فریقین افزون بر هیجده روایت در این باره نقل شده است که برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

کلینی به سند خود نقل کرده است: «امام باقر علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام درباره سارق چنین قضاوت کرد: سارق در مرتبه اول، دست راستش قطع می‌گردد و در مرتبه دوم، پای چپش قطع می‌شود. اگر بار سوم دزدی کرد من او را زندانی می‌کنم و پای

راستش را باقی می‌گذارم تا با آن به دستشویی برود و دست چپش را می‌گذارم تا با آن [غذا] بخورد و با آن طهارت بگیرد. من از خداوند شرم می‌کنم که او را به گونه‌ای رها سازم که نتواند هیچ کاری انجام دهد، ولی او را زندانی می‌سازم تا در زندان بمیرد.»^۶

از طریق اهل سنت، ابن ابی شیبیه روایت کرده است: «سارقی را نزد علی علیه السلام آوردند، وی دست راست او را قطع کرد. بار دوم او را آوردند،

(۱) - المراسم العلویة، ص ۲۵۹.

(۲) - السرائر، ج ۳، ص ۴۸۹.

(۳) - ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

(۴) - تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۴۰.

(۵) - ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۲۵۵.

(۶) - الکافی، ج ۷، ص ۲۲۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۹۲؛ البحار، ج ۷۶، ص ۱۸۵؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۳۶؛ الجعفریات، ص ۱۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۲۵؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۹؛ مسند زید، ص ۳۰۲.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۴۴

پای چپش را قطع کرد. بار سوم که آوردند، فرمود: من شرم می‌کنم دستی را که با آن می‌خورد و طهارت می‌گیرد، قطع کنم.»

در حدیث دیگر آمده که او را تنبیه و زندانی کرد. «۱» در حدیثی آمده است: «اگر باز سرقت کرد، او را به زندان می‌سپارم.» «۲»

۲. سارقی که دست و پاهایش قطع شده است

سارقی که دست‌ها و پاهایش قطع شده است، زندانی می‌شود. شیخ طوسی می‌گوید: اگر کسی که دست راست ندارد - دست راست او به سبب قصاص یا به جهت دیگر قطع شده باشد - دزدی کند، دست چپش قطع می‌گردد... و اگر پا ندارد، مجازاتش فقط حبس است. «۳»

ابن بزاج طرابلسی «۴» و علامه حلی «۵» از نظر شیخ طوسی پیروی کرده‌اند و فاضل مقداد «۶» این مورد را از مواردی شمرده که حکم حبس در آن ثابت شده است.

شهید ثانی، «۷» فاضل هندی «۸» و صاحب جواهر نیز آن را پذیرفته‌اند.

(۱) - المصنّف، ج ۹، ص ۵۰۹.

(۲) - کنز العمال، ج ۵، ص ۵۵۳؛ موارد السجن، ص ۱۱۲.

(۳) - النهایة، ص ۷۱۷؛ المبسوط، ج ۸، ص ۳۹؛ الخلاف، ج ۵، ص ۴۱.

(۴) - ر. ک: مختلف الشیعة، ج ۹، ص ۲۲۲.

(۵) - قواعد الأحکام، ج ۲، ص ۲۷۱؛ تحریر الأحکام، ج ۲، ص ۲۳۱.

(۶) - نضد القواعد الفقهیة، ص ۴۹۹.

(۷) - الروضة البهیة، ج ۹، ص ۲۸۵؛ مسالک الأفهام، ج ۱۴، ص ۵۲۴.

(۸) - كشف اللثام، ج ۲؛ ص ۲۴۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۵

صاحب جواهر در تقریب فتوای شیخ طوسی می‌گوید: زندان ابد می‌شود و این شاید بدین سبب باشد که فی الجمله ثابت است که کیفر سارق، حبس است. «۱»

مالک بن انس، «۲» و ابن قدامه، شافعی، ابو ثور و اصحاب رأی، «۳» از علمای اهل سنت، به حبس در این مورد فتوا داده‌اند. «۴» از طریق شیعه، نصی در این زمینه نداریم؛ ولی از طریق اهل سنت، روایت شده علی علیه السلام، در این مورد عمر را راهنمایی کرد که سارق باید حبس یا تعزیر شود. روایت چنین است: بیهقی به سند خود نقل کرده است: «دزدی که دست و پایش قطع شده بود، را نزد عمر آوردند. عمر دستور داد پایش را قطع کنند؛ ولی علی علیه السلام این آیه را تلاوت کرد: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ** و گفت: دست و پای این شخص قطع شده، سزاوار نیست پای دیگر او قطع شود و او را بدون پایی که با آن راه رود رها کنی؛ او را تعزیر یا زندانی کن. عمر گفت: او را زندانی می‌کنم. «۵»

(۱) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۳۸.

(۲) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۲۸۲.

(۳) - المغنی، ج ۸، ص ۲۶۳؛ ر. ک: الإنصاف، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

(۴) - الإنصاف، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

(۵) - السنن الكبرى، ج ۸، ص ۲۷۴؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۵۵۳؛ المحلی، ج ۱۱، ص ۳۵۵؛ ر. ک: شرح منتهی الارادات، ج ۳، ص ۳۷۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۶

برخی از فقهای ما، مانند ابن ادریس، محقق حلّی و علامه حلّی در تحریر، صاحب جواهر، امام خمینی، خوئی و طبسی، «۱» با حکم حبس مخالفت کرده‌اند. قول به حبس، خلاف مشهور است «۲» که جمعی از فقهای ما آن را اختیار کرده‌اند.

۳. سرقت زیور آلات

سارق زیور آلات زندانی می‌شود.

فقط یحیی بن سعید «۳» چنین فتوا داده و فرد دیگری قائل به آن نشده است و نصی هم در این مورد نداریم. شاید دلیلش این باشد که زیور به سرقت رفته، بدون حرز بوده است و از باب تعزیر، زندانی می‌شود. «۴»

۴. جیب‌بری، دزدی کوچه و خیابان، کفزنی

جیب‌بر، دزد کوچه و خیابان و کفزن زندانی می‌شوند.

در این زمینه روایاتی از فریقین وارد شده است. کلینی با سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. شخصی را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند که گوشواره‌ای را از گوش دخترکی ربوده بود. آن حضرت فرمود: این، ربودن علنی است، «۵» و او را تنبیه و حبس کرد. «۶»

(۱) - ر. ک: موارد السجن، ص ۱۲۴.

(۲) - ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۵۹.

(۳) - الجامع للشرائع، ص ۵۶۲.

(۴) - موارد السجن، ص ۱۲۵.

(۵) - أخذ الشيء اختلاسا. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۸۸؛ النهاية، ج ۲، ص ۱۲۳.

(۶) - الکافی، ج ۷، ص ۲۲۷؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۰۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۷

قتاده، از علمای اهل سنت، می‌گوید: دست دزد کوچه و خیابان قطع نمی‌شود، ولی زندانی و تنبیه می‌گردد. «۱»

لکن از فقهای ما کسی فتوا به حبس نداده و رأی همگی تعزیر است؛ تعزیر به اندازه‌ای که حاکم شرع صلاح بدانند «۲» یا به اندازه‌ای که او را از این جرم باز دارد. «۳»

فتوای ابو یوسف، از علمای اهل سنت، در مورد کفزن و دزد کوچه و خیابان، تنبیه و زندان است تا اظهار توبه کنند. «۴»

۵. سوراخ کردن دیوار خانه و شکستن قفل خانه

کسی که دیوار خانه‌ای را سوراخ می‌کند یا قفل خانه‌ای را می‌شکند، حبس می‌شود.

دزدی را نزد علی علیه السلام آوردند که دیوار خانه‌ای را سوراخ کرد و قبل از سرقت دستگیر شده بود. آن حضرت فرمود: پیشدستی کردید، او را تنبیه کرد و فرمود: دست کسی که دیوار خانه‌ای را سوراخ کند و یا قفلی را بشکند قطع نمی‌شود. نیز کسی که داخل خانه‌ای می‌شود و مالی را برمی‌دارد ولی بیرون نمی‌برد، دستش قطع نمی‌شود. او تنبیه شدید و

(۱) - مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۲۰۹.

(۲) - الروضة البهیة، ج ۹، ص ۳۰۴؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۰۶.

(۳) - المختصر النافع، ص ۲۲۷؛ الوسيلة، ص ۴۲۳؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۵۴؛ موارد السجن، ص ۱۲۹.

(۴) - الخراج، ص ۱۷۱؛ الاختیار، ج ۴، ص ۱۰۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۱۸۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۸

زندانی می‌شود و غرامت زبانی که رسانده، باید بپردازد. «۱»

از نظر فقهای ما، این فرد تنبیه و تأدیب «۲» و تعزیر «۳» می‌شود؛ ولی از نظر اهل سنت، زندانی می‌گردد تا اظهار توبه کند. «۴»

۶. نبش قبر

نبش کننده قبر زندانی می‌شود.

قاضی نقل کرده است: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که نبش قبر کند، تنبیه شدید و شکنجه و زندانی می‌گردد. «۵» فقهای ما با تفصیلاتی که در این مورد دارند، هیچ‌یک فتوا به حبس نداده‌اند، «۶» فقط گفته‌اند تعزیر می‌شود. «۷»

تفصیلی که فقها داده‌اند این است که فرق است میان آن‌جا که کفن را از قبر بیرون بیاورد و آن‌جا که بیرون نیاورد. «۸» و میان آن‌جا که ارزش کفن از ربع دینار بیشتر باشد و آن‌جا که کمتر باشد «۹» و میان آن‌جا که این

(۱) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۷۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۳۵.

(۲) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۳.

(۳) - مناہج المتّقین، ص ۵۰۴.

(۴) - الخراج، ص ۱۷۱؛ مصنّف عبد الرزّاق، ج ۱۰، ص ۱۹۸؛ ابن أبی شیبّه، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ المحلّی، ج ۱۱، ص ۳۲۰.

(۵) - دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۳۶.

(۶) - موارد السجن، ص ۱۳۲.

(۷) - الروضة البهیة، ج ۹، ص ۲۷۳.

(۸) - المبسوط، ج ۸، ص ۳۴.

(۹) - المقنعة، ص ۸۰۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۴۹

کار مکرر از او سرزند یا فقط یک بار انجام داده باشد «۱» و میان آنجا که حاکم متوجه شود و آنجا که حاکم متوجه نشود. «۲»

۷. خریدن شخص آزاد

کسی که شخص آزادی را بخرد، زندانی می‌شود.

ابن عباس می‌گوید: حکم خریدار شخص حرّ، حبس است که مشابه قطع است. «۳» هیچ‌یک از علمای ما [امامیه] قائل به حبس در این مورد نشده‌اند، بلکه می‌گویند باید حکم قطع اجرا شود، زیرا مصداق فساد در زمین است «۴» و روایاتی هم مؤید این رأی است. «۵»

۸. غیبت مالباخته

اگر مالباخته، غایب باشد، سارق زندانی می‌شود تا وی حاضر شود.

شیخ طوسی می‌گوید: «برخی از فقها گفته‌اند: سارق، زندانی می‌شود تا مالباخته حضور یابد»، «... ۶» ولی ظاهر این است که این، قول اهل سنت است؛ زیرا شافعی چنین نظر داده «۷» و نووی این رأی را به تفصیل آورده است. «۸»

(۱) - الاستبصار، ج ۴، ص ۲۴۷.

(۲) - النهایة، ص ۷۲۲.

(۳) - مصنّف عبد الرزّاق، ج ۱۰، ص ۱۹۵.

(۴) - موارد السجن، ص ۱۳۹.

(۵) - الکافی، ج ۷، ص ۲۲۹.

(۶) - المبسوط، ج ۸، ص ۴۲.

(۷) - الامّ، ج ۷، ص ۱۵۱.

طیبی، نجم الدین - مترجم: حسینی، سید محمد رضا و شفیعی، مصطفی، زندان و تبعید در اسلام، در یک جلد، انتشارات صفحه‌نگار، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه ق زندان و تبعید در اسلام؛ ص: ۴۹
 (۸) - المجموع، ج ۲۰، ص ۹۷.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۰

۹. راهزنی

قاطع الطریق زندانی می‌شود.
 امام جواد علیه السّلام فرمود: اگر قاطع الطریق فقط راه را ناامن کرده و کسی را نکشته و مالی را به سرقت نبرده باشد، زندانی می‌شود. «۱»
 این روایت در مسند زید از علی علیه السّلام نقل شده است. «۲»
 ابو صلاح حلبی، «۳» ابن زهره، «۴» صهرشتی «۵» و یحیی بن سعید «۶» فتوا به مضمون این روایت داده‌اند و نظر مالک «۷» و موصلی «۸» نیز همین است.

۱۰. معاونت در راهزنی

کسی که به راهزن کمک می‌کند، مانند کسی که دیده‌بانی می‌کند یا پشتیبانی می‌کند، زندانی می‌شود و این، نظر شافعیه است که می‌گویند:
 کمک کننده راهزن زندانی می‌شود، «۹» ولی بعید نیست که تعزیر (تنبيه) کفایت کند. «۱۰»

-
- (۱) - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۴؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳۵؛ البحار، ج ۷۶، ص ۱۹۷.
 - (۲) - مسند زید، ص ۳۲۳.
 - (۳) - الکافی فی الفقه، ص ۲۵۲.
 - (۴) - غنیة النزوع، ص ۲۰۲.
 - (۵) - إشارة السبق، ص ۱۴۴.
 - (۶) - الجامع للشرائع، ص ۲۴۱.
 - (۷) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۲۹۸.
 - (۸) - الاختیار، ج ۴، ص ۱۱۴؛ ر. ک: نیل الاوطار، ج ۷، ص ۱۵۵؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۰۹؛ موارد السجن، ص ۱۴۸.
 - (۹) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۲؛ حاشیة ابن عابدین، ج ۳، ص ۲۱۲.
 - (۱۰) - موارد السجن، ص ۱۴۸.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۱

۱۱. اتهام به سرقت

متهم به سرقت، زندانی می‌شود.

فرقی نمی‌کند که شخص متهم، زندانی شود تا کالای مسروقه را بیاورد (۱) یا زندانی شود تا شهود حضور یابند (۲) یا عدالت شهود اثبات شود (۳) یا متهم اثبات کند که خود، مالک کالا است. (۴)
این‌ها، روایات و فتوای اهل سنت در این زمینه است و فقهای امامیه متعرض این مسایل نشده‌اند.

۱۲. شهرت به سرقت

کسی که به سرقت معروف شده، زندانی می‌شود.

علت این است که امام، اشرار را زندانی می‌کند. ولی ما ندیدیم از فقهای امامیه کسی متعرض این مورد خاص شده باشد و از فقهای اهل سنت فقط داود بن یوسف خطیب متعرض شده، و می‌گوید:
از محمد بن مقاتل راجع به کسی که معروف شده به دزدی، سؤال شد...
گفت: می‌توان او را دستگیر و به امام تحویل داد. برای این که امام او را زندانی کند تا توبه نماید. (۵)

(۱) - مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۲۱۶؛ سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۳۵؛ فقه السنه، ج ۱۴، ص ۸۳؛ الاحکام السلطانیة، ص ۲۲۰.

(۲) - مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۱۹۰؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۵۴۹.

(۳) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۲۶۷.

(۴) - مصنف ابن ابی شیبة، ج ۱۰، ص ۱۱۹.

(۵) - فتاوی الغیائیة، ص ۱۰۰.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۵۲

گفتار سوم: آزار جسمی منجر به جرح

۱. تمثیل

ممثل، زندانی می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: فقط سه گروه به زنداد ابد محکوم می‌شوند: کسی که عمل تمثیل انجام دهد، زنی که مرتد شود و دزدی که پس از قطع دست و پا، دست به سرقت بزند. (۱)
سه احتمال در معنای تمثیل وجود دارد:

۱. تصویرگری؛ ۲. متله کردن؛ شکنجه و بریدن گوش و بینی و دیگر اعضا. (۲) ۳. اصرار ورزیدن بر تمثیل. (۳)

حکم به حبس در تمثیل، خلاف مشهور است (۴) و احتمالاً منظور از تمثیل، تمثیلی است که موجب قصاص و دیه نمی‌شود؛ مانند کسی که عبدش را تمثیل می‌کند. (۵) بعید نیست که جایز باشد امام در مورد کسی که اصرار بر عمل حرام و مستهجنی دارد و هیچ چیز جز زنداد مانع کار او نمی‌شود، حکم به زنداد بدهد. (۶) در این صورت، حکم به حبس در این مورد داخل حکم به حبس کسی می‌شود که اصرار بر عمل حرام دارد و عنوان خاصی ندارد. (۷)

(۱) - الکافی، ج ۷، ص ۲۷۰؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۹۳.

(۲) - مرآة العقول، ج ۲۳، ص ۴۲۰؛ الوافی، ج ۱۵، ص ۴۹۳.

(۳) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۲.

(۴) - مرآة العقول، ج ۲۳، ص ۴۲۰.

(۵) - الوافی، ج ۱۵، ص ۴۹۳.

(۶) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۲.

(۷) - موارد السجن، ص ۱۵۶.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۳

۲. تراشیدن یا از بین بردن موی سر زن

کسی که موی سر زنی را بترشد یا از بین ببرد، زندانی می‌شود. در این مورد، روایت صحیحی از کلینی وارد شده است: عبد الله بن سنان می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر مردی زنی را بگیرد و سرش را بترشد، حکمش چیست؟ آن حضرت فرمود: شدیداً تنبیه می‌شود و در زندان مسلمانان، زندانی می‌گردد تا موی آن زن بیرون بیاید. اگر موی او روید به مقدار مهریه زن‌های هم‌شان او از آن مرد گرفته می‌شود [و به زن داده می‌شود] و اگر نروید یک دینه کامله یعنی پنج هزار درهم از او گرفته می‌شود [و به زن می‌دهند].» (۱)

یحیی بن سعید (۲) و علامه مجلسی (۳) فتوا به حبس این شخص داده‌اند.

صاحب جواهر (۴) نیز چنین فتوا داده ولی حبس در این جا را حمل بر تعزیر کرده که به نظر حاکم بستگی دارد. صاحب مفتاح الکرامه در حکم به حبس تردید کرده و گفته است: زندان و تنبیه، تراشیدن و از بین بردن مو را جبران نمی‌کند. (۵)

۳. زدن عبد بدون دلیل

کسی که عبد را بدون گناه بزند، زندانی می‌شود. من کسی را نیافتم در این مورد به حبس قائل شده باشد؛ جز آنچه که از برخی از مذاهب منتسب به اسلام نقل شده است. (۶)

(۱) - الکافی، ج ۷، ص ۲۶۱؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۶۴.

(۲) - الجامع للشرائع، ص ۶۰۱.

(۳) - حدود، دیات، قصاص، ص ۶۲.

(۴) - جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۷۴.

(۵) - مفتاح الکرامة، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

(۶) - المصنف للکندی، ص ۲۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۴

گفتار چهارم: آزار روحی و دشنام

۱. دشنام و هجو مسلمان

اگر کسی به مسلمانی دشنام دهد یا او را هجو کند، زندانی می‌شود.

مشهور نزد ما [امامیه] این است که زندان، تعزیر برای کسی است که به دیگری دشنام دهد؛ به شرطی که قذف نباشد که موجب حدّ می‌شود. «۱»

از نظر اهل سنت، هرکس مسلمانی را هجو کند یا دشنام دهد، «۲» زندانی می‌شود؛ که احتمال دارد منظور از آن، زندان تعزیری باشد که حاکم شرع به جهت تأدیب، آن را مصلحت می‌داند. «۳»

۲. مردم‌آزاری

هرکس مردم‌آزاری کند، زندانی می‌شود.

برای این حکم استدلال می‌کنند به فعل علی بن ابی طالب علیه السلام، که اگر در میان قبیله یا جمعیتی فرد فاسق و فاسدی بود او را زندانی می‌کرد و اگر مالی داشت از مال خودش خرج او را می‌داد و اگر نداشت از اموال

(۱) - الروضة البهیة، ج ۹، ص ۱۸۸؛ النهایة، ص ۷۲۹؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۵۱.

(۲) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۲۲۳؛ فتاوی الغیائیة، ص ۹۹؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۲۱۸.

(۳) - موارد السجن، ص ۱۷۵؛ از نظر شیعه و مالکیه و حنبلی‌ها، کسی که سب نبی صلی الله علیه و آله کند، کشته می‌شود و نوبت به زندان نمی‌رسد. البته بعضی از مذاهب اسلامی در این خصوص نظر دیگری دارند.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۵

مسلمانان خرجش را می‌داد. «۱»

در میان اهل سنت، برخی مانند ابن نجار قائل به این حکم شده‌اند. «۲»

۳. دستور افترا

کسی که دستور افترا دهد، زندانی می‌شود.

از اهل سنت، شافعی متعرض این مسأله شده است. «۳»

احتمال دارد این مورد و مورد قبلی، داخل در موردی باشد که شخص را زندانی می‌کنند تا از محرمات دست بردارد، و مبنی بر شمول تعزیر نسبت به حبس باشد. «۴»

گفتار پنجم: ترک واجبات و انجام محرمات

۱. فعل حرام

زندان کردن شخص به جهت این که دست از حرام بردارد.

در روایت صحیح که صدوق به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: شخصی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مادرم دست نامحرم را رد نمی‌کند. آن حضرت فرمود: او را [در خانه] نگاه دار.

- (۱) - الخراج، ص ۱۵۰.
- (۲) - منتهی الارادات، ج ۲، ص ۴۷۹؛ الانصاف، ج ۱۰، ص ۲۴۹.
- (۳) - الامم، ج ۷، ص ۳۳۱.
- (۴) - موارد السجن، ص ۱۷۷.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۶
- گفت: این کار را کرده‌ام. فرمود: نگذار کسی وارد خانه شود. گفت: این را هم کرده‌ام. فرمود: او را به بند بکش؛ زیرا تو هیچ کاری بهتر از این برای او نمی‌کنی که او را از حرام بازداری. «۱»
- منظور از بند کشیدن، زندانی کردن است؛ چنان که مجلسی اول «۲» و شیخ حرّ عاملی «۳» گفته‌اند و ممکن است به بند کشیدن، کنایه از شوهر دادن باشد. «۴»
- برخی از فقهای شیعه به مضمون این روایت عمل کرده‌اند. «۵»
- قرافی، از علمای اهل سنت، معتقد است زندان در هشت مورد مشروعیت دارد که یکی از آنها زندانی کردن شخص مجرم است تا [هم] تعزیر گردد و [هم] از معصیت الهی دست بردارد. «۶»

۲. ترک واجبات

کسی که واجبات را ترک می‌کند، زندانی می‌شود. علامه می‌گوید: اگر کسی معتقد باشد که زکات واجب است، ولی زکات نپردازد فاسق است؛ امام بر او سخت می‌گیرد و با او می‌جنگد تا زکات خود را بپردازد، زیرا زکات حقی است که ادای آن بر او واجب است؛ و اگر مال خود را

-
- (۱) - الفقیه، ج ۴، ص ۵۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۱۲.
- (۲) - روضه المتقین، ج ۱۰، ص ۲۱۵.
- (۳) - بدایه الهدایه، ج ۲، ص ۴۶۲.
- (۴) - همان.
- (۵) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۴ و ۴۳۱؛ بدایه الهدایه، ج ۲، ص ۴۶۲.
- (۶) - الفروق، ج ۴، ص ۷۹.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۷
- مخفی کند، امام او را زندانی می‌کند تا اموالش را نشان دهد و هروقت نشان داد امام به مقدار زکات از آن برمی‌دارد. «۱»
- بنابر نظر ابو حنیفه و مالک، تارک الصلاة زندانی می‌شود تا نماز خوان شود. «۲»
- قرافی - از علمای اهل سنت - می‌گوید: حبس در هشت مورد مشروعیت دارد ... دوم: کسی که حق الله مثل روزه را انجام ندهد. «۳»
- رأی حنیفه و مزنی - یکی از اصحاب شافعی - نیز همین است. «۴»
- صاحب جواهر می‌گوید: گاهی مصلحت در برخی از موارد اقتضا می‌کند که حاکم بتواند حکم به زندان بدهد. «۵»

۳. بدعت

بدعت گزار، زندانی می‌شود. این، نظر احمد بن حنبل است. «۶» بنابر مذهب امامیه، اگر بدعت منجر به انکار خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن نشود تعزیر می‌گردد و اگر منجر به یکی از این‌ها شود- به جهت ارتداد- حکم او قتل است. «۷»

(۱)- تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۸.

(۲)- الخلاف، ج ۵، ص ۳۵۸.

(۳)- الفروق، ج ۴، ص ۸۰.

(۴)- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۵۸.

(۵)- جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۴۹.

(۶)- الانصاف، ج ۱۰، ص ۲۴۹.

(۷)- موارد السجن، ص ۱۸۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۸

گفتار ششم: سحر و کارهای مشابه آن

۱. سحر

از نظر امامیه، ساحر کشته می‌شود و خلافتی در میان ما نیست. «۱» از نظر احمد بن حنبل، ساحر زندانی می‌شود. «۲» از نظر شیعه، خلافتی نیست که کفایت حرام است. «۳» احمد بن حنبل می‌گوید: کاهن زندانی می‌شود. «۴»

۲. تنجیم

منجم، زندانی می‌شود. علی علیه السلام به مسافر بن عقیف ازدی گفت: «اگر به من خبر رسد که به «تنجیم» می‌پردازد تا من قدرت دارم تو را در زندان نگه می‌دارم؛ به خدا سوگند، محمد صلی الله علیه و آله نه منجم بود و نه کاهن.» «۵» ظاهر روایت این است که حکم منجم، زندان ابد است. در میان مسلمانان هیچ اختلافی نیست که تنجیم حرام است، ولی

(۱)- مسالك الأفهام، ج ۱۴، ص ۴۵۴؛ المبسوط، ج ۷، ص ۷۲.

(۲)- المغنی، ج ۸ ص ۱۵۵.

(۳)- تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۶۱؛ کفایة الاحکام، ص ۸۷؛ ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۵۸؛ مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۱۷؛ ذخیره الصالحین، ج ۵، ص ۲۹۷.

(۴)- المغنی، ج ۸، ص ۱۵۵؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۶۲؛ موارد السجن، ص ۱۹۶.

(۵)- أنساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۹۷؛ نهج السعادة، ج ۲، ص ۳۷۲؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۶۹؛ مرآة العقول، ج ۴، ص ۴۱۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۵۹

اختلاف در معنای تنجیم وجود دارد؟ آیا تنجیم اعتقاد به تأثیر اوضاع فلکی در جهان به صورت مستقل است «۱» و یا این باور است که ستارگان نشانه‌هایی از حوادثی هستند که در جهان رخ می‌دهند. «۲»

این گونه روایت، دلالت بر حرمت آموزش تنجیم برای برخی از اهداف مجاز ندارد. «۳»

گفتار هفتم: ارتداد

۱. ارتداد زن

زنی که مرتد شده، به زندان ابد محکوم می‌شود.

روایاتی در این زمینه هست؛ از جمله کلینی به سند خود از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند که مرد مرتد، توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد کشته می‌شود و زن مرتد، توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد زندان ابد می‌شود و در زندان بر او سخت گرفته می‌شود. «۴» حکم زندان در این مورد، در میان فقهای امامیه مشهور «۵» و اجماعی است؛ اجماع منقول و

(۱) - تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۱۶۱؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۱۰۱۴؛ القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۳۵؛ جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۲.

(۲) - موارد السجن، ج ۲۰۱؛ مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۴۸.

(۳) - مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۴۸؛ کفایة الاحکام، ص ۸۷؛ المکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۲۷۹.

(۴) - الکافی، ج ۷، ص ۲۵۶؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۳۷؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۲۵۳.

(۵) - ر. ک: حدود و دیات و قصاص و الديات للمجلسی، ص ۴۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶۰

اجماع محصل؛ و روایات بر آن دلالت می‌کنند. «۱»

از علمای اهل سنت، عده‌ای مانند ثوری و دیگر علمای کوفی، «۲» سمرقندی، «۳» ابو حنیفه و همه حنفی‌ها، نیز همین نظر را دارند. «۴»

در این جا بحث است که زن مرتد اگر توبه کند و به اسلام برگردد، تا ابد در زندان می‌ماند یا نه؟ از سخن ابن ادریس «۵» و علامه حلی «۶» فهمیده می‌شود که در این جا اختلاف وجود دارد و شهید ثانی به این اختلاف تصریح کرده و فتوا داده است که زن مرتد گرچه توبه کند، توبه‌اش پذیرفته نیست؛ وی می‌گوید: می‌توان اخباری که دلالت بر حبس دائمی زن مرتد دارد و فرقی میان فطری و غیر فطری نگذاشته، بر این حمل کرد که حبس دائم، حدّ زن مرتد است و توبه او نیز مانند توبه مرد پذیرفته نیست. «۷»

(۱) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۰۸؛ مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۲۶؛ مجمع البرهان، ج ۱۳، ص ۳۳۶؛ ریاض المسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۱؛ الکافی فی الفقه، ص ۳۱؛ شعائر الاسلام، ج ۲، ص ۸۳۵؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴۵؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۲۹؛ و همچنین اگر زن مسلمانی بعد از مهاجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام مرتد شد به سرزمین کفر برگردانده نمی‌شود، بلکه حکم زن مسلمان که ابتدا حبس می‌شود و سپس در وقت نمازها شلاق زده می‌شود تا این که توبه کند و یا بمیرد بر او بار می‌شود. ر. ک: ملحق منهاج الصالحین، ص ۴۰۳؛ المسأله، ص ۱۳۶۸.

(۲) - سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۸.

(۳) - تحفه الفقهاء، ج ۳، ص ۳۰۹.

(۴) - المغنی، ج ۸، ص ۱۲۳؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۲۶.

- (۵) - السرائر، ج ۳، ص ۳۰۹.
- (۶) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۵.
- (۷) - مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۲۶؛ ر. ک: تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۵؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۱۲؛ ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۲؛ موارد السجن، ص ۲۴۲.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶۱

۲. ارتداد مرد

۳. غلو درباره حضرت علی علیه السلام

حبس کسی که علی ابی طالب را خدا می‌پندارد. روایات حبس در هر دو مورد، از نظر سند و دلالت، محل تأمل است. «۱»

گفتار هشتم: فحشا

۱. برای اجرای حدّ

روایاتی از فریقین دلالت دارد که برخی از افراد مجرم زندانی می‌شوند تا زمان اجرای حدّ برسد؛ مانند زن باردار تا موقعی که وضع حمل کند، کسی که چهار بار اقرار به زنا کرده و قاتل که تا زمان قصاص زندانی می‌شوند. «۲»

شیخ طوسی روایت کرده است: علی علیه السلام درباره کتیزکی که نصرانی بود [مسلمان شد و سپس مرتد شد] چنین قضاوت کرد: من او را زندانی می‌کنم تا زمانی که وضع حمل کند و وقتی وضع حمل کرد او را می‌کشم. «۳»

(۱) - موارد السجن، ج ۲۴۳.

(۲) - موارد السجن، ص ۲۴۷.

(۳) - التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۴۳؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۲۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۵۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶۲

در داستان ماعز آمده که نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقرار کرد و آن حضرت دستور داد او را زندانی کنند. «۱»

شیخ مفید فتوا داده که زن حامله زندانی می‌شود تا زمانی که وضع حمل کند. «۲» علی بن حمزه طوسی نیز فتوا داده قاتل زندانی می‌شود تا وقت قصاص. «۳» شافعی و سرخسی، از علمای اهل سنت، گفته‌اند: زن حامله زندانی می‌شود تا زمانی که وضع حمل کند. «۴» اصطخری گفته است: زنی که محکوم به قصاص شده است زندانی نمی‌شود تا این که چهار زن شهادت دهند او باردار است. «۵» [و در این صورت زندانی می‌شود تا وضع حمل کند]. جزیری گفته است: حبس زن باردار تا زمان وضع حمل، مورد اتفاق است. «۶»

در این جا دو مسأله قابل توجه است:

۱. زن باردار چه مدت در زندان می‌ماند؟

از نظر امامیه، مدت زندانی ۹ ماه است. و بعضی هم گفته‌اند ۱۰ ماه است، و این بیش‌ترین مدت است؛ زیرا مدت حمل از آن

بیش‌تر نمی‌شود. «۷»

(۱) - مصنف ابن ابی شیبۀ، ج ۱۰، ص ۷۲؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۳۲۷؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۴۱۰.

(۲) - المقنعة، ص ۷۸۲.

(۳) - الوسیلة، ص ۴۳۹.

(۴) - الامم، ج ۶، ص ۱۴۶؛ المبسوط، ج ۹، ص ۷۳.

(۵) - المجموع، ج ۱۸، ص ۴۵۰.

(۶) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۳۶۴.

(۷) - الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۳۲.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۶۳

از نظر اهل سنت، سرخسی گفته است تا ۲ سال زندانی می‌شود. «۱»

نظر مالکی‌ها این است که وضع حمل ممکن است تا ۵ سال طول بکشد و این احتمال در میان آنان مشهور است و بنای قضاوتشان بر آن گذاشته شده است. «۲»

منشأ این اختلاف، اختلاف در آخرین مدت حمل است. برخی از آنان معتقدند جنین بیش از دو سال در رحم باقی نمی‌ماند و برخی دیگر معتقدند ممکن است جنین تا پنج سال در رحم باقی بماند و برای آن شواهدی می‌آورند؛ مانند ضحاک بن مزاحم که ۱۶ ماه، شعبه بن حجاج که ۲ سال، «۳» و مالک بن انس «۴» که ۳ سال و محمد بن عجلان که بیش از ۳ سال در شکم مادر بود و وقتی که به دنیا آمد دندان‌هایش روئیده بود.

آل حجاج - از خانواده زید بن خطاب - می‌گویند: «هیچ یک از زنان ما زودتر از ۳۰ ماه وضع حمل نمی‌کنند».

هرم بن حیثان ۴ سال در شکم مادرش بود؛ از این رو، هرم (پیرمرد) نامیده شد. «۵»

این عقیده، سست است و عقل و علم آن را نمی‌پذیرد و از نظر شیعه

(۱) - المبسوط، ج ۹، ص ۲۷۴.

(۲) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۲۳؛ ر. ک: الاختیار، ج ۳، ص ۱۷۹؛ الانصاف، ج ۹، ص ۲۷۴؛ موارد السجن، ص ۲۵۱.

(۳) - المعارف، ص ۵۹۴.

(۴) - سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۱۳۲.

(۵) - المعارف، ص ۵۹۴.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۶۴

و برخی اهل سنت، باطل است.

۲. آیا برای قصاص در مورد ایراد جرح، حکم زنداد اجرا می‌شود؟

از گفته مالک چنین برمی‌آید که زندانی می‌شود. «۱» من ندیدم بین علمای شیعه و سنی، کسی جز مالک متعرض این مسأله شده باشد. «۲»

در روایت آمده است: علی علیه السلام پس از این که هشتاد ضربه به نجاشی - به سبب شرب خمر - زد، او را زندانی کرد و سپس بیست تازیانه به او زد. «۳»

هیچ‌یک از فقهای شیعه این مورد را ذکر نکرده‌اند؛ جز آنچه از شیخ طوسی به نظر می‌آید. «۴» از علمای اهل سنت، ابو یوسف، «۵» سرخسی و کاشانی گفته‌اند: زندانی می‌شود تا تخفیفی برای او باشد. «۶»

۳. برای جلوگیری از زنا

قبلا در بحث زندان برای جلوگیری از محرمات، به آن اشاره کردیم. «۷»

- (۱) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۴۳۲؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۸۱.
 - (۲) - موارد السجن، ص ۲۵۲.
 - (۳) - الكافي، ج ۷، ص ۲۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۷۴؛ الفقیه، ج ۴، ص ۴۰.
 - (۴) - المبسوط، ج ۵، ص ۱۹۶.
 - (۵) - الخراج، ص ۱۶۶.
 - (۶) - المبسوط، ج ۲۴، ص ۳۲؛ بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۶۳.
 - (۷) - موارد السجن، ص ۲۵۵.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۶۵

۴. زنا با خواهر

کسی که با خواهر خود زنا کرده، زندانی می‌شود.

وی در صورتی زندانی می‌شود که پس از اجرای حدّ با شمشیر، نمیرد. پس زندانی می‌شود تا بمیرد. در این زمینه، کلینی این روایت را نقل کرده است: راوی می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حکم شخصی که با خواهر خود جماع کند چیست؟ فرمود: یک ضربه شمشیر می‌خورد. گفتیم: با یک ضربه از مرگ رهایی می‌یابد. فرمود: زندانی می‌شود تا بمیرد. «۱» این روایت از نظر راوی ضعیف است. ما ندیدیم کسی به مضمون آن قائل باشد، بلکه به صورت قطع می‌گویند حکم چنین مجرمی قتل است؛ «۲» فقط از کلام یحیی بن سعید «۳» و شیخ حرّ عاملی «۴» بر می‌آید که به مضمون روایت قائل شده‌اند.

به‌هرحال، این روایت نمی‌تواند با روایات دیگر معارضه کند - هر چند مسأله قابل تأمل است - بلکه شاذّ است. «۵»

- (۱) - الكافي، ج ۷، ص ۱۹۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۸۵؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۳؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۲۰۸.
 - (۲) - مرآة العقول، ج ۲۳، ص ۲۸۹؛ موارد السجن، ص ۲۵۷.
 - (۳) - الجامع للشرائع، ص ۵۴۹.
 - (۴) - بداية الهدایه، ج ۲، ص ۴۵۹.
 - (۵) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۱۱؛ تقریر أبحاث گلپایگانی بقلم سید علی المیلانی؛ ذخیره الصالحین للطبسی، ج ۸، ص ۳۹.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۶۶

۵. زناي زن

زن زناکار، به عنوان حدّ و مجازات برای جرمش زندانی می‌شود. این حکم در ابتدای اسلام بود. «۱» و با آیه رجم، نسخ شد. «۲» برخی گفته‌اند آیه، نسخ نشده و حکم زندان تشریح شده تا دیگر مرتکب فحشا نشود. «۳» این، عقیده بعضی از علمای اهل سنت نیز هست. «۴» بیشتر علمای شیعه معتقد به نسخ این حکم توسط آیه جلد هستند. «۵» اهل سنت نیز معتقدند آیه، منسوخ شده و دلیل آن اجماع امت است. «۶»

۶. زناي غير محصنه

زناکار غیر محصن، زندانی می‌شود. روایتی از «مسند زید» بر این حکم دلالت دارد؛ در این روایت آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حکم مرد و زن متأهل، صد تازیانه و رجم است و حکم مرد و زن غیر متأهل، صد تازیانه و یک سال حبس است. «۷»

(۱) - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۵۱.

(۲) - تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۳۳.

(۳) - البیان، ص ۲۳۱؛ موارد السجن، ص ۲۶۵.

(۴) - التفسیر الکبیر، ج ۹، ص ۲۳۲؛ روائع البیان، ج ۲، ص ۲۰.

(۵) - فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۶۷؛ تحریر الأحکام، ج ۲، ص ۲۲۲؛ مسالک الأفهام، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

(۶) - المحلّی، ج ۱۱، ص ۱۳۳؛ السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۱۰.

(۷) - مسند زید، ص ۲۹۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶۷

هیچ‌یک از فقهای امامیه و اهل سنت قائل به این حکم نشده‌اند، جز مالک که می‌گوید: وی در تبعید گاه خود زندانی می‌شود. «۱» ابن جلاب «۲» نیز همین نظر را دارد. شوکانی آن را به برخی دیگر نیز نسبت داده است. «۳»

۷. نگاه داشتن فرد برای زناي با او

کسی که فردی را نگه می‌دارد تا با او زنا کنند، زندانی می‌شود. در این زمینه نه روایتی وجود دارد و نه کسی جز شافعی به آن قائل است. «۴»

ما منکر نیستیم که چنین شخصی باید تعزیر شود، زیرا کمک بر گناه کرده است. «۵»

۸. قوادی

قوادی، حبس می‌شود. قوادی، دلّال فحشاء است. در این زمینه، روایتی است که از نظر سند، ضعیف است و می‌گوید حکم قوادی تبعید است که به وسیله یک سال حبس تحقق می‌یابد. «۶»

- (۱) - المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۲۳۷.
 (۲) - التفریح، ج ۲، ص ۲۲۲.
 (۳) - نیل الاوطار، ج ۷، ص ۹۰؛ ر. ک: موارد السجن، ص ۲۶۹.
 (۴) - الامم، ج ۷، ص ۳۳۱.
 (۵) - موارد السجن، ص ۲۷۰.
 (۶) - فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۸۷؛ البحار، ج ۷۹، ص ۱۱۶.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶۸

من ندیدم کسی از فقهای شیعه، فتوا به حبس در این مورد داده باشند.

هم چنین ندیدم هیچ یک از علمای اهل سنت این مسأله را در کتاب‌های خود آورده باشد، جز برخی ناصبیان منتسب به اسلام که قائل به حبس شده‌اند. «۱»

۹. لواط

آیا مجازات لواط، حبس است.

ابو حنیفه «۲» و حنفی‌ها «۳» معتقدند مجازات لواط، حبس ابد است. این رأی از نظر امامیه، باطل است و حدّ لواط، از نظر نصّ و فتوا قتل است. «۴»

۱۰. آمیزش با جاریه مشترک توسط شریک

اگر شریکی با جاریه مشترک آمیزش کند، زندانی می‌شود.

از نظر امامیه، چنان که شیخ مفید «۵» تصریح کرده، مجازات آن تعزیر است؛ ولی برخی خوارج گفته‌اند مجازات آن، حبس است. «۶»

- (۱) - الفتاوی الکبری، ج ۴، ص ۲۹۹.
 (۲) - معالم القریه، ص ۲۸۱؛ المحلّی، ج ۱۱، ص ۳۸۵.
 (۳) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۱۴۱.
 (۴) - المقنع، ص ۱۴۴؛ المقنعه، ص ۷۸۵؛ النهایه، ج ۴، ص ۷۰۸؛ المبسوط للطوسی، ج ۸، ص ۷؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۳۰؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۸۱؛ الجامع للشرائع، ص ۵۵۵.
 (۵) - المقنعه، ص ۷۸۵.
 (۶) - المصنّف، ص ۲۲۹.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۶۹

گفتار نهم: شرب خمر و مسکرات

در این گفتار چهار مورد وجود دارد که به آن می‌پردازیم.

۱. شرب خمر در ماه رمضان

کسی که در روز ماه رمضان، شرب خمر کند علاوه بر تازیانه زندانی می‌شود. ابو مریم روایت کرده است: نجاشی شاعر را که در ماه رمضان شرب خمر کرده بود، نزد علی علیه السلام آوردند. آن حضرت هشتاد تازیانه به او زد و او را یک شب زندانی کرد...
«۱»

این مورد را ما در جایی که زندان برای فاصله میان دو حدّ، در نظر گرفته شده است آوردیم.

۲. دادن شراب

ساقی شراب، زندانی می‌شود.

شافعی به این مورد اشاره کرده است. «۲» این مورد داخل در آنجایی است که حبس به سبب ارتکاب محرمات، است، که قبلاً گذشت.

(۱) - الکافی، ج ۷، ص ۲۱۶.

(۲) - الامّ، ج ۷، ص ۳۳۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۰

۳. بیهوشی در اثر مستی

مست، زندانی می‌شود تا به هوش آید.

در این زمینه، نصّ و فتوایی ندیدیم و هیچ وجهی برای تأخیر حدّ وجود ندارد، مگر بنا بر قول فقهای اهل مدینه که می‌گویند: مست، تازیانه نمی‌خورد تا به هوش آید. «۱»

گفته‌اند فتوای عبد الله بن مسعود در مورد مست این است که او را به زندان می‌برند و روز بعد برای اجرای حدّ می‌آورند. «۲» این حدیث از نظر اهل سنت، ضعیف است. «۳»

۴. افراط در مشروب‌خواری

کسی که زیاد مرتکب شرب خمر می‌شود، زندانی می‌شود.

ابو محجن صحابی!! بارها بر اثر شرب خمر تازیانه خورد. وقتی این کار تکرار شد او را زندان کردند و بستند. «۴» از نظر شیعه، پس از این که دو مرتبه بر او اقامه حدّ شد، در مرتبه سوم یا چهارم کشته می‌شود و نوبت به حبس نمی‌رسد. «۵»

(۱) - السنن الکبری، ج ۸، ص ۳۱۸.

(۲) - مصنّف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۳۷۰؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۴۰۱.

(۳) - السنن الکبری، ج ۸، ص ۳۱۸.

(۴) - مصنف عبد الرزاق، ج ۹، ص ۲۴۳؛ اسد الغابۀ، ج ۹، ص ۲۴۰؛ رجال مقارن، طبسی، ص ۷۲.

(۵) - الروضة البهیة، ج ۹، ص ۲۰۵.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۱

گفتار دهم: مسایل زناشویی

۱. ایلاء زوج و خودداری از رجوع یا طلاق او

کسی که زوجه خود را ایلاء می‌کند (یعنی سوگند می‌خورد با او آمیزش نکند) و سپس از رجوع یا طلاق سرباز می‌زند، زندانی می‌شود.

روایات در این زمینه به حدّ استفاضه می‌رسد. کلینی به سند خود نقل کرده است: امام صادق علیه السّلام فرمود: هرگاه مولی از طلاق، امتناع می‌ورزید، علی علیه السّلام اتاکی از نی درست می‌کرد و او را در آنجا زندانی می‌کرد و به او غذا و آب نمی‌داد تا زنش را طلاق دهد. «۱»

از نظر امامیه، اگر مولی از رجوع و یا طلاق امتناع ورزد، زندانی می‌شود و بر او سخت می‌گیرند تا رجوع کند و یا طلاق دهد. «۲» این حکم در میان علمای ما مخالفی ندارد. «۳» برخی از علمای اهل سنت مانند شافعی، «۴» مالک، احمد، اسحاق، ابو ثور و ابو عبید، «۵» ظاهریه «۶» و زیدیه «۷» قائل به حبس هستند.

(۱) - الکافی، ج ۶، ص ۱۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۴۵؛ التهذیب، ج ۸، ص ۶.

(۲) - شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۸۶؛ وسیله النجاة، ص ۳۹۰.

(۳) - جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۳۱۵؛ المقنع، ص ۳۵۱؛ المبسوط، ج ۴، ص ۱۳۳؛ الخلاف، ج ۴، ص ۵۱۵؛ النهایه، ص ۵۲۹؛ الکافی فی الفقه، ص ۳۰۲؛ المراسم، ص ۱۵۹؛ المهذب، ج ۲، ص ۳۰۲؛ فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۰۲؛ غنیة النزوع، ص ۳۶۵؛ المختصر النافع، ص ۲۰۷.

(۴) - الامّ، ج ۸، ص ۲۰۰.

(۵) - سنن الترمذی، ج ۳، ص ۵۰۵؛ اختلاف العلماء للمروزی، ص ۱۸۳.

(۶) - بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۱۰۲.

(۷) - عیون الازهار، ص ۳۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۲

۲. ظهار و خودداری از رجوع یا طلاق

کسی که ظهار کند (به زن خود بگوید: ظهرك كظهر ائمی، یعنی پشت تو مانند پشت مادر من است و در نتیجه، به خیال خود، آمیزش با او بر خود حرام کند) و حاضر به رجوع یا طلاق نشود، زندانی می‌گردد تا به یکی از رجوع یا طلاق تن دهد. شیخ طوسی به سند خود نقل کرده است: ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السّلام راجع به مردی که نسبت به زن خود ظهار کرده بود پرسیدم، فرمود: اگر با او هم‌بستر شد باید [به عنوان کفارہ] یک بنده آزاد کند یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد و یا به

شصت مسکین غذا بدهد و اگر در ظرف سه ماه با او هم‌بستر نشد و به او رجوع نکرد توقیف و زندانی می‌گردد و از او سؤال می‌شود به همسرت نیاز داری یا او را طلاق می‌دهی. «۱» گروهی از فقهای شیعه فتوا به حبس داده‌اند و گفته‌اند: اگر سه ماه گذشت و یکی از این دو را انتخاب نکرد، حاکم شرع او را زندانی می‌کند و در خوردن و آشامیدن بر او تنگ می‌گیرد تا یکی را انتخاب کند. «۲»

(۱) - التهذیب، ج ۸، ص ۲۴؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۶، ص ۴۳۹.

(۲) - قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۱۸۶؛ کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۹۰؛ ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۴۰۱؛ کشف اللثام، ج ۱، ص ۱۵۹؛ الفقه للمجلسی الاول، ص ۱۶۰؛ جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۱۶۴؛ وسیله النجاة، ص ۳۸۹؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۸؛ منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۳

از علمای اهل سنت، حنفی‌ها نیز معتقدند واجب است بر قاضی که شخص مظاهر را در مرحله اول، زندانی و وادار به پرداخت کفاره کند؛ اگر انجام نداد او را می‌زند تا کفاره بپردازد و یا طلاق دهد. «۱» رأی زیدیه نیز حبس است. «۲»

۳. خودداری از محدود ساختن زنان به چهار تن

تازه مسلمانی که بیش از چهار همسر دائمی دارد و از تعیین همسر یا همسران خود تا چهار تا امتناع می‌ورزد، زندانی می‌شود. اگر مشرکی که بیش از چهار زن دارد، مسلمان شود [پس از مسلمان شدن می‌تواند یک یا بیش از آن، تا چهار زن داشته باشد که باید از میان زنان خود انتخاب کند] از میان آنان انتخاب نکند و باقی [بیش از چهار تن] را ترک نکند زندانی می‌شود، چون ازدواج دائم با بیش از چهار زن جایز نیست، حاکم شرع او را مجبور می‌کند که چهار تن را انتخاب و بقیه را ترک گوید و اگر امتناع ورزید او را زندانی می‌کند تا انتخاب کند.

این، فتوای شیخ طوسی، «۳» علامه حلی «۴» و شهید اول است «۵» و از

(۱) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۰۵.

(۲) - عیون الازهار، ص ۲۳۱.

(۳) - المبسوط، ج ۴، ص ۲۳۱ و ۲۲۰.

(۴) - تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۶۵۶، چاپ سنگی؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۱؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۹.

(۵) - القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۳؛ نضد القواعد الفقهیه، ص ۴۹۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۴

علمای اهل سنت، قرافی مالکی معتقد به حبس است. «۱»

منشأ این حکم، داستان غیلان بن سلمه است؛ وی که ده زن در جاهلیت داشت، پس از فتح طائف اسلام آورد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او دستور داد از میان آنان، تا چهار زن را انتخاب کند. «۲»

۴. خودداری زوج از طلاق زوجه

هرگاه یکی از دو زوج از طلاق زوجه، امتناع ورزند زندانی می‌گردند.

این حکم از اقوال انفرادی علامه حلی است. چون وی احتمال حبس داده است در موردی که هریک از دو ولی، زنی را برای شخصی جداگانه عقد کنند و معلوم نباشد کدام زودتر عقد کرده است و هیچ‌یک از دو زوج حاضر به طلاق نیستند. علامه گفته است: احتمال دارد آن دو حبس شوند و حاکم شرع یا زن، عقد را فسخ کنند. «۳»

فخر المحققین، فرزند علامه، متعرض این مسأله شده و برای احتمالات «۴» مختلف، وجوهی ذکر کرده است؛ از جمله این که شاید علت حبس این باشد که در این جا طلاق، حق یک انسان است و چون این دو تن از ادای این حق امتناع می‌کنند، پس آنان را زندانی می‌کنند تا طلاق دهند.

(۱) - الفروق، ج ۴، ص ۸۰.

(۲) - اسد الغابه، ج ۴، ص ۱۷۲؛ أفضیة رسول الله صلی الله علیه و آله، ص ۱۹۱.

(۳) - قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۸.

(۴) - ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۳۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۵

۵. ندادن نفقه

اگر زوج یا ولی نفقه ندهد، زندانی می‌شود.

از فریقین روایاتی در این زمینه هست. در «جعفریات» آمده است:

زنی از دست شوهرش نزد علی علیه السلام دادخواهی کرد. آن حضرت دستور داد او را زندانی کنند؛ زیرا وی مخارج زنش را نمی‌داد و باعث اضرار به او بود. مرد گفت: زنم را با من زندانی کن! آن حضرت فرمود: حق با تو است؛ ای زن همراه او برو. «۱»
جمعی از فقهای شیعه، فتوا به حبس داده‌اند؛ مانند شیخ طوسی، در صورتی که مرد، موسر باشد و توان دادن نفقه را داشته باشد، «۲»
محقق حلی، «۳» علامه حلی، «۴» محدث بحرانی «۵» و صاحب جواهر، چون می‌گوید اگر نفقه نداد، حاکم شرع او را زندانی می‌کند؛ در صورتی که با زندان کردن، نفقه به دست آید، مثل این که مالش را مخفی کرده باشد «۶» [و بر اثر زندانی شدن، اظهار کند].

از علمای اهل سنت، حنفی‌ها می‌گویند او را زندان می‌کنند تا نفقه

(۱) - الجعفریات، ص ۱۰۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۳۲.

(۲) - المبسوط، ج ۶، ص ۲۲؛ النهایة، ص ۳۶۰؛ الخلاف، ج ۵، ص ۱۲۹.

(۳) - شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۳.

(۴) - تحریر الاحکام، ج ۳، ص ۴۹؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۶.

(۵) - الحدائق الناضرة، ج ۲۵، ص ۱۳۸.

(۶) - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۸۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۶

بدهد. «۱» سرخسی، «۲» موصلی «۳» و بهوتی «۴» از علمای زیدیه، احمد بن یحیی نیز همین نظر را دارد، لکن می‌گوید او را زندان

می‌کنند تا کار کند «۵» [و خرجی بدهد].

۶. قذف و خودداری از ملاعنه

اگر زوج، زوجه خود را قذف کند (نسبت زنا بدهد) و حاضر به ملاعنه نشود زندانی می‌شود. ابو حنیفه و پیروان او می‌گویند: اگر زوج یا زوجه از لعان امتناع ورزد، زندانی می‌شود. آنان این حکم را از آیه وَ يَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ گرفته‌اند؛ زیرا عذاب را به حبس تفسیر کرده‌اند. «۶» از نظر امامیه، در این جا حکم به حبس نمی‌شود؛ زیرا زوج اگر زوجه خود را قذف کند و حاضر به ملاعنه نشود حدّ بر او جاری می‌شود و اگر لعان کند و زوجه حاضر به لعان نشود حدّ قذف بر او، جاری می‌گردد. «۷»

(۱) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۸۶.

(۲) - المبسوط، ج ۲۰، ص ۹۰.

(۳) - الاختیار، ج ۲، ص ۹۰.

(۴) - شرح منتهی الارادات، ج ۳، ص ۲۵۳.

(۵) - عیون الازهار، ص ۴۹۹.

(۶) - الأم، ج ۷، ص ۱۵۷؛ المحلّی، ج ۹، ص ۳۷۵؛ الاختیار، ج ۳، ص ۲۵۳؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۱۰۹؛ والایه فی سورة النور، آیه ۷.

(۷) - شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۱۰۰؛ جواهر الکلام، ج ۳۴، ص ۶۷؛ النهایه، ص ۵۲۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۷

۷. موارد خاص طلاق

در برخی موارد طلاق، زوج زندانی می‌شود. در موردی که زوجه ادعا کند زوجش او را طلاق داده، یا دو شاهد یا یک شاهد شهادت به طلاق دادند، شهید ثانی می‌گوید: اگر حاکم شرع صلاح بداند، «۱» در برخی صورت‌ها، زوج حبس می‌شود [تا اقرار کند یا سوگند بخورد که طلاق نداده است] و از کلمات شیخ طوسی «۲» نیز چنین برمی‌آید و برخی از اهل سنت به آن تصریح کرده‌اند. «۳»

این حکم به موارد حبس در حق الناس برمی‌گردد؛ همان‌طور که از کلام شهید ثانی در «مسالک» فهمیده می‌شود.

۸. آزار زوجه

زوجی که زوجه خود را آزار می‌دهد، زندانی می‌شود. این حکم، موجه است؛ زیرا از موارد حق الناس است و اگر حاکم شرع، ولایت مطلقه داشته باشد آن را اعمال می‌کند. «۴»

من ندیدم کسی از علمای شیعه و سنی، صریحا فتوا به حبس داده باشند؛ جز برخی از منتسبین به اسلام. «۵»

(۱) - مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

- (۲) - المبسوط، ج ۸، ص ۲۵۴.
- (۳) - المدونه الكبرى، ج ۵، ص ۱۳۶؛ ر. ک: ج ۳، ص ۴۷؛ المحلی، ج ۹، ص ۳۷۴؛ التفریح، ج ۲، ص ۱۰۶.
- (۴) - موارد السجن، ص ۳۱۷.
- (۵) - المصنف للکندی، ص ۱۵.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۸

گفتار یازدهم: جرایم ضد امنیت

۱. جاسوسی

حکم جاسوس مسلمان، حبس است.

رأی ابو حنیفه، اوزاعی و ابو یوسف «۱» - از علمای اهل سنت - این است که جاسوس مسلمان زندانی می‌شوند.

از نظر امامیه، حکم جاسوس با اختلاف موارد فرق می‌کند؛ اگر مسلمان باشد تعزیر و از غنیمت محروم می‌گردد. این، قول شیخ طوسی «۲» و علامه حلی «۳» و ابن براج «۴» است و از محقق قمی «۵» نقل شده که غیر امام هم می‌تواند او را تعزیر کند. و امام مجتبی علیه السلام دستور داد تا جاسوسانی که معاویه به کوفه و بصره اعزام کرده بود را اعدام کردند. «۶»

اگر جاسوس، ذمی یا حربی باشد حکم آن فرق می‌کند «۷» [حربی کشته می‌شود و ذمی بنا بر عهده‌ی که دارد عمل می‌شود].

- (۱) - الخراج، ص ۱۹۰؛ معالم السنن، ج ۲، ص ۲۷۴؛ عمده القاری، ج ۱۴، ص ۲۵۶.
- (۲) - المبسوط، ج ۲، ص ۱۵.
- (۳) - قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۱۱.
- (۴) - جواهر الفقه، ص ۱۵۱.
- (۵) - جامع الشتات، ج ۱، ص ۹۰.
- (۶) - ارشاد، شیخ مفید، ص ۱۸۸؛ دعائم الاسلام، ص ۳۹۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۹۸؛ الاغانی، ج ۲۱، ص ۲۸.
- (۷) - ر. ک: موارد السجن، ص ۳۲۴.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۷۹

۲. شورش

حکم شورشی، حبس است.

در این باره روایتی است که نوری [در مستدرک] از «شرح الاخبار» نقل کرده است: «موسی بن طلحه بن عبید الله که در میان اسیران جنگ جمل بود و با دیگر اسیران در بصره زندانی شده بود، نقل می‌کند: من در زندان علی علیه السلام در بصره بودم «... ۱» بغات کسانی هستند که علیه امام عادل، شورش می‌کنند. «۲»

شیخ طوسی گوید: حکم باغی، زندان است و تا پایان جنگ در زندان می‌ماند. «۳»

علامه حلی «۴» و شهید اول «۵» نیز قائل به حبس هستند، ولی صاحب جواهر در آن تأمل کرده است. «۶»

رأی اهل سنت، چنان که از ابو یوسف «۷» و فیروزآبادی «۸» و فراء «۹» نقل شده، و رأی برخی از زیدیه حبس است. «۱۰»

- (۱) - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۷؛ جامع أحادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۰۵؛ شرح الاخبار، ج ۱، ص ۳۹۸.
- (۲) - النهایة، ص ۲۹۶.
- (۳) - المبسوط، ج ۷، ص ۲۷۱؛ الخلاف، ج ۵، ص ۳۴۰.
- (۴) - تحریر الأحکام، ج ۱، ص ۱۵۶.
- (۵) - الدروس، ج ۱، ص ۴۲.
- (۶) - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۴۲.
- (۷) - الخراج، ص ۲۱۴.
- (۸) - التنبيه، ص ۲۲۹.
- (۹) - الاحکام السلطانیة، ص ۶۲ و ۵۵؛ المغنی، ج ۸، ص ۱۱۱.
- (۱۰) - عیون الازهار، ص ۵۲۱؛ ر. ک: الانصاف، ج ۱۰، ص ۳۱۵؛ شرح منتهی الایرادات، ج ۳، ص ۳۸۳؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۲۱.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۰

۳. اسارت

اسیر، زندانی می‌شود.

بنابر روایات فریقین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام اسیران را زندانی می‌کردند. شیخ مفید نقل کرده است: «وقتی اسیران بنی قریظه را به مدینه آوردند، در یکی از خانه‌های بنی نجار، زندانی کردند.» (۱)

ابن هشام نقل می‌کند: «دختر حاتم را در محوطه چهاردیواری که در کنار درب ورودی مسجد و زندان اسیران زن بود، زندانی کردند.» (۲)

روایات در این زمینه از فریقین زیاد است، ولی من ندیدم در کتاب‌های فقهی بدان اشاره‌ای شده باشد.

۴. گروگان گرفتن

گروگان گرفتن و زندان کردن کافر و شورشی در مقابل اسارت مسلمان [در دست کفار و شورشیان].

برخی از روایات دلالت دارد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعضی از کفار را [گرفته و] به سبب آن که آن‌ها برخی از مسلمانان را به گروگان گرفته بودند زندان انداخته و نزد خود نگه داشته بودند، حبس می‌کرد.

عمران بن حصین نقل می‌کند: بنو عامر دو تن از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را به

(۱) - الارشاد، ص ۵۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۰۰.

(۲) - السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۲۵؛ نکا، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۷۳، ماده حضر، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۰۵.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۱

اسارت گرفتند و آن حضرت فردی از ثقیف را به اسارت گرفت. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار وی در حالی که به بند

کشیده شده بود، گذشت. او به آن حضرت گفت: ای محمد، به چه جرمی من زندانی هستم؟ فرمود: به جرم هم‌پیمانان تو، یعنی بنو عامر «۱» [که دو تن از مسلمانان را به اسارت گرفته‌اند].
 فقهای ما به مضمون این روایت فتوا داده‌اند. علامه حلی می‌گوید:
 حاکمان عادل می‌توانند کسانی [از کفار و شورشیان] را که در دسترسشان است برای آزادی اسیران خود به گروگان بگیرند. «۲»
 ابن قدامه «۳»، از علمای اهل سنت، نیز همین نظر را دارد. دیگران هم به آن اشاره کرده‌اند. «۴»

۵. ادعای عدم بلوغ از سوی مشرک نوجوان

مشرک نوجوان اگر ادعا کند هنوز بالغ نشده- تا از قتل رهایی یابد- زندانی می‌شود.
 این حکم را علامه حلی احتمال داده و گفته است: اگر نوجوان مشرک

(۱)- مصنف عبد الرزاق، ج ۵، ص ۲۰۶؛ تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۴۴۰؛ المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۲۹۰.

(۲)- تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۴۳۴؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۱۵۶.

(۳)- المغنی، ج ۸، ص ۱۱۵.

(۴)- الانصاف، ج ۱۰، ص ۳۱۵؛ شرح ابن عابدین، ج ۳، ص ۳۱۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۲

ادعا کند با معالجه خود، باعث رویش مویش شده [و هنوز بالغ نیست] سوگند می‌خورد و اگر سوگند نخورد کشته می‌شود و احتمال دارد زندانی می‌شود تا بالغ شود و سپس سوگند داده می‌شود و اگر حاضر به سوگند نشد کشته می‌شود. «۱»
 سید عاملی «۲» این رأی را پسندیده، ولی برخی دیگر از فقهای ما با آن مخالفت کرده و راه‌حل‌های دیگری را ارائه داده‌اند. «۳»

۶. خودداری اهل کتاب از جزیه

اگر اهل کتاب از دادن جزیه خودداری کنند، زندانی می‌شوند.

این، نظر ابو یوسف از علماء اهل سنت است فقط او «۴» به آن قائل است. از نظر امامیه، اگر اهل کتاب جزیه نپردازند از جرگه ذمی خارج می‌شوند و به محارب می‌پیوندند؛ به‌ویژه در صورتی که شرط جزیه در ضمن عقد آمده باشد. پس حکم حبس در این جا درست نیست. «۵»

(۱)- قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۱۱؛ ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۳۹.

(۲)- مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۱۰۶.

(۳)- المبسوط، ج ۸، ص ۲۱۳؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۹۱؛ الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۳۳؛ القضاء، ص ۹۳.

(۴)- الخراج، ص ۱۲۳؛ المجموع، ج ۱۹، ص ۴۰۲.

(۵)- جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۶۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۳

۷. پناهندگی مستأمن به دار الحرب

ابن براج طرابلسی این فتوا را داده و گفته است: او حق ندارد به دارالحرب باز گردد و اگر خواست باز گردد یا مقدمات آن را فراهم دید، جایز است دستگیر و زندانی شود. «۱»

۸. تصمیم به شورش علیه امام

کسی که تصمیم دارد بر ضد امام شورش کند، زندانی می‌گردد.

منشأ این حکم، دو روایت است: ۱. طبری نقل کرده است: امام علی علیه السلام درباره کسی که تصمیم دارد بر ضد امام شورش کند، فرمود:

«برای ما خون او حلال نیست، ولی او را به زندان می‌اندازیم». «۲»

۲. سرخسی نقل کرده است: امام علی علیه السلام فرمود: «تا زمانی که تصمیم نهایی برای خروج و شورش نگرفته‌اند، امام متعرض آنان نمی‌گردد؛ ولی وقتی فهمید که تصمیم بر شورش و نافرمانی گرفته‌اند باید آنان را دستگیر و زندانی کند تا مسأله به صورت معضل در نیاید؛ زیرا آنان تصمیم جدی بر نافرمانی و ایجاد فتنه گرفته‌اند. «۳»

این حکم شاید از باب موردی است که زندان به سبب جلوگیری از معصیت و نافرمانی، تجویز می‌شود. «۴»

(۱) - المهدب، ج ۱، ص ۳۰۸.

(۲) - تاریخ الامم و الملوك، ج ۶، ص ۳۸۴.

(۳) - المبسوط، ج ۱۰، ص ۱۲۵.

(۴) - موارد السجن، ص ۳۵۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۴

۹. محاربه بدون قتل و غارت

اگر محارب، کسی را نکشته و مالی را نربوده باشد، زندانی می‌شود.

این حکم از کلام شیخ طوسی، «۱» حلبی، «۲» سید ابن زهره، «۳» یحیی بن سعید «۴» و علاء الدین حلبی «۵» فهمیده می‌شود.

صاحب جواهر «۶» می‌گوید: حبس، نظر علمای اهل سنت، «۷» از جمله عمر بن عبد العزیز، «۸» ابو حنیفه، «۹» ابو علی موصلی «۱۰» و قرافی است. «۱۱»

۱۰. شورش پیرمردان، زنان و کودکان

شیخ طوسی در این زمینه دو قول دارد، در یکجا می‌گوید این افراد زندانی می‌شوند تا اراده‌شان تباه و جمعشان درهم بشکند «۱۲» و در کتاب

(۱) - المبسوط، ج ۸، ص ۱۴۷.

(۲) - الکافی فی الفقه، ج ۸، ص ۲۵۲.

- (۳) - غنیة النزوع، ص ۲۰۱.
- (۴) - الجامع للشرائع، ص ۲۴۲.
- (۵) - اشاره السبق، ص ۱۴۲.
- (۶) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۹۳.
- (۷) - المدونۃ الکبری، ج ۶، ص ۲۳۷.
- (۸) - مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۱۱۸.
- (۹) - تحفه الفقهاء، ج ۳، ص ۱۵.
- (۱۰) - الاحکام السلطانیة، ص ۵۸.
- (۱۱) - الفروق، ج ۴، ص ۱۷۱.
- (۱۲) - المبسوط، ج ۷، ص ۲۷۱.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۸۵
- دیگر با این حکم به مخالفت برخاسته است. «۱» و از امامیه ندیدم کسی با او موافقت کرده باشد. «۲» و اما از اهل سنت این قول را به ابو حنیفه و مالک نسبت می دهند همانطوری که فیروزآبادی «۳» و ابن قدامه «۴» و جزیری «۵» اظهار داشتند.

۱۱. دیده‌بانی و پشتیبانی [از گروه‌های شورشی]

علامه حلی می گوید: این افراد تعزیر و زندانی می شوند و محارب به حساب نمی آیند «۶» [که حکمشان تبعید باشد].

۱۲. امتناع از پذیرفتن حکم حاکم

طبرانی از کلبی و محمد بن اسحاق نقل کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله، بنی قریظه را زندانی کرد تا به حکم سعد تن دهند». «۷»

- (۱) - الخلاف، ج ۵، ص ۳۴۱.
- (۲) - ر. ک: تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۴۲۳؛ المختلف، ج ۴، ص ۴۵۴؛ الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۴۲.
- (۳) - التنبیه، ص ۲۲۹.
- (۴) - المغنی، ج ۸، ص ۱۱۵.
- (۵) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۲۲.
- (۶) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۳؛ موارد السجن، ص ۳۵۷.
- (۷) - المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۷؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۶۲؛ المبسوط للسخسی، ج ۲۰، ص ۸۹۶.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۸۶

۱۳. استراق سمع و افشای اسرار

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام در نهران سخن می گفت و حکم بن ابی العاص گوشش را به در چسبانده و

استراق سمع می‌کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این خبیث گوشش را به در چسبانده. یا ابا الحسن! برو گوشش را بگیر و مانند گوسفندی که برای دوشیدن می‌برند، او را بیاور. علی علیه السلام در حالی که گوش حکم را محکم گرفته بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد. آن حضرت سه بار او را لعنت کرد، سپس به علی علیه السلام فرمود: او را زندانی کن. «۱»

گفتار دوازدهم: تخلفات کارگری و اداری

۱. خیانت در بیت المال

روایات و شواهد تاریخی زیادی وجود دارد که علی علیه السلام کارگزار خائن و دزد بیت‌المال را زندانی و تنبیه می‌کرد. علی علیه السلام هنگامی که خیانت ابن هرمه، والی «سوق الاهواز»، را کشف کرد در نامه‌ای به رفاعه، قاضی اهواز، نوشت: وقتی نامه من به دست رسید، ابن هرمه را از «سوق» کنار بگذار و به زندان بینداز و او را به مردم معرفی کن و به همه کارکنان خود نامه بنویس و حکم مرا به آنان اعلام کن. درباره او غفلت و کوتاهی مکن که اگر کوتاهی و غفلت کنی، هم نزد

(۱) - مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۷

خدا نابود خواهی شد و هم من ترا به بدترین نوع، عزل خواهم کرد و از این سقوط، تو را به خدا پناه می‌دهم. (پس روز جمعه او را از زندان بیرون بیاور و سی و پنج تازیانه بزن و در بازار او را بگردان. هر کس علیه او ادعایی کرد، او و شاهد را سوگند بده [اگر سوگند خوردند]، حق وی را بگیر و به او بازگردان. سپس با خفت و خواری او را به زندان بینداز. «۱»
مؤید این روایات، روایاتی است که دلالت می‌کند غاصب و مدیونی که اعسارش ثابت نشده و کسی که ادای دین خود را پشت گوش می‌اندازد، زندانی می‌شوند از این رو شاید حبس به این جهات یا جهات دیگری باشد که ما نمی‌دانیم. «۲»

۲. اطلاعات و خبر دادن به خائن

کسی که اطلاعات و خبر به کارگزار خائن می‌دهد، زندانی می‌شود. شاید منشأ این حکم جمله‌ای باشد که در ذیل نامه علی علیه السلام به رفاعه، قاضی اهواز، در مورد خیانت ابن هرمه آمده است: «نگذار هیچ کس در زندان با او ملاقات کند و به او راهکار یاد بدهد و به آزادیش امیدوار سازد. اگر فهمیدی کسی به او چیزی یاد داده که به زیان مسلمانی است، با تازیانه او را تأدیب کن و به زندان بینداز تا توبه کند». در سند این روایت بحث است. «۳»

(۱) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۰۲؛ نهج السعادة، ج ۴، ص ۳۴.

(۲) - موارد السج، ص ۳۶۷.

(۳) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۸

حاکم مسامحه کار، زندانی می‌شود.

منشأ این حکم روایتی است که بلاذری نقل کرده است. وی می‌گوید:

«علی علیه السّلام، مسیب را سرزنش کرد و به او گفت: تو از قوم خود دوری کردی، سستی به خرج دادی و آنان را تباه کردی با این که سران کوفه درباره مسیب واسطه شدند و عذرخواهی کردند، آن حضرت نپذیرفت و او را به یکی از ستون‌های مسجد بست و گویند او را زندانی کرد.» (۱)

گفتار سیزدهم: تخلفات مالی

۱. خودداری از ادای دین

کسی که از ادای دین، خودداری می‌کند.

بنابر روایاتی که از فریقین نقل شده، او زندانی می‌شود. کلینی به سند خود نقل کرده است: امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام فردی را که بدهی طلبکاران خود را نمی‌داد زندانی می‌کرد و سپس دستور می‌داد اموال او را میانشان تقسیم کنند و اگر امتناع می‌ورزید، اموال او را می‌فروخت و پولش را میان آنان تقسیم می‌کرد. (۲)

قول به حبس، رأی فقهای قدیم و متأخر امامیه است. شیخ مفید

(۱) - انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۱۳۶؛ نهج السعادة، ج ۲، ص ۵۷۷.

(۲) - الکافی، ج ۵، ص ۱۰۲؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۹۱؛ النهایة، ص ۳۵۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۸۹

می‌گوید: باید حق او را بردازد، اگر پرداخت حاکم شرع می‌تواند او را زندانی کند. (۱) «شیخ طوسی (۲) و ابو صلاح حلبی (۳) همین نظر را دارند.

حبس، مشروط به درخواست صاحب حق برای زندانی شدن بدهکار است؛ چنان که علی بن حمزه و دیگران گفته‌اند (۴) و امام خمینی، (۵) «خوئی، (۶) طبسی (۷) و سبزواری (۸) - از معاصران - بدان اشاره کرده‌اند. رأی مالک (۹) و ابو حنیفه (۱۰) - از علمای اهل سنت - نیز همین است.

در این مورد، چند مسأله مورد بحث است:

۱. مدت زمان حبس چقدر است؟ چند نظر وجود دارد: یک ماه، چهل روز، دو ماه، سه ماه، چهار ماه و تا یک سال، بعضی گفته‌اند: مدت حبس به نظر قاضی (۱۱) واگذار می‌شود. نیز گفته‌اند: تا زمانی که مال خود را بفروشد. (۱۲) نیز گفته‌اند: چهل روز حبس شود. (۱۳) و بعضی دیگر

(۱) - المقنعة، ص ۷۳۳.

(۲) - المبسوط، ج ۴، ص ۲۳۲؛ النهایة، ص ۳۴۸.

(۳) - الکافی فی الفقه، ص ۴۴۸.

(۴) - الوسیلة، ص ۲۱۳.

(۵) - تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۳۷۵.

- (۶) - مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۴.
- (۷) - ذخیره الصالحین، ج ۵، ص ۱۳۱.
- (۸) - مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۸۶.
- (۹) - المدونة الكبرى، ج ۵، ص ۲۰۵.
- (۱۰) - المجموع، ج ۱۳، ص ۲۷۹؛ ر. ک: المبسوط، ج ۲۴، ص ۱۶۴؛ المغنی، ج ۴، ص ۵۲۹؛ فتح العزیز، ج ۱۰، ص ۱۹۶.
- (۱۱) - الاختیار، - پاورقی - ج ۲، ص ۹۰.
- (۱۲) - المصنف، ص ۱۸۷.
- (۱۳) - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۸۲.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۰

گفته‌اند: «۱» اصلا حلی و زمان خاصی برای آن مطرح نشده است.

۲. بدهکاری که توانایی دارد ولی دین خود را نمی‌پردازد آیا حتما باید زندانی شود یا حاکم شرع مخیر است که او را حبس کند و یا مالش را بفروشد [و به طلبکار بدهد]؟ محقق قول دوم را اختیار کرده و قول اول، رأی همه فقهای امامیه است، از جمله ابن ادریس «۲» محمد حسن نجفی صاحب جواهر و ملا احمد نراقی. «۳»
۳. آیا پدر به سبب دین فرزند، زندانی می‌شود؟ علامه حلی در یک جا می‌گوید زندانی نمی‌شود «۴» و در جای دیگر می‌گوید زندانی می‌شود «۵» مرحوم یزدی صاحب عروه در این جا بحثی دارد. «۶» مالک از علمای اهل سنت، معتقد است پدر به سبب دین فرزند، زندانی نمی‌شود. «۷»

۴. آیا عاقله به سبب عدم پرداخت دیه، زندانی می‌شوند؟

برخی از اهل سنت گفته‌اند زندانی می‌شوند «۸» و این شاید به علت شمول اطلاقات باشد و شاید به این علت باشد که واجبی را ترک

- (۱) - التفریح، ج ۲، ص ۲۴۷.
- (۲) - السرائر، ج ۲، ص ۱۸۴.
- (۳) - مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۱.
- (۴) - تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۹.
- (۵) - قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۷۶.
- (۶) - العروة الوثقی، ج ۳، ص ۵۶؛ موارد السجن، ص ۳۹۱.
- (۷) - المدونة الكبرى، ج ۵، ص ۲۰۵.
- (۸) - المبسوط للسرخی، ج ۲۰، ص ۹۱.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۱
- کرده‌اند. «۱»

۵. آیا کسی که به دولت بدهکار است زندانی می‌شود؟

دو احتمال وجود دارد: ۱. به دلیل شمول اطلاقات، زندانی می‌شود؛ ۲. اینکه زندانی نمی‌شود.

طبسی، نجم الدین - مترجم: حسینی، سید محمد رضا و شفیعی، مصطفی، زندان و تبعید در اسلام، در یک جلد، انتشارات صفحه‌نگار، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه ق زندان و تبعید در اسلام؛ ص: ۹۱

برخی از اهل سنت متعرض این فرع شده و گفته‌اند: اگر کوتاهی در دادن خراج بکند، زندانی می‌شود. «۲»

۶. آیا این حبس، مختص مسلمان است یا شامل ذمی، حربی، پناهنده، برده، زن و کودک می‌شود؟ «۳»

برخی از اهل سنت به این مسأله اشاره کرده‌اند. «۴»

۷. برخی از فقهای اهل سنت - چنان که از ابو حنیفه و ابو یوسف «۵» نقل شده - معتقدند صاحب حق شفعه اگر ثمن را نقدا نپردازد، زندانی می‌شود.

از نظر امامیه، با عجز شفیع و صاحب شفعه از ثمن و با کوتاهی در پرداخت ثمن، حق الشفعه باطل می‌شود. هم‌چنین اگر شفیع فرار کند، «۶» جایی برای حبس باقی نمی‌ماند.

-
- (۱) - موارد السجن، ص ۳۹۴.
 - (۲) - الاحکام السلطانیة، ص ۱۷۲.
 - (۳) - المبسوط، ج ۲۰، ص ۹۱.
 - (۴) - المدونة الكبرى، ج ۵، ص ۲۰۵.
 - (۵) - تحفة الفقهاء، ج ۳، ص ۵۴.
 - (۶) - شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۲۵۵؛ جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۲۸۱.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۲

۲. ادعای اعسار مدیون

روایاتی در این مورد وجود دارد، از جمله روایتی که صدوق به سند خود نقل کرده است: «امیر المؤمنین علیه السلام چنین قضاوت کرد که صاحب دین (مدیون) زندانی می‌شود، وقتی معلوم شد مفلس و محتاج است آزاد می‌شود تا دنبال کسب برود و مالی به دست آورد.» «۱»

بسیاری از فقهای متقدم و معاصر به این حکم فتوا داده‌اند، مانند شیخ مفید. «۲» ابو صلاح حلبی نیز در چندجا از کتابش، گفته است: اگر مدیون ادعای اعسار کرد و طلبکار منکر اعسار شد و بینه در میان نبود... اگر پس از حبس ثابت شد که مدیون، معسر است آزاد می‌گردد. «۳» سلار بن عبد العزیز، «۴» طباطبایی، «۵» خوانساری «۶» و محقق عراقی «۷» نیز قائل به این حکم شده‌اند.

از علمای اهل سنت، ابن جلاب «۸» و موصلی «۹» همین رأی را دادند.

-
- (۱) - الفقیه، ج ۳، ص ۱۹؛ التهذیب، ج ۶، ص ۲۳۲.
 - (۲) - المقنعة، ص ۷۲۳.
 - (۳) - الکافی فی الفقه، ص ۳۴۱.
 - (۴) - المراسم العلویة، ص ۲۳۰.
 - (۵) - ریاض المسائل، ج ۱۵، ص ۶۶.
 - (۶) - جامع المدارک، ج ۶، ص ۲۵.

(۷) - شرح التبصره، ص ۷۸.

(۸) - التفریح، ج ۲، ص ۲۴۷.

(۹) - الاختیار، ج ۲، ص ۸۹؛ موارد السجن، ص ۴۰۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۳

در این جا دو مسأله قابل توجه است:

۱. آیا مدعی اعسار بدون سوگند مدعی یسار، زندانی می شود؟

علامه حلی می گوید: باید مدعی یسار سوگند بخورد. دیگران گفته اند نیازی به سوگند نیست، مدیون زندانی می شود تا یسار او ثابت شود. «۱»

۲. آیا مدیونی که مدعی اعسار است، قبل از حبس می تواند اعسار خود را با بیینه ثابت کند یا باید مدتی زندانی شود و سپس بیینه معرفی کند؟

از نظر امامیه، اگر بیینه معرفی شود لازم است فوراً آن را پذیرفت. «۲» از نظر ابو حنیفه، مدیون مفلس دو ماه و از نظر طحاوی، یک ماه و - بنا بر نقلی، چهار ماه - زندانی می شود و سپس بیینه او پذیرفته می شود. «۳»

۳. مدیون معسر

اگر مال خود را در حرام صرف کرده باشد و هم چنین اگر مخالف حق (مسلمان غیر دوازده امامی) باشد، زندانی می شود. این، نظر ابو صلاح حلبی است. وی می گوید: اگر معسر، مخالف حق باشد یا آنچه وام گرفته در راه حرام خرج کرده باشد، حاکم شرع می تواند او را زندانی کند. «۴»

(۱) - قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۹؛ مستند الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۱.

(۲) - الخلاف، ج ۳، ص ۲۷۶.

(۳) - الخلاف، ج ۳، ص ۲۷؛ ر. ک: مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۷۲؛ القضاء للشیخ الکنی، ص ۲۱۲.

(۴) - الکافی فی الفقه، ص ۳۳۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۴

۴. افلاس

مفلس، زندانی می شود تا اموالش (اموال باقی مانده) را به فروش برساند.

فقهای ما به این حکم فتوا داده اند؛ از جمله شیخ طوسی در «مبسوط» «۱» و در «خلاف»، علامه حلی، «۲» محقق کرکی «۳» و شیخ بهایی «۴».

شهید اول و شهید ثانی گفته اند: حاکم مخیر است او را زندانی کند تا خودش بدهی اش را بپردازد و یا حاکم از مال او بپردازد؛ گرچه این مال از فروش دیگر اموال او حاصل شده باشد. «۵»

ابو حنیفه در این مورد می گوید: حاکم نمی تواند اموال مفلس را بفروشد، ولی می تواند او را مجبور به فروش کند. اگر حاضر نشد بفروشد، او را زندانی می کند تا بفروشد. «۶» ابن قدامه «۷» هم به همین حکم قائل شده است. ابن حزم در برخی از صورت های

مسأله، تأمل کرده است. «۸»

- (۱) - المبسوط، ج ۲، ص ۲۷۲؛ الخلاف، ج ۳، ص ۲۶۸.
 (۲) - تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۸؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۷۲.
 (۳) - جامع المقاصد، ج ۵، ص ۲۱۵.
 (۴) - جامع عباسی، ص ۳۵۴.
 (۵) - الروضة البهیة، ج ۴، ص ۴۱.
 (۶) - الخلاف، ج ۳، ص ۲۶۸.
 (۷) - المغنی، ج ۴، ص ۵۲۹.
 (۸) - المحلی، ج ۸، ص ۱۶۹.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۵

۵. غصب، خوردن مال یتیم و خیانت در امانت

غاصب، کسی که مال یتیم را خورده و کسی که در امانت خیانت کرده است، زندانی می‌شود.
 در روایت مرفوعه آمده است: امیر المؤمنین علیه السلام فقط در سه مورد شخص را زندانی می‌کرد: کسی که مال یتیم را خورده، کسی که مالی را غصب کرده و کسی که در امانتی که به او سپرده بودند، خیانت کرده بود. «۱»
 شیخ طوسی نیز این روایت را از طریق خود که به امام باقر علیه السلام می‌رسد، نقل کرده است. «۲» شیخ طوسی در توجیه این روایت، دو احتمال داده است:
 ۱. آن حضرت جز این سه دسته، کسی را از روی مجازات و عقوبت زندانی نمی‌کرد.
 ۲. جز این سه دسته، کسی را زندانی طولانی مدت نمی‌کرد؛ زیرا حبس به سبب بدهکاری فقط تا زمانی است که وضعیت او معلوم شود؛ پس اگر فقیر باشد و فقر او به اثبات برسد، آزاد می‌شود. «۳»
 محقق قمی، سید عاملی، شیخ کنی و سید احمد خوانساری، هر کدام در این جا نظر خاصی دارند. «۴»

- (۱) - الکافی، ج ۷، ص ۲۶۳.
 (۲) - التهذیب، ج ۶، ص ۲۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۸۱.
 (۳) - التهذیب، ج ۶، ص ۳۰۰؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۴۸.
 (۴) - غنائم الايام، ص ۶۷۹؛ مفتاح الکرامة، ج ۱۰، ص ۷۲؛ القضاء، ص ۳۱۱؛ جامع المدارک، ج ۶، ص ۲۵؛ ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۶

موصلی حنفی «۱» و علاء الدین کاشانی «۲» - از علمای اهل سنت - می‌گویند: غاصب، مدتی زندانی می‌شود.

۶. خودداری گروگذار از ادای دین

گروگذار، زندانی می‌شود.

فقه‌ها تصریح کرده‌اند اگر زمان ادای دین رسیده باشد و گروگذار از ادای دین، خودداری کند زندانی می‌شود و مجبور می‌شود یا گروبی خود را خود بفروشد یا حاکم شرع برایش بفروشد، و یا حاکم شرع او را زندانی می‌کند.

روایت خاصی در این مورد نداریم؛ جز این که چون این مورد از موارد دین است که راهن ادای آن را با وجود تمکن، به تأخیر انداخته است؛ در نتیجه، ادله حبس شامل آن می‌شود.

شیخ طوسی مسأله را چنین مطرح کرده است: حاکم شرع می‌تواند او را زندانی و تعزیر کند تا گروبی خود را بفروشد، یا خودش آن را به فروش می‌رساند «۳» محقق حلی «۴» و علامه حلی «۵» نیز چنین گفته‌اند. برخی به این مسأله اشکال وارد کرده‌اند. «۶»

(۱) - الاختیار، ج ۳، ص ۵۹.

(۲) - بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۶۳.

(۳) - النهایه، ج ۴۳۳؛ المبسوط، ج ۲، ص ۲۲۴.

(۴) - شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۸۲.

(۵) - تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۲۰۸.

(۶) - جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۲۱۷؛ منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۱۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۷

از علمای اهل سنت، شافعی با نظر شیخ طوسی موافق است، «۱» ولی ابو حنیفه معتقد است گروگذار باید زندانی شود تا گروبی خود را بفروشد. «۲»

۷. حبس کفیل تا تحویل مکفول

کفیل زندانی می‌شود تا فردی را که کفالت کرده، تحویل دهد.

روایاتی در این زمینه هست که برخی از آن‌ها صحیح است؛ از جمله روایتی که شیخ طوسی نقل کرده است: «امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی را نزد علی علیه السلام آوردند که کفالت دیگری را کرده بود. آن حضرت، کفیل را گرفت و گفت: او را زندانی کنید تا رفیقش را بیاورد.» «۳»

فقه‌های ما به این حکم فتوا داده‌اند؛ از جمله آن‌ها صدوق، «۴» شیخ طوسی در همه کتاب‌هایش، «۵» سلار، «۶» محقق حلی، «۷» یحیی بن سعید، «۸» شهید اول، شهید ثانی، «۹» علامه حلی در همه

(۱) - المغنی، ج ۴، ص ۴۴۷.

(۲) - تحفه الفقهاء، ج ۳، ص ۴۳.

(۳) - التهذیب، ج ۶، ص ۲۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۵۶؛ الوافی، ج ۱۸، ص ۸۳۵.

(۴) - المقنع، ص ۱۲۷.

(۵) - النهایه، ص ۳۱۵؛ المبسوط، ج ۲، ص ۳۳۷؛ الخلاف، ج ۳، ص ۳۲۳.

(۶) - المراسم، ص ۲۰۰.

(۷) - شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۵؛ مختصر النافع، ص ۱۴۳.

(۸) - الجامع للشرائع، ص ۳۰۳.

(۹) - الروضة البهية، ج ۴، ص ۱۵۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۸

کتاب‌هایش، «۱» سید ابو الحسن اصفهانی «۲» و مرحوم محمد رضا طبسی را می‌توان نام برد. «۳»

همه کسانی که متعرض این مسأله شده‌اند، همین نظر را داشته‌اند؛ مانند بسیاری از علمای اهل سنت. «۴»

اگر مکفول در زندان باشد [حکم آن چیست؟]، فقهای شیعه فرق گذاشته‌اند میان آن‌جا که در زندان حاکم شرع باشد و میان آن‌جا

که در زندان ظالم باشد؛ در صورت اول، تسلیم او واجب است و در صورت دوم، لازم نیست. «۵»

۸. سکوت مدعی علیه

شخصی که علیه او اقامه دعوا شده، اگر از سخن گفتن خودداری کند زندانی می‌شود.

بسیاری از فقهای امامیه فتوا داده‌اند که اگر مدعی علیه در جواب سؤال قاضی سکوت کند، زندانی می‌شود تا اقرار یا انکار کند و یا

این که

(۱) - تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۲۲۴؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۸۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۰۲.

(۲) - وسیله النجاة، ج ۲، ص ۱۴۶؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱.

(۳) - ذخیره الصالحین، ج ۵، ص ۱۸۵.

(۴) - المبسوط للسرخسی، ج ۲۰، ص ۸۹، تحفه الفقهاء، ج ۲، ص ۲۴۳؛ بدایه المجتهد، ج ۲، ص ۲۹؛ المجموع، ج ۱۴، ص ۵۳.

(۵) - تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۲۲۵؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۱، ص ۷۶.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۹۹

مدعی از حق خود بگذرد؛ از جمله این فقها این افراد هستند:

شیخ مفید، «۱» شیخ طوسی، «۲» دیلمی، «۳» ابن حمزه، «۴» محقق حلی، «۵» سید عاملی «۶» و مرحوم کنی. «۷»

نظر ابو حنیفه «۸» و احمد بن یحیی «۹» - از علمای اهل سنت و زیدیه - نیز همین است.

نظر سید خوانساری، «۱۰» شهید اول و شهید ثانی، «۱۱» تخییر بین حبس و ردّ یمین به مدعی است (یعنی سکوت او به منزله نکول

انگاشته می‌شود و مدعی باید قسم بخورد تا حقیقت اثبات شود).

گروهی دیگر از فقهای شیعه، از جمله امام خمینی، قول سومی دارند که حبس در آن نیست «۱۲» (در صورت سکوت، فقط ردّ

یمین می‌شود).

(۱) - المقنعة، ص ۷۲۵.

(۲) - الخلاف، ج ۶، ص ۲۳۸؛ النهایة، ص ۳۴۲.

(۳) - المراسم العلویة، ص ۲۳۱.

(۴) - الوسیله، ص ۲۱۱.

(۵) - شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۸۵؛ المختصر النافع، ص ۲۸۲.

(۶) - مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۸۶.

(۷) - القضاء، ص ۱۹۳.

(۸) - موارد السجن، ص ۴۴۰؛ ابن قدامة، ج ۹، ص ۹۰.

(۹) - عیون الازهار، ص ۴۲۴.

(۱۰) - جامع المدارك، ج ۶، ص ۳۹.

(۱۱) - الروضة البهیة، ج ۳، ص ۹۳.

(۱۲) - تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۳۸۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۰

۹. حرکات ایدایی و درشتی در دادگاه

کسی که در دادگاه حرکات ایدایی انجام می‌دهد و در سخنان خود به قاضی درشتی می‌کند، زندانی می‌شود. گروهی از فقهای شیعه، از جمله شیخ طوسی «۱» و قاضی ابن براج، «۲» این نظر را دارند. از علمای اهل سنت، ماوردی «۳» و ابن قدامة «۴» این نظر را دارند، ولی اکثریت می‌گویند چنین فردی تأدیب و تعزیر می‌گردد، به اندازه‌ای که حاکم شرع لازم بداند. «۵»

۱۰. خودداری مدعی علیه از حضور در دادگاه

اگر مدعی علیه (خواننده) از حضور در دادگاه خودداری کند، زندانی می‌شود. در تعزیر و تأدیب وی به اندازه‌ای که قاضی صلاح بداند، جای بحث نیست. قول به حبس فقط از برخی علمای اهل سنت نقل شده است. «۶»

(۱) - المبسوط، ج ۸، ص ۹۷.

(۲) - المهذب، ج ۲، ص ۵۹۶.

(۳) - أدب القاضي، ج ۱، ص ۳۵۲.

(۴) - المغنی، ج ۹، ص ۴۲.

(۵) - موارد السجن، ص ۴۲۲.

(۶) - الاختیار، پاورقی، ج ۲، ص ۹۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۱

۱۱. حبس مدعی علیه برای تعدیل شاهد یا حضور او در دادگاه

مدعی علیه (خواننده) زندانی می‌شود تا شهود در دادگاه حضور یابند. شیخ طوسی در دو مورد به این حکم قائل است: ۱. در مورد تعدیل شهود، یعنی اثبات عدالت شهود، ۲. در صورتی که یک شاهد عادل حاضر باشد و برای حضور یک شاهد دیگر اقدام شود. در این دو مورد، شیخ طوسی معتقد است که اقوی، حبس مدعی علیه است. «۱» رأی مالک «۲» و ابو حنیفه «۳» نیز همین است.

۱۲. نکول از سوگند

اگر شخص نکول کند، زندانی می‌شود.

مواردی که نکول باعث زندانی شدن ناکل می‌شود، از این قرار است:

۱. کسی که حاضر نیست سوگند بخورد که به میت، مدیون نیست.
۲. وارثی که حاضر نیست در مورد وصیت سوگند یاد کند. و شیخ طوسی فتوا بر حبس این موردها داده است. «۴»

(۱) - المبسوط، ج ۸، ص ۲۵۵.

(۲) - المدونة الكبرى، ج ۵، ص ۱۸۲.

(۳) - المبسوط، ج ۹، ص ۱۰۶؛ ر. ک: المغنی، ج ۹، ص ۲۵۵؛ و الانصاف، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ تحفه الفقهاء، ج ۳، ص ۱۴۶؛ بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۵۲؛ موارد السجن، ص ۴۵۳.

(۴) - المبسوط، ج ۸، ص ۲۱۴ و ۲۱۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۲

۳. مدعی (خواهان) بی‌بینه ندارد و مدعی علیه (خوانده) حاضر نیست قسم بخورد. قول به حبس در این مورد، نظر برخی از اهل سنت مانند ابو حنیفه و ابن ابی لیلی «۱» است.

۴. اگر مدعی علیه (خوانده) از جواب و توضیح خودداری کند، قول به حبس در میان امامیه مشهور است. «۲» اضافه بر حبس، در زندان به او سخت‌گیری می‌شود. «۳» برخی از اهل سنت مانند قرافی «۴» به این قول معتقدند.

۵. اگر مدعی علیه (خوانده) منکر وجود محکوم به (آنچه مورد ادعای مدعی است) شود. علامه حلی به تفصیل، به این مسأله پرداخته است. «۵»

موارد دیگری نیز به عنوان موجبات حکم زندان وجود دارد، مانند حبس شهود پس از نماز عصر - البته بنا بر اختلافی که در معنای آیه (تَحْسِبُونَهُمْ مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَیُقْسِمَانِ بِاللَّهِ) وجود دارد، «۶» - حبس برده‌ای که احتمال فرار او وجود دارد، «۷» حبس برده فراری «۸» و حبس صاحب

(۱) - المحلی، ج ۹، ص ۳۷۳؛ الخلاف، ج ۶، ص ۲۹۰.

(۲) - مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۸۶.

(۳) - ریاض المسائل، ج ۱۵، ص ۸۵.

(۴) - الفروق، ج ۴، ص ۸۰.

(۵) - قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۱۶؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۸۷؛ موارد السجن، ص ۴۷۰.

(۶) - المائدة، ص ۱۰۶؛ کنز العرفان، ج ۲، ص ۹۹؛ احکام القرآن، ج ۲، ص ۲۱۶؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۱۱۷.

(۷) - الکافی، ج ۶، ص ۱۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۲.

(۸) - الخراج، ص ۱۸۴؛ الفروق، ج ۴، ص ۷۹؛ المدونة الكبرى، ج ۶، ص ۱۷۶.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۳

عبدی که [سهم خود را از عبد آزاد کرده و] از پرداخت سهم دیگر شریک خود، امتناع ورزد - گرچه در این حکم اختلاف است؛

«۱» که برای اختصار، به این موارد نپرداختیم. «۲»

گفتار چهاردهم: حبس بعضی از طرفداران مسلک منحرف

۱. شهادت باطل

کسی که شهادت باطل می‌دهد، زندانی می‌شود. روایات شیعه و سنی این حکم را تأیید می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام هرگاه شاهد زوری را دستگیر می‌کرد، اگر غریب بود او را به محل خود و اگر بازاری بود به محل کارش می‌فرستاد تا او را دور بگردانند؛ سپس او را زندانی و پس از چند روز آزاد می‌کرد. «۳» بنا بر فتوای فقهای امامیه، شاهد زور تعزیر می‌شود. «۴» هیچ‌یک از

- (۱) - السنن الکبری، ج ۶، ص ۶۸؛ مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۴۸۴؛ شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۱۱۱، نیل الاوطار، ج ۷، ص ۱۵۱.
 (۲) - ر. ک: موارد السجن، ص ۴۸۳.
 (۳) - التهذیب، ج ۶، ص ۲۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۴۴؛ ر. ک: کنز العمّال، ج ۷، ص ۲۹؛ السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۴۰؛ مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۱۰، ص ۴۱.
 (۴) - النهایه، ص ۳۳؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۵۲؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۹؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۳۶.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۴
 فقهای شیعه فتوا به حبس نداده‌اند، جز شیخ حرّ عاملی که می‌گوید:
 شاهد زور به مقداری که امام مصلحت می‌داند تازیانه می‌خورد و پس از دورگرداندن، زندانی می‌گردد. «۱»
 ابو یوسف و محمد، از فقهای اهل سنت، گفته‌اند: شاهد زور با تعزیر و حبس تنبیه می‌شود. «۲»

۲. بی‌مبالاتی دانشمند، جهل پزشک و پیمانکار کلاهبردار

دانشمند بی‌مبالات، پزشک جاهل و پیمانکار کلاهبردار زندانی می‌شود. در روایت مرسله‌ای که صدوق نقل کرده، آمده است: علی علیه السلام فرمود: «لازم است امام، دانشمندان فاسق، پزشکان جاهل و پیمانکاران تهی‌دست و کلاهبردار را زندانی کند». «۳» منظور از پیمانکاران کلاهبردار؛ کسانی هستند که از پرداخت حقوقی که به عهده آنان می‌باشند امتناع می‌ورزند و یا کلاهبرداری که دلال و واسطه‌های معاملات هستند و یا کسانی هستند که با عوام‌فریبی و خدعه از مردم پول می‌گیرند تا مشکل آنان را حل کنند، اما به وعده خود عمل نمی‌کنند. «۴»

- (۱) - بدایه الهدایه، ج ۲، ص ۴۴۱.
 (۲) - المبسوط للسرخسی، ج ۱۶، ص ۱۴۵.
 (۳) - الفقیه، ج ۳، ص ۲؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۲۱؛ الوافی، ج ۱۶، ص ۱۰۷۶.
 (۴) - ولایه الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۲ و ۴۸۳.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۵

من ندیدم کسی به مضمون این روایت فتوا داده باشد، جز یحیی بن سعید حلّی «۱» و گلپایگانی «۲» از علمای اهل سنت، فقط ابن رشد فتوا به حبس داده؛ آن هم در خصوص پزشکی که آشنا به حرفه پزشکی نباشد؛ و گفته است تنبیه و زندانی می‌شود و دیه می‌پردازد. «۳»

۳. مستی و قداره‌کشی

افراد مست قداره‌کش، زندانی می‌شوند.

صدوق به سند خود نقل کرده است: امام صادق علیه السّلام فرمود: جمعی مشروب می‌خوردند و مست می‌کردند و سپس قداره‌هایی که با خود داشتند به حرکت در می‌آوردند. آنان را نزد حضرت علی علیه السّلام آوردند؛ آن حضرت آنان را زندانی کرد. «۴»

فقهای گذشته ما به این روایت عمل کرده‌اند، ولی فقهای متأخر به آن عمل نکرده‌اند؛ زیرا این حدیث با اصول و قواعد فقهی سازگار نیست. «۵»

(۱) - الجامع للشرائع، ص ۵۶۸.

(۲) - مجمع المسائل، ج ۳، ص ۲۰۹.

(۳) - بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۲۳۲.

(۴) - الفقیه، ج ۴، ص ۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۳؛ الارشاد، ص ۱۰۶؛ المقنعه، ص ۷۵۰؛ الجعفریات، ص ۱۲۵؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

(۵) - روضه المتّقین، ج ۱۰، ص ۳۵۱؛ المهذب البارع، ج ۵، ص ۲۸۳؛ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۹۲؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۲۵۳؛ مسالک الأفهام، ج ۱۵، ص ۳۵۸.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۶

۴. شرارت

افراد شرور و بدکار، زندانی می‌شوند.

در این زمینه روایاتی از شیعه و سنی وارد شده است. علی علیه السّلام افراد بدکار و فاسد را زندانی می‌کرد. در کتاب «جعفریات» آمده است: امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام افراد فاسق را [از زندان] به نماز جمعه می‌آورد و دستور می‌داد شدیداً مورد مراقبت قرار گیرند. «۱»

در «مسند» زید آمده است: علی علیه السّلام افراد تبهکار را با قیدوبندهایی که قفل داشت، در بند می‌کرد و افرادی را مأمور می‌کرد در اوقات نماز، قفل‌ها را بکشایند «۲» [تا بتوانند نماز بخوانند].

در کلمات فقهای امامیه، کسی را نیافتیم که در این مورد فتوا به حبس داده باشد؛ جز شیخ مفید که در مورد تبهکاران گفته است: حکمش مانند حکم مفسدان و محاربان است. «۳»

از علمای اهل سنت، سرخسی گفته است: تبهکاران، حبس ابد می‌شوند تا بمیرند، «۴» و ماوردی و بعضی از معاصران وی معتقدند

که اشرار باید با تازیانه یا زندان یا تبعید تنبیه شوند. «۵»

(۱) - الجعفریات، ص ۴۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۷.

(۲) - مسند زید، ص ۲۶۵؛ موارد السجن، ص ۲۱۷.

(۳) - المقنعه، ص ۸۰۴.

(۴) - المبسوط، ج ۹، ص ۹۱.

(۵) - الاحکام السلطانیة، ص ۲۲۰، غایة المأمول، ج ۳، ص ۳۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۷

در این مورد، عنوان‌های دیگری هم وجود دارد؛ مانند حبس کسی که حدّ بر او جاری شده که باید زندانی شود تا محل زخم بهبودی یابد و حبس گناهکار تا وقتی که توبه کند. «۱» این مورد جای بحث دارد.

(۱) - موارد السجن، ص ۲۲۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۰۹

فصل دوم حقوق زندانی

اشاره

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۱

فصل دوم: حقوق زندانی

گفتار اول: اصل برائت

اگر زندانی تبرئه شود چه کسی ضامن خسارت او است؟

این مسأله چند صورت دارد: زندانی گاهی با درخواست خواهان به زندان می‌افتد و گاه با درخواست قاضی، به اتهام گناه شخصی یا اجتماعی یا سیاسی. هم‌چنین بحث گاهی دربارهٔ جبران خسارت مالی است و گاه جبران خسارت و زیان معنوی و از بین رفتن آبرو و شخصیت. حکم زندان نیز گاهی از طرف ظالم اجرا می‌شود و گاه از طرف حاکم شرع عادل. حکم نابجای زندان گاه بر اثر اشتباه شهود است و گاه بر اثر دروغ عمدی و گاه بر اثر اشتباه قاضی در قضاوت.

مسأله ضمانت خسارت مالی متوقف بر این بحث است که آیا عمل حرّ (فرد آزاد) مال است و مالیت دارد یا نه؟ [در صورت مالیت داشتن، این بحث نتیجه می‌دهد].

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۲

از کلام محقق سبزواری فهمیده می‌شود که عمل حرّ، مالیت ندارد.

محقق سبزواری می‌گوید: عدم مالیت عمل حرّ، قطعی است. از این رو، وی معتقد است حبس صنعتگر، «۱» ضمانتی ندارد. امام خمینی «۲» [نیز به این رأی قائل است].

مرحوم طبسی می‌گوید: «اگر عدم مالیت عمل حرّ، اجماعی باشد، ما حرفی نداریم؛ ولی اگر اتفاقی و اجماعی نباشد، مسأله مشکل

است؛ زیرا کسی که یک شخص صنعتگر را می‌گیرد و زندانی می‌کند چون او را از شغلش باز داشته، باعث از دست رفتن منافع او می‌شود و اگر این زندان نبود، زندانی آن منافع را کسب می‌کرد. پس آن که او را به زندان انداخته، در حقیقت منافع او را از بین برده و اینک اگر شارع بگوید ضمانتی در کار نیست، برای این شخص زیان است و لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام؛ به‌ویژه اگر شخص زندانی از کسانی باشد که در آمدی جز همان صنعتگری نداشته باشد و مخارج خود و خانواده‌اش منحصر به آن کار صنعتی و دستی باشد. (۳)

- (۱) - المختصر النافع، ج ۲، ص ۲۵۶؛ المكاسب المحرمه، ج ۶، ص ۱۴؛ حاشیه‌ی المكاسب للسید الیزدی، ص ۵۵؛ تقریرات النائینی، ص ۴۰؛ حاشیه‌ی الایروانی، ص ۷۲.
- (۲) - کتاب البیع، ج ۱، ص ۲۰؛ مصباح الفقاهه، ج ۲، ص ۳۶؛ جامع المدارک، ج ۵، ص ۷۹۹.
- (۳) - ذخیره‌ی الصالحین، ج ۵، ص ۸۰.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۳
- فقه‌ای امامیه گفته‌اند: اگر قاضی حکم اشتباهی بدهد، خسارت آن بر عهده‌ی بیت المال است، نه قاضی. (۱) هم‌چنین است در مورد اشتباه شهود. (۲)

گفتار دوم: حق شرکت در مراسم دینی

منشأ این حق، روایتی است که صدوق به سند خود نقل کرده است:

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: امام باید زندانیانی را که به سبب دین و بدهی زندانی هستند، در جمعه به نماز جمعه و در روز عید برای مراسم عید بیاورد و همراهشان مأمور بفرستد تا وقتی نماز و مراسم عید را انجام دادند، آنان را به زندان باز گرداند. (۳)

در روایت آمده است: «علی علیه السّلام زندانیانی را که به جهت بدهی زندانی بودند و هم‌چنین افراد متهمی را که زندانی بودند، برای مراسم مذهبی از زندان بیرون می‌آورد.»

در روایت آمده است که آن حضرت، فسّاق و بدکاران را برای نماز جمعه، از زندان بیرون می‌آورد. (۴)

- (۱) - السرائر، ج ۲، ص ۱۴۹؛ الجامع للشرائع، ص ۴۵۶؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۷؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۷.
- (۲) - الوسیله، ص ۲۳۴؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۴۲؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۷؛ الانصاف للمرداوی، ج ۱۰، ص ۱۲۱؛ المدونه‌ی الکبری، ج ۶، ص ۲۸۳؛ عیون الازهار، ص ۴۳۳.
- (۳) - الفقیه، ج ۳، ص ۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶، ۱۸ و ۲۲۱.
- (۴) - الجعفریات، ص ۴۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۷؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۶، ص ۶۸.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۴

ابو صلاح حلبی (۱) به این حکم فتوا داده و علامه حلی (۲) آن را پسندیده و آن را موافق با مذاق مذهب امامیه دانسته است. (۳)

برخی معتقدند خصوصیتی برای زندانی بدهکار یا متهم نیست و این حق برای هر زندانی مسلمان است؛ (۴) ولی ابن ادریس با این حق مخالفت ورزیده و یا در آن توقف کرده است. (۵) برخی از اهل سنت نیز وجود این حق را برای زندانی منکر شده‌اند. (۶)

هیچ مانعی ندارد که در زندان، نماز جمعه و مراسم مذهبی برپا کنند، بلکه بعضی در این زمینه می‌نویسند: اخبار و آثاری که در کتاب‌های تاریخی، فرهنگی و سیره و در کتب فقهی آمده است، دلالت می‌کند مراسم عبادی - مذهبی آداب و رسوم اخلاقی و

آموزش‌های قرآنی و خواندن و نوشتن، از امور لازم و اجباری در زندان‌های اسلامی است و علی‌علیه السلام زندانیانی که شعائر دینی را ترک می‌کرده‌اند، تأدیب و افراد ولنگار و بی‌تفاوت نسبت به امور دینی را تعزیر می‌کرد؛ همان‌طور که نسبت به امور معیشتی و بهداشتی و دیگر نیازهای آنان کمال دقت و رسیدگی را داشت. «۷»

(۱) - الکافی فی الفقه، ج ۸، ص ۴۴۸.

(۲) - المختلف، ج ۸، ص ۴۱۰.

(۳) - منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۴۵.

(۴) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۳.

(۵) - السرائر، ج ۲، ص ۲۰۰.

(۶) - المبسوط، ج ۲۰، ص ۹۰؛ بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۷۴؛ المحلی، ج ۵، ص ۴۹.

(۷) - أحكام السجون، ص ۱۳۴؛ تاریخ السجون الاصلاحی للفکیکی، مجله الاعتدال، السنة السادسة، العدد ۱، موارد السجون، ص ۴۶۶. زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۵

گفتار سوم: حق ملاقات با نزدیکان

از آنچه قاضی نعمان مصری از روایت علی علیه السلام آورد، برمی‌آید که نمی‌شود مانع رابطه و ملاقات با زندانی شد؛ در این روایت آمده است:

«علی علیه السلام فرمود: مانع کسانی نشو که برای زندانی غذا یا آب یا لباس و یا فرش می‌آورند، ولی مگذار افرادی که راه‌های شیطانی را به او می‌آموزند با وی ملاقات کنند.» «۱»

از کلمات برخی از فقهای معاصر فهمیده می‌شود ملاقات با زندانی جایز است، جز زندانیانی که قاضی می‌خواهد نسبت به آنان سخت‌گیری کند و نداشتن ملاقات، باعث تنبیه و اصلاح آنان می‌شود. «۲» بعضی از فقهای اهل سنت نیز تصریح کرده‌اند مانعی برای ملاقات دوستان و خویشان زندانی نیست. «۳»

ممکن است گفته شود: اگر ملاقات با شدت عمل - که در برخی از موارد لازم است - منافات داشته باشد، زندانی حق ملاقات ندارد؛ مانند ملاقات کسی که از ادای دین سرپیچی می‌کند و ملاقات زن مرتد. «۴»

(۱) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

(۲) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۴۴۶.

(۳) - المبسوط للسرخسی، ج ۲۰، ص ۹۰؛ بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۴؛ ردّ المختار، ج ۴، ص ۳۱۴.

(۴) - موارد السجون، ص ۴۹۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۶

گفتار چهارم: حق رفاه

منشأ این حق، حکمی است که در ضمن نامه علی علیه السلام به قاضی اهواز آمده است: «دستور بده زندانیان را شب‌ها به فضای باز زندان بیاورند تا گردش کنند و قدم بزنند.» «۱»

بعضی از فقها گفته‌اند: امام به دقت و با کمال انصاف، امور معیشتی و دیگر نیازهای زندانیان را در نظر می‌گیرد و به خوبی آنان را اداره می‌کند. «۲»

برخی از معاصران گفته‌اند: لازم است امام، نیازهای کلی زندانیان از قبیل امور معیشتی، دارو، تهویه خوب زندان و لباس‌های تابستانی، را برآورده کند. یکی از متفکران می‌گوید: ساختمان زندان باید مناسب و دارای وسائل گرمازا و خنک‌کننده باشد، تا زندانی کاملاً در آسایش باشد. «۳»

این مطلب از آن‌جا فهمیده می‌شود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله زندانیان را در خانه‌های معمولی که مردم در آن زندگی می‌کردند و همه امکانات داشت، جا می‌داد. آن حضرت، اسیران جنگی را- که حکمشان قتل بود- در خانه‌های معمولی زندانی کرد، در میان صحابه تقسیم کرد تا در خانه‌های خود نگه دارند و در برخی موارد آنان را در یک خانه زندانی می‌کرد؛ چنان‌که چند تن از آنان را در خانه زنی از بنی نجار زندانی کرد. «۴»

(۱)- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

(۲)- احکام السجون، ج ۱۳۴، ص ۱۱۷؛ موارد السجن، ص ۴۹۸.

(۳)- احکام السجون، ج ۱۳۴، ص ۱۱۷؛ موارد السجن، ص ۱۱۷.

(۴)- احکام السجون، ص ۱۱۷؛ موارد السجن، ص ۴۹۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۷

از علمای اهل سنت، ابو یوسف «۱» و برخی از معاصران اهل سنت به این موضوع اشاره کرده‌اند. «۲»

گفتار پنجم: حق مرخصی

در این زمینه، نصی وجود ندارد؛ ولی برخی این حق را از روایتی که در «من لا یحضره الفقیه» آمده است، استظهار کرده‌اند؛ در روایت آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: لازم است امام، زندانیان بدهکار را جمعه‌ها و عیدها همراه مأمور از زندان بیرون بیاورد تا نماز جمعه و مراسم عید به جا آورند و سپس آنان را به زندان باز گردانند. «۳»

گفته‌اند: شاید از این روایت برآید که روز عید به زندانی اجازه می‌دهند تا به دیدار خویشان و نزدیکان خود برود. «۴» این مطلب از کلام شهید ثانی هم فهمیده می‌شود؛ آن‌جا که گفته است: اگر از داخل زندان و یا خارج زندان- اگر اتفاقاً برای کاری بیرون رفته بود- دزدی کرد. «۵»

ما در کتاب «النفی و التغریب»، مفصلاً درباره حق مرخصی برای تبعیدی بحث کرده‌ایم. «۶»

(۱)- الخراج، ص ۱۵۰.

(۲)- فقه السنه، ج ۱۴، ص ۸۴.

(۳)- الفقیه، ج ۳، ص ۲۰.

(۴)- القضاء و الشهادة للمحسنی، ص ۱۶۵.

(۵)- مسالک الافهام، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

(۶)- النفی و التغریب، ص ۲۷۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۸

گفتار ششم: حق تسریع در محاکمه

منشأ این حق، روایتی است که می‌گوید: علی علیه السلام جمعه‌ها به زندان‌ها سرکشی می‌کرد و هر کس می‌بایستی حد بخورد، حد را بر او جاری می‌کرد و هر کس محکوم به حد نبود، آزادش می‌کرد. (۱)

فقه‌های ما در کتاب قضاء، به این حق توجه کرده‌اند و آن را در قسمت آداب مستحبی آورده‌اند و گفته‌اند: اولین عملی که مستحب است قاضی در ابتدای قضاوت روزانه خود، آن را جزء کارهای خود قرار دهد این است که به امور زندانیان بلا تکلیف و بازداشتی پردازد؛ چنان‌که شیخ طوسی، (۲) قاضی ابن براج، (۳) ابن حمزه، (۴) محقق حلی، (۵) علامه حلی، (۶) شیخ بهایی، (۷) فیض کاشانی، (۸) سبزواری (۹) و سید عاملی (۱۰) گفته‌اند.

(۱) - دعائم الاسلام ج ۲، ص ۴۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۳۶.

(۲) - المبسوط، ج ۸، ص ۹۱.

(۳) - المهذب، ج ۲، ص ۵۹۵.

(۴) - الوسیله، ص ۲۰۹.

(۵) - المختصر النافع، ص ۲۷۹؛ و شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۷۳.

(۶) - قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۴؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۸۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۹؛ تبصره المتعلمین، ص ۱۷۹.

(۷) - جامع عباسی، ص ۳۵۵.

(۸) - مفاتیح الشرائع، ج ۳، ص ۲۴۹.

(۹) - کفایه الاحکام، ص ۲۶۲.

(۱۰) - مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۷۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۱۹

سید خوانساری - با نگاهی فراتر - به مستحبی بودن این امر، اشکال کرده، گفته است: چگونه می‌شود پرس‌وجو از زندانی و علت زندانی شدن او، مستحب باشد؟ شخص مدیون و بدهکار وقتی اظهار عسر می‌کند، تا معلوم شدن وضعیت، در زندان می‌ماند؛ ولی وقتی معلوم شد معسر است، هیچ مجوزی برای نگهداری او نیست. (۱) آشتیانی به این نوع اشکال جواب داده است. (۲)

اکثریت اهل سنت نیز معتقد به استحباب توجه به امر زندانی و رسیدگی به حال آنان هستند؛ (۳) چنان‌که از ابن جلاب، (۴) فیروزآبادی، (۵) ابن قدامه، (۶) مرداوی، (۷) نووی، (۸) ابو اسحاق شیرازی (۹) و ابن نجار (۱۰) نقل شده است. ابن قدامه می‌گوید: وقتی قاضی بر کرسی قضاوت می‌نشیند، اولین کاری که می‌کند رسیدگی به زندانیان است.

(۱) - جامع المدارک، ج ۶، ص ۱۲.

(۲) - القضاء، ص ۵۹.

(۳) - النفقات، ص ۴۷.

(۴) - التفریح، ج ۱۹، ص ۲۵۳.

(۵) - التنبیه، ص ۵۸۳.

(۶) - المغنی، ج ۹، ص ۴۶.

- (۷) - الانصاف، ج ۱۱، ص ۲۱۸.
- (۸) - المجموع، ج ۲، ص ۱۴۰.
- (۹) - المهذب، ج ۲، ص ۲۹۸.
- (۱۰) - شرح مختصر الخلیل، ج ۷، ص ۱۷۳؛ و منتهی الأبرادات، ج ۲، ص ۵۸۳؛ و شرح منتهی الادارات، ج ۳، ص ۴۷۳؛ أدب القاضی، ج ۱، ص ۲۲۱؛ فقه السنه، ج ۱۴، ص ۸۳.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۰

گفتار هفتم: حق حضور در کنار همسر

روایتی از امام صادق علیه السّلام وارد شده که ظاهر آن دلالت می‌کند زندانی حق دارد در کنار همسرش باشد. در کتاب «جعفریات» آمده است: امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: زنی نزد علی علیه السّلام از شوهرش دادخواهی کرد و علی علیه السّلام دستور داد او را زندانی کنند؛ زیرا مخارج زن را به قصد ایذا و آزار، نمی‌داد. مرد پس از محکومیت به آن حضرت گفت: زنم را با من زندانی کن، علی علیه السّلام فرمود: این حق تو است و به زن گفت با او برو و به هیچ کس کار نداشته باش. «۱»

ندیدم جز برخی از معاصران کسی متعرض این مسأله شده باشد. وی می‌گوید: از امور مهمی که لازم است رعایت شود ایجاد زمینه‌ای است که زندانی بتواند با همسرش ملاقات کند. باید آنان بتوانند با هم خلوت کنند، زیرا نیاز جنسی از ضروری‌ترین نیازهاست و فاصله طولانی میان زوجین، غالباً مسائلی به دنبال دارد که عقل و شرع به آن راضی نیستند و گاهی باعث جدایی و طلاق و فروپاشی خانواده می‌گردد. «۲»

فقه‌های ما در باب «قسم» از کتاب نکاح، مسأله‌ای را مطرح کرده‌اند که از آن، وجود این حق برای زوج فهمیده می‌شود؛ چنان‌که شیخ طوسی گفته است. «۳»

(۱) - الجعفریات، ص ۱۰۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۳۲.

(۲) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۰.

(۳) - المبسوط، ج ۴، ص ۳۳۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۱

علامه حلّی می‌گوید: اگر زوج قبل از قسمت (نوبت‌بندی زنان متعدد)، زندانی شود و یکی از زن‌ها را نزد خود بخواهد لازم می‌آید بقیه را هم بخواهد و اگر یکی از آن‌ها خودداری کرد حشش ساقط می‌شود. «۱»

عبد الرزاق، از علمای اهل سنت، در «مصنّف» خود، نقل کرده است:

عمر بن عبد العزیز در مورد محارب گفت: «خانواده او را در دسترس او قرار دهید». «۲» ابن قدامه - از علمای اهل سنت - در باب قسم «۳» و ابن عابدین - به نقل از کتاب «نهر» - می‌گوید: «وقتی زندانی نیاز به آمیزش پیدا کرد، همسر یا کنیز او را در اختیارش قرار دهند». «۴» و خطیب هم از ابو حنیفه این قول را نقل کرد. «۵»

گفتار هشتم: حق درمان

برخی از معاصران فتوا داده‌اند: اگر بدهکار، بیمار باشد - در صورتی که حبس برای او ضرر داشته باشد - جایز نیست زندانی شود. هم‌چنین است مدیون، اگر اجیر دیگری باشد. «۶» اهل سنت در مورد اجیر، فرق

- (۱) - قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۴۷.
- (۲) - المصنف، ج ۱۰، ص ۱۱۸.
- (۳) - المغنی، ج ۷، ص ۳۴.
- (۴) - ردّ المختار، ج ۴، ص ۳۱۴.
- (۵) - فتاوی غیاثیه، ص ۱۶۷.
- (۶) - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۷۵؛ العروه الوثقی، ج ۳، ص ۵۶؛ مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۹۰؛ القضاء و الشهاده، ص ۲۵۷.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۲
- گذاشته‌اند میان آن‌جا که زندانی نمی‌تواند در زندان برای ماجر کار کند و آن‌جا که می‌تواند کار کند. «۱» برخی نیز فرق گذاشته‌اند میان آن‌جا که کسی در زندان باشد که از او پرستاری کند یا نباشد. «۲»
- ظاهر این است که فتاوی فقهای شیعه در مورد عدم جواز زندانی کردن بیمار، اختصاص به بدهکار بیمار یا بدهکار اجیری دارد که زندان برای آنان زیان داشته باشد، نه بقیه موارد؛ مانند کسی که دیگری را نگه داشته تا او را بکشند، مرتدّ ملّی، زن مرتدّ یا کسی که دستور قتل داده است.
- دلیل آن‌ها برای عدم جواز حبس بدهکار بیمار یا اجیر، قاعده لا ضرر و لا حرج است که در استدلال به آن بحث است، زیرا در صورت عدم حبس برای طلبکار نیز ضرر و زیان است. «۳»

گفتار نهم: حق خوراک، پوشاک و...

مفهوم بسیاری از روایات این است که خوراک، پوشاک و ... زندانی از بیت المال تأمین می‌گردد؛ ولی مورد این روایات سارق است که در مرحله سوم دست به دزدی زده است. امام صادق علیه السلام فرمود: مرتبه اول، دست قطع می‌شود و مرتبه دوم، پا قطع می‌شود و مرتبه سوم، چیزی قطع

- (۱) - شرح الجمل علی حاشیه المنج، ج ۵، ص ۳۴۶.
- (۲) - الاختیار، ج ۲، ص ۹۱.
- (۳) - موارد السجن، ص ۵۱۲.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۳
- نمی‌شود. اگر دزدی کرد زندانی می‌شود و از بیت المال به او خرجی می‌دهند. «۱»
- نیز در روایات آمده است: خرجی زندانیان ابد برعهده بیت المال است، ولی این حکم اختصاص به سه دسته دارد:
- الف: کسی که مقتول را نگه داشته تا بمیرد؛
- ب: زن مرتدّ؛
- ج: سارق.

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که محکوم به زندان ابد شده، از بیت المال به او خرجی می‌دهند و فقط سه دسته‌اند که زندان ابد می‌شوند؛ نگه‌دارنده مقتول؛ زن مرتدّ، قبل از توبه؛ سارق در مرتبه سوم، پس از قطع دست و پایش «۲» (در مرتبه اول و دوم).

نیز در روایات آمده است: بیت المال، متحمل خرجی تمامی زندانیان ابد، می‌شود، ولی فقط نسبت به تغذیه آنان؛ زیرا علی علیه

السلام به همه زندانیان ابد، از بیت المال، غذا می‌داد. «۳»

برخی از فقهای ما فرق گذاشته‌اند میان فقیر و غنی و مورد را اختصاص داده‌اند به سارق؛ چنان‌که از فاضل هندی، «۴» طباطبایی، «۵»

(۱) - الکافی، ج ۷، ص ۲۲۴؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۴.

(۲) - دعائم الاسلام، ج ۲؛ ص ۵۳۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۰۳.

(۳) - التهذیب، ج ۱۳، ص ۱۷۸.

(۴) - کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۴۹.

(۵) - ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۱۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۴

سید یزدی، «۱» مامقانی، «۲» امام خمینی «۳» و طبسی «۴» نقل شده است.

برخی دیگر مانند آقای خوبی، «۵» مسأله را به صورت مطلق ذکر کرده‌اند. برخی میان آن‌جا که زندانی تمکن مالی داشته یا نداشته باشد و هم‌چنین در انواع جریمه، فرق قائل شده‌اند. «۶»

از علمای اهل سنت، «۷» شیبانی و ابو یوسف «۸» مسأله را اختصاص به افراد شرور و فاسق داده‌اند؛ سمرقندی آن را اختصاص به زن زندانی داده که مخارجش برعهده شوهرش گذاشته می‌شود، «۹» و احمد بن یحیی گفته است: خرجی برعهده خود زندانی است و اگر نداشت برعهده بیت المال است؛ «۱۰» مالکی‌ها آن را اختصاص به مرتد دانسته‌اند؟ و بنابراین که خرجی را از مال خودش بردارند؛ «۱۱» و نزوی - از اباضیه - گفته است: خرجی مدیون زندانی را باید طلبکار یعنی همان که درخواست زندان کرده، بدهد. «۱۲»

(۱) - العروة الوثقی، ج ۳، ص ۵۲.

(۲) - مناهج المتقین، ص ۵۰۳.

(۳) - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴۰.

(۴) - ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۵۵.

(۵) - منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۰۴.

(۶) - مستند الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۸؛ للنراقی و القضاء للکنی، ص ۲۱۲.

(۷) - النفقات، ص ۶۷.

(۸) - الخراج، ج ۱۴۹، ص ۱۸۴؛ الترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۰۰.

(۹) - تحفه الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۸؛ الانصاف للمرادوی، ج ۱۰، ص ۲۴۹.

(۱۰) - عیون الازهار، ص ۴۶۹.

(۱۱) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۲۴.

(۱۲) - المصنف، ص ۴۲۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۵

آزادی از زندان در چهار مورد متصور است:

(الف) موردی که شرعا حبس، محدود به زمان معینی باشد؛ مانند متهم به قتل و سرقت - بنابر قول مالک -، آنجا که اعسار بدهکار ثابت شود و محاربی که قتل و جرح انجام نداده است - بنابر فرض تفسیر «نفی» در آیه به «حبس»؛ و مدت زندانی تمام شده باشد. «۱»

(ب) مواردی که حبس از باب تعزیر باشد. امام می‌تواند این زندانیان را مورد عفو قرار دهد. «۲»

(ج) اگر زندانی توبه کند و کار خود را اصلاح کند یا امام مصلحتی در وی ببیند او را آزاد می‌کند؛ گرچه محکوم به زندان ابد باشد؛ چنان که شیخ مفید، «۳» سید مرتضی، «۴» دیلمی، «۵» ابن زهره، «۶» فاضل هندی «۷» و صاحب جواهر «۸» تصریح کرده‌اند.

(د) اگر زندان، حدّ باشد، در صورتی که جرم به اقرار ثابت شده باشد

(۱) - موارد السجن، ص ۵۴۷.

(۲) - شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۴۷؛ مسالک الأفهام، ج ۱۴، ص ۳۲۶؛ المبسوط، ج ۸، ص ۶۶.

(۳) - الانتصار، ص ۶۳.

(۴) - المقنعة، ص ۸۰۲.

(۵) - الغنیة، ص ۴۳۳.

(۶) - المراسم، ص ۲۵۹.

(۷) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۳۳؛ مناهج المتّقین، ص ۵۰۲.

(۸) - كشف اللثام، ج ۲، ص ۲۴۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۶

نه به بینه - چنان که شیخ طوسی «۱» گفته است - امام می‌تواند او را عفو کند، ولی در نوع جرم، اختلاف وجود دارد. [گفته‌اند شامل شرب آبجو و خمر نمی‌شود]. هم‌چنین برخی گفته‌اند: شامل حقوق الله می‌شود. دسته‌ای دیگر گفته‌اند: فقط امام معصوم می‌تواند عفو کند. «۲»

(۱) - النهایة، ص ۷۱۸.

(۲) - الغنیة، ص ۴۲۵؛ جواهر الکلام، ص ۴۱، ج ۵۴۰؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۷۰؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۱۷۶؛ ذخیره

الصالحین للطبسی، ج ۸، ص ۳۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۷

فصل سوم احکام زندان

اشاره

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۲۹

فصل سوم: احکام زندان

گفتار اول: جداکردن زنان از مردان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان اسیر را در اطاق کوچکی که بیرون مسجد بود، «۱» زندانی می‌کرد. کتانی در بحث زندان زنان گفته است: دختر حاتم در اطاقکی که بیرون مسجد بود و زنان در آن زندانی می‌شدند، زندانی شد. «۲»

از روایاتی که دلالت بر حرمت خلوت با اجنبیه دارد، می‌شود برای لزوم جدایی زندان زنان از مردان، استدلال و استیناس کرد. «۳» هم چنین از روایاتی که دلالت می‌کند بر حرمت یا بطلان نماز در مکان خلوتی که شخص ثالث نمی‌تواند داخل شود، می‌توان برای این امر استفاده کرد. «۴»

(۱) - السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۵۵.

(۲) - التراتیب الإداریه، ج ۱، ص ۳۰۰.

(۳) - وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۸۰.

(۴) - توضیح المسائل للخمینی، ص ۱۴۴؛ الخوئی، ص ۱۵۲؛ الکلپایگانی، ص ۱۷۲.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۰

بعضی از علمای ما تصریح کرده‌اند که واجب است جدایی میان زن و مرد در زندان مراعات شود و اختلاط زن و مرد در مکان خلوت از مواردی است که قطعاً موجب فساد است. «۱»

از علمای اهل سنت، سرخسی «۲» و ابن عابدین به این موضوع تصریح کرده‌اند. ابن عابدین گفته است: برای دفع فتنه، زندانی جداگانه برای زنان قرار می‌دهند. «۳»

از مذاق شرع و فضای احکام تشریحی فهمیده می‌شود که شارع مقدس به اختلاط زن و مرد راضی نیست. «۴»

گفتار دوم: جداسازی جوانان و نوجوانان از بزرگسالان، مسلمانان از غیر مسلمانان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زندان مسلمانان، حبس می‌شود». در روایت دیگر آمده است: «در زندان مؤمنان، حبس می‌شود». این روایت در بحث ایدای جسمی آمده است.

بعضی از علماء ما می‌گویند: پس لازم است برای هر صنفی از زندانی و هر صنفی از مجرمین، مکان خاصی در نظر گرفته شود تا فساد ایجاد

(۱) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۵.

(۲) - المبسوط، ج ۲۰، ص ۹۰.

(۳) - ردّ المختار، ج ۴، ص ۳۲۸ و ۳۴۷.

(۴) - موارد السجن، ص ۵۱۶.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۱

نشود. از همین رو، لزوم جدایی جوان‌های ساده و بی‌خبر از افراد منحرف و کارگشته و فاسد و تبه‌کار، آشکار می‌شود؛ زیرا معاشرت زیاد، قطعاً مؤثر است و آن وقت زندان که برای اصلاح مهتتا گشته است، تبدیل به محل [آموزش] فساد و افساد می‌شود.

«۱»

از علمای اهل سنت، ابن عابدین نیز به ضرورت جدایی نوجوانان از بزرگسالان تصریح کرده است. «۲»

از موارد حبس کودکان- که بعداً خواهد آمد- الف) حبس کودکان شورشیان است؛ همانطور که علامه، «۳» عاملی «۴» - از فقهای شیعه- و فیروزآبادی «۵» و ابن قدامه «۶» - از اهل سنت- بیان کردند.

ب) حبس کودکان کفار، در صورتی که ادعای رویش مو (بلوغ) شود؛ «۷»

ج) حبس تأدیبی اطفال.

همانطور که سرخسی، «۸» حموی «۹» و ابن عابدین «۱۰» آن را بیان داشتند.

- (۱)- ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۵.
 - (۲)- الدرّ المختار، ج ۴، ص ۳۴۷.
 - (۳)- قواعد الأحکام، ج ۲، ص ۲۱۱.
 - (۴)- مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۱۰۶.
 - (۵)- التنبیه، ص ۲۲۹.
 - (۶)- المغنی، ج ۸، ص ۱۱۵؛ والامّ، ج ۴، ص ۲۱۹؛ المجموع، ج ۱۹، ص ۲۰۶؛ حلیة العلماء، ج ۷، ص ۶۱۷؛ الوجیز، ج ۲، ص ۱۶۵.
 - (۷)- مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۳۳۱؛ روضه المتقین، ج ۱۰، ص ۳۵۳.
 - (۸)- المبسوط، ج ۲۰، ص ۹۱.
 - (۹)- غمر عیون البصائر، ج ۲۲۰.
 - (۱۰)- مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۳۳۱؛ روضه المتقین، ج ۱۰، ص ۳۵۳.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۲

گفتار سوم: ایجاد اشتغال برای زندانی

برخی از متفکران شیعه متعزّض این بحث شده‌اند. «۱»

نصّی به خصوص در این زمینه وارد نشده است، ولی در این که ایجاد اشتغال برای زندانی کار خوبی است بحثی نیست و کلیات و اطلاعاتی که در شرع درباره تشویق به کار و نهی از کسالت و بی‌کاری وارد شده است، «۲» برای استدلال بر لزوم ایجاد اشتغال برای زندانی کافی است.

از دلایلی که برای این موضوع آورده‌اند، روایاتی است که می‌گوید:

جایز است زندانی بدهکار به استخدام طلبکاران در آید و برای آنان کار کند. «۳»

گفتار چهارم: تحریم شکنجه برای گرفتن اقرار

اگر اقرار با شکنجه گرفته شد، هیچ اعتباری ندارد. روایات زیادی در اثبات این موضوع آمده است؛ از جمله کلینی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: هر کس به واسطه تهدید به تازیانه یا زندان یا ترساندن، اقرار کند، حدّ بر او جاری نمی‌شود. «۴» از طریق اهل سنت، روایات زیادی در این مورد وارد شده است «۵» که فتاوی فقهای «۶»

(۱)- احکام السجون، ص ۱۱۴.

(۲)- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۱.

(۳) - التهذیب، ج ۶، ص ۳۳۰.

(۴) - الکافی، ج ۷، ص ۲۶۱؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۴۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۸.

(۵) - مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۱۹۲؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۳۵؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۷۰.

(۶) - النهایه، ص ۷۱۸؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۷۶؛ الجامع للشرائع، ص ۵۲۲؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۰؛ جواهر الکلام، ج

۴۱، ص ۲۸۰؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۳

شیعه و اهل سنت، مفاد همین روایات است. «۷»

روایاتی وجود دارد که ایهام به جواز شکنجه در چند مورد دارد:

الف) متهم به قتل؛ «۸» ب) کسی که حقیقت را کتمان می‌کند - اسراری را پنهان می‌کند که برای حکومت اسلامی مهم است -

چنان که در مورد کتانه ابن ابی الحقیق، رئیس یهودیان در صدر اسلام اتفاق افتاد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از او درباره گنج خانواده ابو الحقیق پرسید، ولی وی منکر وجود گنج شد «۹» و زبیر او را شکنجه

داد تا اقرار کند. گرچه این روایت اشکالاتی از جمله ضعف سند دارد. «۱۰»

هم چنین بعضی از فقها می‌گویند: کسی که اجمالا حقیقتی را می‌داند و یا احتمال آن را می‌دهد اگر آن را کتمان کند و این کتمان

برای مسلمانان زیان داشته باشد، جایز است شکنجه شود. توسل به تعزیر و شکنجه‌ای که به کشف حقیقت منجر شود، لازم است.

«۱۱»

برخی دیگر گفته‌اند: می‌شود گفت حفظ نظام مسلمانان و حفظ اموال

(۷) - الخراج، ص ۱۷۵؛ المحلّی، ج ۱۱، ص ۱۴۱؛ تحفه الفقهاء، ج ۳، ص ۲۷۷؛ ردّ المحتار، ج ۴، ص ۳۱۲؛ فقه السنه ج ۱۴، ص

۸۳

(۸) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۰۷.

(۹) - مغازی الواقدی، ج ۲، ص ۶۷۱.

(۱۰) - موارد السجن، ص ۵۳۸.

(۱۱) - تعلیق و تحقیق علی إیمات القضاء بهامش القضاء للعراقی، ص ۳۶۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۴

و حقوق آنان در نزد شارع، دو امر مهم است و حفظ این دو خیلی از اوقات، نیاز دارد به دستگیری متهمان و زندانی کردن آنان تا

حقیقت کشف شود. «۱»

وی در جای دیگر گفته است: وقتی قاضی بداند شخصی، اطلاعاتی دارد که برای حفظ نظام سودمند است و با آن فتنه‌ای دفع

می‌گردد یا اسلام تقویت می‌شود یا در راه احقاق حق مسلمانان مفید است، به گونه‌ای که عقل و شرع حکم کند بر او واجب است

این اطلاعات را در اختیار نظام بگذارد و این وجوب برای او نیز واضح و روشن باشد، ولی از روی عناد و ستیزه‌جویی از اظهار آن

خودداری کند، در این صورت جایز است متهم تعزیر شود - تا فقط کشف حقیقت شود، بدون این که این اعترافات موجب مجازاتی

برای شخص او شود - زیرا تعزیر به سبب ترک واجب، هر واجبی که باشد، جایز است و فرض این است که افشای اسرار، لازم و

واجب باشد. «۲»

چنان که برخی از علمای اهل سنت اجازه داده‌اند، متهم به قتل و متهم به سرقت، کتک می‌خورد تا اعتراف کند. «۳»

(۱) - ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.

(۲) - همان.

(۳) - الاحکام السلطانیة، ص ۲۲۰؛ فقه السنه، ج ۱۴، ص ۸۳؛ الفتاوی الکبری، ج ۴، ص ۲۲۸.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۵

گفتار پنجم: معنای تأدیب در زنداد و حدود آن

تأدیب و تنبیه زندانی، مراتب و مصادیقی دارد:

الف) سخت‌گیری در خوراکی و نوشیدنی، که چند دسته با آن مجازات می‌شوند.

۱. مردی که زنش راظهار کرده و رجوع نکرده است؛ «۱»

۲. بدهکاری که از پرداخت بدهی خودداری کند. «۲»

ب) سخت‌گیری در لباس، که مجازات زن مرتد است. علی علیه السلام می‌فرماید: لباس خشن به مقداری که عورت او را بپوشاند و

از سرما و گرمای طاقت‌فرسا نگه دارد، به او پوشانده می‌شود. «۳»

ج) به بند کشیدن و بستن دست‌ها و پاهای زندانی، که عقوبت چند دسته است:

۱. مادر زناکار؛ «۴»

۲. کارگزار خائن، چنان‌که در داستان ابن هرمة بود؛ «۵»

۳. شخص شرور و فاسق «۶» - در سند روایت آن اشکال است؛ «۷»

(۱) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۴۵.

(۲) - الکافی فی الفقه، ص ۴۴۸؛ نزهة الناظر لیحیی بن سعید، ص ۱۲۱.

(۳) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۸۰.

(۴) - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۱۲.

(۵) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

(۶) - مسند زید، ص ۲۶۵.

(۷) - موارد السجن، ص ۵۴۳.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۶

۴. بدهکاری که از ادای دین خودداری می‌کند. «۱»

اهل سنت گفته‌اند: مطلوب به دم، یعنی کسی که اولیای دم می‌خواهند او را قصاص کنند، همین عقوبت درباره‌اش اعمال می‌شود.

«۲»

د) سخت‌گیری در مکان، که عقوبت دو طایفه است:

۱. بدهکاری که از ادای دین خودداری می‌کند؛

۲. کارگزار خائن، مانند داستان ابن هرمة. «۳»

ه) زدن با شلاق، که عقوبت چند دسته است:

۱. کسی که مقتول را نگه داشته تا قاتل او را بکشد. امام صادق علیه السلام فرمود: این شخص [علاوه بر حبس] در هر سال پنجاه تازیانه می‌خورد. «۴»
- ابن براج «۵» و خوئی «۶» این نظر را دارند.
۲. کارگزار خائن [در روایت آمده است]: «او را از زندان بیرون بیاور و ۳۵ تازیانه بزن، اگر دیدی طاقت و توان دارد پس از ۳۰ روز، دوباره به او ۳۵ تازیانه بزن». «۷»
۳. کسی که در مرتبه سوم، مرتکب سرقت شده است [در روایت آمده

- (۱) - القضاء للکنی، ص ۲۱۲.
 - (۲) - الخراج، ص ۱۵۰.
 - (۳) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.
 - (۴) - التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۲۱.
 - (۵) - المهذب، ج ۲، ص ۴۶۸.
 - (۶) - مبانی تکلمة المنهاج، ج ۲، ص ۱۱.
 - (۷) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۷
- است: «او را بزن و در زندان ابد نگه‌دار». «۱»
۴. بدهکاری که در ادای دین، کوتاهی می‌کند. شیخ طوسی، ابن حمزه، یحیی بن سعید و علامه این نظر را دارند. «۲»
 ۵. زن مرتد. «۳»
 ۶. قاتل فراری [در روایت آمده است که]: «والی او را حبس و تأدیب می‌کند». «۴»
- این بود مقدار و حدود تأدیب و شکنجه در زندان؛ با وجود اختلاف‌ها و بحث‌هایی که درباره سند و دلالت این روایات ممکن است وجود داشته باشد. «۵»

کتاب‌شناسی زندان

کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی درباره زندان نوشته و منتشر شده است؛ از جمله:

۱. حبس المحارب؛ عیاشی.
۲. احکام السجون؛ وائلی.

- (۱) - الجعفریات، ص ۱۴۱، سنن الدار قطنی، ج ۳، ص ۱۰۸.
 - (۲) - موارد السجن، ص ۵۴۵.
 - (۳) - شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۸۳؛ نزهة الناضر، ص ۱۱۹.
 - (۴) - الکافی، ج ۷، ص ۲۸۶.
 - (۵) - موارد السجن، ص ۵۴۶.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۸

۳. زندان و زندانی؛ محمدی و باقری.
۴. زندان؛ اردستانی.
۵. حقوق زندانیان؛ تاج زمان دانش.
۶. تاریخ السجن الاصلاحی؛ توفیق فکیکی.
۷. حقوق الانسان فی السجن؛ غنّام محمّد.
۸. احکام المحبوسین؛ خالصی.
۹. موارد السجن؛ طبسی.
۱۰. احکام السجن و معامله السجناء فی الاسلام؛ ابو غده.
۱۱. زندان آری یا خیر؛ گفتگو با چند تن از محققین، مجله فراسو. زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۳۹

بخش دوم تبعید

اشاره

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۱

بخش دوم: تبعید از روایات «۱» برمی آید که قبل از اسلام، تبعید امری رایج بوده است؛ به‌ویژه نسبت به زناکار. اسلام با آیه (وَ الذّٰنِ یٰۤاٰیُّهَا مَنْکُمْ فَاذُوهُمَا)؛ «۲» آنان را آزار دهید و اذیت کنید، آن را تثبیت کرد؛ سپس به وسیله آیه «جلد»، این حکم نسخ شد.

«۳»

(۱) - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۵۱.

(۲) - نساء، آیه ۱۶.

(۳) - البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۲۹.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۳

فصل اول کلیات تبعید

اشاره

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۵

معنای نفی

نفی یعنی طرد کردن، دفع کردن، تبعید کردن و کنار گذاشتن. نفی بلد یعنی راندن شخصی [از شهری] به شهری «۱». اصل نفی به معنای نیست کردن شخص به وسیله تبعید است. «۲»

معنای تغریب

تغریب یعنی تبعید [شخص] از وطن به غربت. «اغترب» و «تغزب» یعنی به سرزمین غربت رفت. «۳»
تغریب به معنای نفی بلد است، یعنی نفی و تبعید از شهری که جرم در آن واقع شده. «۴»

(۱) - معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۴۵۶؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۸؛ النهایه، ج ۵، ص ۱۰۱؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۳۷؛
القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۹۹؛ صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۵۱۳.

(۲) - مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۸۷.

(۳) - مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۳، ص ۲۹۹.

(۴) - النهایه، ج ۴، ص ۳۴۹؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۶۳۸؛ الوافی، ج ۲۲، ص ۸۲۸.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۶

مراد از تبعید، نگهداری و استقرار در یک شهر نیست، بلکه مدام تحت تعقیب قرار می‌گیرد و هر جا که بخواهد برود جلوی‌ش گرفته شود؛ چنان‌که ابن فهد حلی و ابن ادریس «۱» بیان داشته‌اند و یا این است که یک سال از سرزمین اسلامی تبعید گردد؛ چنان‌که یحیی بن سعید - از فقهای شیعه - و کاشانی - از فقهای اهل سنت - گفته‌اند؟ «۲»

ادله تبعید

تبعید به ادله چهارگانه، مشروع است:

۱. کتاب: خداوند فرمود: (أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ). «۳»

۲. سنت: بنابر روایات مستفیضه یا متواتر، «۴» پیامبر صلی الله علیه و آله و هم علی بن ابی طالب علیه السلام حکم تبعید را اجرا کردند. امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه امیر المؤمنین علیه السلام می‌خواست مسلمانی را تبعید کند، او را به نزدیک‌ترین محل از سرزمین مشرکان به سرزمین اسلام تبعید می‌کرد؛ که در آن زمان، «دیلیم» نزدیک‌تر از همه به سرزمین اسلام بود. «۵»

(۱) - المهدب البارع، ج ۵، ص ۳۲؛ السرائر، ج ۳، ص ۵۰۵؛ النفی و التغریب، ص ۴۲۳.

(۲) - الجامع للشرائع، ص ۲۴۲؛ بدائع الصنائع للکاسانی، ج ۷، ص ۹۵.

طبسی، نجم الدین - مترجم: حسینی، سید محمد رضا و شفیعی، مصطفی، زنداد و تبعید در اسلام، در یک جلد، انتشارات
صفحه‌نگار، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه ق زنداد و تبعید در اسلام؛ ص: ۱۴۶
(۳) - مائده، آیه ۳۳.

(۴) - النفی و التغریب، ص ۲۵.

(۵) - التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۴۰؛ الجامع الصحیح، ج ۴، ص ۴۴.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۷

۳. اجماع: اجماع منعقد شده است که تبعید، مجازات برخی مجرمان است، مانند محارب، زناکار غیر محصن، پدری که پسر خود را
می‌کشد و کسی که قوادی و دلالی می‌کند. «۱»

۴. عقل: عقل حکم می‌کند از هر طریق ممکن، لازم است امنیت و سلامت جامعه حفظ شود.

حد یا تعزیر بودن تبعید

بنابراین که ملاک در تعزیر بودن، مجازاتی باشد که در شرع، مقدار مشخصی ندارد «۲» - چنان که مشهور در تعریف تعزیر است «۳» - تبعید، حدّ است؛ زیرا تبعید برای برخی از جرائم، معین و مشخص شده است، مانند آمیزش با چهارپایان و قتل فرزند توسط پدر و محاربه. «۴»

اگر بگوییم این تعریف، کلی نیست، بلکه به حسب غالب است؛ زیرا در شرع، تعزیرهایی با مقدار معین و مشخص وارد شده است؛ «۵» احتمال دارد تبعید، تعزیر باشد؛ البته در صورتی که دلیل خاصی بر حدّ بودن آن نداشته باشیم. اگر تبعید، تعزیر باشد، فایده‌اش این است که حاکم شرع می‌تواند آن

(۱) - النفی و التغریب، ص ۴۷، ۹۱، ۱۳۵، ۱۶۴ و ۳۶۷.

(۲) - ریاض المسائل، ج ۱۵، ص ۴۳۳؛ مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۴۵۷.

(۳) - مهذب الأحکام، ج ۲۷، ص ۲۷۱.

(۴) - النفی و التغریب، ص ۸۳.

(۵) - مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۲۷۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۸

را اسقاط کند و مجرم را ببخشد؛ چنان که حکم کلی تعزیر است.

تبعید از نظر امامیه واجب است و مستحب نیست که وابسته به نظر و انتخاب امام باشد، «۱» ولی از نظر اهل سنت، در اختیار امام است و امام در صورت فایده، آن را اعمال می‌کند. «۲»

تبعید از نظر امامیه، بالاتفاق، «۳» حد است. نظر جمهور اهل سنت نیز همین است؛ «۴» ولی از نظر حنفیان، تعزیر است و بستگی به نظر امام دارد. «۵»

تبعید به عنوان تعزیر

برخی از فقهای شیعه تصریح کرده‌اند: مجازاتی که برای بعضی از جرایم گذاشته شده، از باب تعزیر است و حاکم شرع در صورت مصلحت، آن‌ها را به کار می‌برد، مانند آمیزش با حیوان «۶» و احتکار که اثر سوء اجتماعی دارد. «۷»

(۱) - المبسوط، ج ۸، ص ۳؛ المهذب البارع، ج ۵، ص ۶۴.

(۲) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۶۴.

(۳) - الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۹؛ مسالک الافهام الی آیات الاحکام للکاظمی، ج ۴، ص ۲۱۱.

(۴) - روائع البیان، ج ۲، ص ۲۹.

(۵) - المبسوط للسرخی، ج ۹، ص ۴۵؛ بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۳۹.

(۶) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۳۹.

(۷) - موازین قضایی از نظر امام خمینی، ج ۱، ص ۱۷۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۴۹

برخی دیگر معتقدند تبعید در همه موارد، از باب تعزیر است؛ «۱» چنان که برخی از علمای اهل سنت معتقدند تبعید از مصادیق

تعزیر است و حاکم شرع می‌تواند آن را اعمال کند. «۲»

مکان تبعید

از اموری که در آن بحث می‌شود یا لازم است بحث شود تعیین مکان تبعیدی است. آیا کافی است به کم‌تر از مسافت شرعی تبعید شود و یا لازم است به بیشتر از حد مسافت شرعی تبعید شود؟ و یا این که همان صدق سفر کفایت می‌کند؟
نص خاصی درباره مکان تبعید وجود ندارد، جز روایتی که بنابر آن امام باقر علیه السّلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السّلام هرگاه می‌خواست مسلمانی را تبعید کند، او را به نزدیک‌ترین سرزمین مشرکان نسبت به سرزمین اسلام، تبعید می‌کرد که [در آن زمان] دیلم نزدیک‌ترین سرزمین شرک محسوب می‌شد. «۳» شیخ طوسی می‌گوید: مکان تبعید، بستگی به نظر امام دارد؛ زیرا در شرع، مکان خاصی برای آن مشخص نشده است. «۴»
آیا جایز است مسلمان به سرزمین مشرکان تبعید شود- چنان که در

(۱)- دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۶.

(۲)- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۰۰؛ التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۳۲؛ معالم القربه، ص ۲۸۵.

(۳)- التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۷.

(۴)- المبسوط، ج ۸، ص ۱.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۰

روایت بکیر از علی علیه السّلام استفاده می‌شود که جایز است تبعیدی به سرزمین مشرک که در مجاورت سرزمین اسلام قرار دارد، «۱» تبعید گردد یا جایز نیست، به علت این که این کار از مصادیق تعزّب بعد از هجرت است. «۲»
آیا انتخاب محل تبعید به دست تبعیدی است- چنان که علامه حلی، فاضل هندی و گلپایگانی «۳» گفته‌اند- یا به دست حاکم شرع است- چنان که نظر امام خمینی، سبزواری و فاضل لنکرانی «۴» و بهوتی- از علمای عامه است- گرچه دلیل خاصی در این زمینه وجود ندارد؟ «۵»

آیا تبعیدی می‌تواند از محلی به محل دیگر غیر از وطن خودش انتقال یابد؟

برخی از علمای شیعه مانند گلپایگانی گفته‌اند: «۶» اختیار فقط به دست حاکم شرع است و تبعیدی نمی‌تواند به جای دیگر برود.

ممکن است گفته شود جایز است تبعیدی محل تبعید خود را عوض کند، زیرا تا زمانی که حاکم شرع اقامت در شهر خاصی را الزامی نکرده است، هیچ خصوصیتی در محل تبعید نیست.

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۹۴.

(۲)- الدر المنضود، ج ۱، ص ۳۱۹.

(۳)- قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۵؛ کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۲۴؛ الدر المنضود، ج ۱، ص ۲۲۲.

(۴)- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۱۸؛ مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۳۳۶؛ تفصیل الشریعه، ص ۱۳۸.

(۵)- شرح منتهی الارادات، ج ۳، ص ۳۴۴.

(۶)- الدر المنضود، ج ۱، ص ۳۲۲.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۱

برخی از علمای اهل سنت مانند رملی «۱» گفته‌اند: تبعیدی به هر جا تبعید شود باید در همان جا بماند، تا تبعیدگاه برای او مانند زندان باشد.

برخی دیگر از آن‌ها مانند شربینی گفته‌اند: «۲» تبعیدی می‌تواند به جای دیگری منتقل شود، زیرا دلیلی بر منع آن نداریم. تبعیدی از چه شهری تبعیدی شود؟

تبعیدی از شهری که در آن جرم کرده- مثلاً- زنا کرده- یا از شهری که تازیانه خورده، یا از شهری که وطن او است، تبعید می‌گردد؟

روایات در این زمینه مختلف است. قول اول را فاضل هندی، طباطبایی، خمینی و طبسی «۳» (والد مؤلف) و قول دوم را شیخ طوسی، ابن براج [از خاصه] و ابن ابی لیلی «۴» [از عامه] و قول سوم را ابن حمزه و علامه حلی «۵» اختیار کرده‌اند.

بعضی می‌گویند: همه این‌ها باید رعایت شود؛ از محلی که تازیانه خورده و از محلی که زنا کرده و از وطن خودش، باید به محل چهارمی تبعید شود. این، رأی یکی از بزرگان عصر ماست. «۶»

(۱)- نهایه المحتاج، ج ۷، ص ۴۲۷.

(۲)- مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۸.

(۳)- کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۱۹؛ ریاض المسائل، ج ۱۵، ص ۴۸۴؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۴۱.

(۴)- المبسوط للطوسی، ج ۸، ص ۳؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۲۸؛ المبسوط للسرخسی، ج ۹، ص ۴۵.

(۵)- الوسیله، ج ۴۱۱؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۳.

(۶)- الدر المنضود، ج ۱، ص ۳۱۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۲

مسافت تبعیدگاه

از نظر شیعه، مسافت تبعیدگاه وابسته به نظر حاکم شرع است؛ چنان که از شیخ طوسی «۱» نقل شده است؛ ولی یحیی بن سعید «۲» گفته است: به نزدیک‌ترین شهر اسلامی به شرک، تبعید می‌شود و علامه حلی «۳» گفته است: به مسافتی که در آن نماز شکسته می‌شود، تبعید می‌گردد و سبزواری «۴» گفته است: به هر مکانی که صدق غربت بر آن کند یا به پنجاه فرسخی تبعید می‌گردد؛ همانطور که در بعضی از روایات دیده می‌شود. «۵»

نظر اهل سنت در مسافت تبعید، همان مسافتی است که نماز در آن شکسته می‌شود؛ چنان که از حصنی شافعی نقل شده است. «۶» برخی دیگر از علمای اهل سنت مانند مرداوی و ابن قدامه گفته‌اند: «۷» همین که اسم تبعید بر آن صدق کند، کافی است.

مخارج تبعیدی

اگر که تبعیدی تمکن داشته باشد، مخارجش برعهده خود اوست و اگر چیزی نداشته باشد باید مخارج او از بیت المال تأمین شود.

«۸»

(۱)- المبسوط، ج ۸، ص ۳.

(۲)- الجامع للشرائع، ص ۵۵۰.

- (۳) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳.
- (۴) - مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۳۳۶.
- (۵) - الفقه الرضوی، ص ۲۷۵.
- (۶) - کفایة الاخیار، ج ۲، ص ۱۱۰؛ اسنی المطالب، ج ۴، ص ۱۳۰.
- (۷) - الانصاف، ص ۷۲؛ المغنی، ج ۹، ص ۴۴.
- (۸) - المهذب البارع، ج ۵، ص ۶۴.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۳
- اگر تبعیدی، عائله‌ای واجب النفقه داشت مانند فرزند، پدر و مادر و، ... چگونه بین دو واجب جمع می‌شود؟ دو نظر وجود دارد:
- الف) بین این دو واجب، تعارض نیست؛ زیرا نفقه آینده واجب نیست و پس از این که تبعید شد نسبت به نفقه آن‌ها تکلیفی ندارد و دیگر نفقه بر او واجب نیست، و اگر توانست در تبعیدگاه کار کند، لازم است به او اجازه کار داده شود، چون تبعید بدون ضرر رساندن به خانواده‌اش هم تحقق یابد. «۱»
- ب) اگر تبعیدی نتواند نفقه واجب النفقه را پردازد، حکم تبعید تأخیر می‌افتد تا مانع، رفع شود؛ چنان که گلپایگانی گفته است. «۲»

رعایت مسائل رفاهی

بحث دیگر، لزوم رعایت امور رفاهی و بهداشتی تبعیدی است؛ زیرا هرگز مقصود از تبعید، نابودی او نیست - جز محارب که آن هم میان فقها اختلاف است. پس لازم است که مورد فشار و تنگنا قرار نگیرد و نیازهای اولیه او برآورده شود. در نتیجه، مجرم به جاهایی که نیازهای اولیه «۳» در آن یافت نمی‌شود و یا از سکنه خالی است، تبعید نمی‌شود؛ هم‌چنین به مناطق گرمسیری و سردسیری غیرقابل تحمل نیز تبعید

- (۱) - النفی و التغریب، ص ۲۷۴؛ ذیل نهاییه المحتاج، ج ۷، ص ۴۲۸.
- (۲) - الدر المنصود، ج ۱، ص ۳۲۴.
- (۳) - النفی و التغریب، ص ۲۷۵.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۴
- نمی‌شود؛ چنان که فاضل لنکرانی «۱» فرموده است؛ هم‌چنین به مناطقی که بیماری مسری مانند طاعون در آن شیوع یافته تبعید نمی‌گردد، چنان که از رملی «۲» [از اهل سنت] نیز نقل شده است.

مدت تبعید

مشهور در نظر شیعه مدت تبعید، یک سال است؛ بدون کم و زیاد؛ «۳» بلکه خلافتی در آن نیست. «۴» مقصود از یک سال که مدت تبعید است، سال قمری است نه شمسی؛ «۵» چنان که بیشتر احکام شرع، مترتب بر ماه‌های قمری است «۶» و از معاصران، گلپایگانی به این موضوع تصریح کرده و گفته است: مقصود از سال و ماه، قمری است نه شمسی؛ زیرا احکامی که از ناحیه شرع وارد شده و از ماه و سال سخن گفته، حمل بر قمری می‌شود. «۷»

از اهل سنت نیز، رملی متعرض این مسأله شده است. «۸»

- (۱) - تفصیل الشریعة، ج ۱۴۵.
 (۲) - نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۴۲۸؛ كشف القناع، ج ۶، ص ۹۳.
 (۳) - المقنعة، ص ۷۷۷.
 (۴) - ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۴۱.
 (۵) - الروضة البهیة، ج ۹، ص ۱۰۹.
 (۶) - بیست و پنج رساله فارسی مجلسی، ص ۴۰۲.
 (۷) - الدر المنضود، ج ۷، ص ۴۲۸.
 (۸) - نهاية المحتاج، ج ۴، ص ۴۲۸.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۵

آیا ابتدای مدت تبعید از آغاز سفر محسوب می‌شود، چنان‌که از روایات برمی‌آید و یکی از معاصران ما به آن متمایل شده است «۱» و رملی هم [از اهل سنت] با آن موافق است، یا این‌که ابتدای مدت تبعید از زمانی محاسبه می‌شود که تبعیدی به تبعیدگاه می‌رسد، چنان‌که از دیگر روایات برمی‌آید و ظاهر کلام شافعی‌ها است؟ «۲»

روایات درباره مدت زمان تبعید محارب مطلق است، ولی در روایت مدائنی آمده است: امام رضا علیه السلام فرمود: مدت زمان تبعید محارب، به نسبت جنایتی است که مرتکب شده است. راوی می‌گوید: از آن حضرت راجع به آیه (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ... سؤال شد که چه کاری اگر انجام دهد، مستوجب یکی از این چهار عقوبت می‌شود؟ فرمود: وقتی با خدا و رسولش محاربه کند و در زمین برای فساد تلاش کند، و مرتکب قتل شود، در مقابل کشته می‌شود و اگر هم قتل کند و هم مال بگیرد، کشته و بر دار کشیده می‌شود و اگر مال گرفت و قتل انجام نداد یک دست و یک پایش (برعکس) بریده می‌شود و اگر سلاح کشید و با خدا و رسولش جنگید و سعی داشت در زمین فساد کند ولی هنوز نه قتلی انجام داده و نه مالی گرفته، از آن سرزمین تبعید می‌شود. «۳» در روایت دیگر از مدائنی آمده است: امام صادق علیه السلام است که

(۱) - حدود الشریعة، ج ۴، ص ۴۲۸.

(۲) - اسنی المطالب، ج ۴، ص ۱۲۹؛ مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۸.

(۳) - الکافی، ج ۷، ص ۲۴۶.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۶

می‌فرماید: ملائک، توبه است. «۱» این‌که یک سال وقت برای آزادی او گذاشته‌اند، به علت این است که در خلال آن توبه خواهد کرد. «۲»

فتاوا در این مسأله مختلف است: مفید گفته است تبعید محارب، ابدی است تا توبه کند. «۳» شهید اول و ابن فهد حلی «۴» همین نظر را دارند و رأی جمهور اهل سنت نیز همین است. «۵»

یحیی بن سعید گفته است: محارب یک سال از سرزمین اسلامی، تبعید می‌گردد. از کلام شهید ثانی نیز همین تبادل می‌کند. «۶»

شرط بلوغ در تبعید محارب

آیا در تبعید محارب، شرط است که بالغ باشد؟ ابن جنید بلوغ را شرط کرده و شهید اول «۷» آن را پسندیده و بسیاری از اصحاب متعرض این مسأله نشده‌اند.

- (۱) - التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۳۱.
 (۲) - النفی و التگریب، ص ۳۹۶.
 (۳) - المقنعة، ص ۸۰۴.
 (۴) - غایة المراد، ج ۴، ص ۲۷۹؛ المهذب البارع، ج ۵، ص ۳۲۰.
 (۵) - المغنی، ج ۸، ص ۲۹۵؛ الانصاف، ج ۱۰، ص ۲۹۹؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۱.
 (۶) - الجامع للشرائع، ص ۲۴۲؛ مسالك الافهام، ج ۱۵، ص ۸؛ موارد السجن، ص ۳۵۸.
 (۷) - غایة المراد، ج ۴، ص ۲۸۰.
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۷

برخی از احکام تبعید

۱. اگر تبعیدی، خودسرانه و قبل از سپری شدن مدت تبعیدی، به وطنش بازگشت، برخی می گویند مدت قبلی حساب می شود [و باید دنباله آن را سپری کند] - چنان که علامه حلی، شهید ثانی و گلپایگانی «۱» به آن معتقدند و نظر حنبلی ها و مالکی ها است، «۲» و بعضی می گویند مدت قبلی به حساب نمی آید و باید از اول، یک سال در تبعید بگذارند. «۳»
۲. اگر تبعیدی بیمار باشد، گرچه ما نصّ خاصّی و کلامی از فقها در این زمینه نیافتیم، لکن از برخی کلمات برمی آید که فرق است میان مرضی که امید بهبودی در آن نیست و مرضی که امید بهبودی در آن هست؛ که در صورت اول، منتظر نمی ماند و در صورت دوم، منتظر می ماند؛ چنان که شیخ طوسی گفته است. «۴»
۳. گاهی تبعید متوقف و معلق می شود و آن زمانی است که حاکم شرع ببیند از این تبعید ممکن است فتنه‌ای برخیزد؛ پس حکم اجرا نمی شود تا مانع، رفع شود؛ ولی ساقط نمی شود. «۵»
۴. آیا تبعیدی در تبعیدگاه زندانی می شود - چنان که اندلسی گفته «۶» و

- (۱) - تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۳؛ الروضة البهیة، ج ۹، ص ۱۱۱؛ الدر المنضود، ج ۱، ص ۳۲۲.
 (۲) - التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۳۸۲؛ الاقناع، ج ۴، ص ۲۵۲.
 (۳) - کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۲۴؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۵.
 (۴) - المبسوط، ج ۵، ص ۲۰۳؛ الخلاف، ج ۲، ص ۴۴۲.
 (۵) - الدر المنضود، ج ۱، ص ۳۲۳.
 (۶) - المنتقی، ج ۱، ص ۳۱۹.

- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۸
 نظر شافعی ها و مالکی ها است «۱» - یا این که در محل تبعید، آزاد و تحت نظر و مراقبت قرار می گیرد، چنان که علامه حلی [از امامیه] و شربینی [از عامه] گفته اند؟ «۲»
 ۵. اگر مسیر تبعید، ایمن نباشد و ترس تلف شدن تبعیدی وجود داشته باشد، باید منتظر ماند تا راه امن شود؛ ولی اگر راه، ترسناک باشد و ترس تلف شدن نباشد، منتظر نمی ماند؛ چنان که علامه حلی و فاضل هندی گفته اند. «۳»
 رملی - از علمای اهل سنت - گفته است: تبعید فقط در صورتی تحقق می یابد که راه، امن باشد. «۴»

۶. اگر تبعیدی جرمی در تبعیدگاه مرتکب شود که مجازاتش تبعید است، آیا از آن شهر به شهری دیگر تبعید می‌شود. چنان‌که علامه حلی و گلپایگانی «۵» گفته‌اند و رأی ابن قدامه و شربینی از اهل سنت است- «۶» یا مدت زمان تبعیدی با زمان قبلی تداخل می‌کند؟ یا لازم است سال اول را تکمیل کند و سپس برای زنای بعدی، یک سال دیگر در تبعید بماند. «۷»

۷. اگر تبعیدی ادعا کند مدت تبعیدی‌اش به سر رسیده، ممکن است گفته شود مقتضای استصحاب، عدم انتهای مدت است و ممکن است

(۱)- التشریح الجنائی، ج ۲، ص ۳۸۳؛ المدونۃ الکبری، ج ۶، ص ۲۳۶.

(۲)- المغنی المحتاج للشرینی، ج ۴، ص ۲۴۸.

(۳)- قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۵؛ کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۲۴.

(۴)- نهایت المحتاج، ج ۷، ص ۴۲۸.

(۵)- الکافی، ج ۷، ص ۱۷۸.

(۶)- المغنی، ج ۸، ص ۱۶۹؛ مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۸.

(۷)- النفی و التغریب، ص ۶۷.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۵۹

گفته شود تبعید از حقوق الهی است و در حقوق الهی بنابر تسامح است؛ در نتیجه، ادعای او پذیرفته می‌شود؛ چنان‌که شربینی و رملی گفته‌اند.

این مسأله را ما در کتب امامیه نیافتیم. «۱»

علت این که فقهای ما چیزی در این زمینه نگفته‌اند، شاید این باشد که که نیازی به این بحث نبوده است؛ چون حاکم شرع در دیوان و دفتر خود مسأله تبعید و یا زمان تبعید را ثبت می‌کند. برخی از علمای اهل سنت مانند رملی «۲» گفته‌اند: اگر تبعیدی در ادعای خود، مورد سوءظن باشد قسم می‌خورد. شربینی «۳» گفته است: اگر مورد سوءظن هم نباشد، مستحب است قسم بخورد. ما علت این استحباب و دلیل آن را نفهمیدیم.

۸. اگر زمان تبعید به پایان برسد، آیا تبعیدی بدون هماهنگی با حاکم شرع و بدون اجازه می‌تواند به وطن بازگردد؟ ممکن است گفته شود نیازی به هماهنگی و اجازه ندارد و کسی که در مدتی طولانی تکلیف خود را انجام داده، وجهی ندارد آزادی او به تأخیر بیفتد و لازم باشد برای بازگشت اجازه بگیرد.

هیچ‌یک از فقهای ما متعرض این مسأله نشده‌اند، ولی برخی از علمای شافعی گفته‌اند: بدون اجازه نمی‌تواند بازگردد و اگر برگشت تعزیر می‌شود. «۴»

(۱)- همان، ص ۲۸۶.

(۲)- مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۸.

(۳)- نهایت المحتاج، ج ۷، ص ۴۲۸.

(۴)- اسنی المطالب، ج ۴، ص ۱۳۰.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۰

۹. آیا زناکار اضافه بر تبعید، سرش نیز تراشیده می‌شود؟ از نظر فتوا، اقوال علما مختلف است؛ برخی مانند صدوق، ابن ابی عقیل،

ابن جنید، طوسی، حلبی، ابن زهره، طبری، خوئی، خمینی و طبسی - والد - قائل به تراشیدن هستند؛ «۱»
 برخی دیگر از علما مانند مفید، سلار و ابن حمزه «۲» می‌گویند فقط پیشانی - موی جلو - تراشیده می‌شود. اهل سنت متعرض این
 مسأله نشده‌اند.

از نظر دلیل، روایاتی در باب تراشیدن سر وارد شده است. در روایت آمده است: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: تازیانه
 می‌خورد و سرش تراشیده می‌شود. «۳» نیز آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: صد تازیانه می‌خورد و مویش جدا می‌گردد.
 «۴»

تراشیدن سر تبعیدی - در زنا - اختصاص به مرد دارد، نه زن، زیرا دلیلی بر آن نداریم. «۵»
 ۱۰. آیا به تبعیدی محارب اجازه داده می‌شود به کشور کفر پناهنده شود؟ در برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که
 اگر تبعیدی

(۱) - النفی و التغریب، ج ۲۸۹.

(۲) - المقنعة، ص ۷۷۵؛ المراسم، ص ۲۵۳؛ الوسيلة، ص ۴۱۱.

(۳) - تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳۶.

(۴) - همان.

(۵) - ذخیره الصالحین، طبسی، ج ۸، ص ۴۱؛ النفی و التغریب، ص ۲۹۳.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۱

محارب خواست وارد کشور کفر شود گردنش زده می‌شود «۱» و یا با کشوری که به او پناهندگی دادند کارزار می‌شود. «۲» ابو
 بصیر روایت کرده که وی [محارب تبعیدی] از همه سرزمین‌های اسلامی رانده می‌شود تا به سرزمین شرک ملحق شود. «۳»
 این در حالی است که فقهای شیعه فتوا داده‌اند که جلوی ورود او به سرزمین شرک، گرفته می‌شود و اگر به او پناهندگی دادند با
 آنان کارزار و قتال می‌شود؛ چنان که شیخ طوسی گفته است. «۴»

برخی دیگر از فقهای شیعه در این فتوا اشکال کرده «۵» و گفته‌اند: حکم تبعیدی محارب به نظر امام سپرده می‌شود؛ هرچه او صلاح
 بداند عملی می‌گردد. «۶»

۱۱. اگر محارب قبل از دستگیری توبه کند، حکم تبعید از او ساقط می‌شود و هیچ خلافتی در این مسأله نیست، زیرا خداوند
 می‌فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ﴾. «۷»

فقهای شیعه متعرض این مسأله شده‌اند و همان‌طور که ابن ادریس «۸»

(۱) - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۷.

(۲) - نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲.

(۳) - نوادر، احمد بن محمد، ص ۱۴۷.

(۴) - الخلاف، ج ۲، ص ۴۷۹.

(۵) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۹۴.

(۶) - النفی و التغریب، ص ۴۱۴.

(۷) - مائده، آیه ۳۴.

(۸) - السرائر، ج ۳، ص ۵۰۹.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۲

گفته است، هیچ خلافی در آن نیست.

۱۲. آیا محارب بیمار تبعید می‌شود؟ نباید به محارب اجازه داد در یک‌جا بماند تا بمیرد، بلکه باید تحت تعقیب باشد و اجازه

سکونت در یک مکان به او داده نشود گرچه بیمار باشد. «۱»

برخی از علمای ظاهریه- از شاخه‌های اهل سنت- گفته‌اند که در مدت بیماری رها می‌شود [تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد]، چنان‌که

از ابن حزم «۲» نقل شده است.

۱۳. آیا حکم تبعید محارب به انتخاب امام بستگی دارد، یا مقتضای ترتیب و براساس ترتیب است [که در آیه آمده است]؟

گروهی از فقهای شیعه قائل به تخییر و انتخاب از طرف امام هستند؛ بلکه در میان ما مشهور، تخییر است «۳» و متأخرین هم به تخییر

قائل‌اند. «۴»

دسته‌ای هم قائل به ترتیب هستند، مانند شیخ طوسی، ابو صلاح و ابن زهره، «۵» شافعی، ابو حنیفه و گروهی از حنفی‌ها هم نظرشان

ترتیب است. «۶»

مالکیه و ظاهریه، قائل به تخییرند. «۷»

(۱) - المحلی، ج ۱۱، ص ۱۸۲.

(۲) - النفی و التغریب، ص ۴۱۸.

(۳) - همان.

(۴) - مسالک الافهام، ج ۱۵، ۷؛ الروضة البهیة، ج ۹، ص ۲۹۹.

(۵) - غایة المراد، ج ۴، ص ۲۷۳؛ کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۵۱.

(۶) - الانصاف، ج ۱۰، ص ۲۹۲؛ شرح الازهار، ص ۳۷.

(۷) - بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۴۵۶؛ المحلی، ج ۱۱، ص ۳۰۰.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۳

تبعید زن

مشهور از نظر امامیه، عدم تبعید زن است و دلیل آن اجماع- چنان‌که شیخ طوسی «۱» گفته است- و ده دلیل دیگر است؛ ولی برخی

از آن‌ها ضعیف است. «۲»

ادله اهل سنت و ظاهر کلام بعضی از علمای شیعه، از جمله عمانی، شهید ثانی، محقق اردبیلی، سید خوانساری و خوئی جواز تبعید

زن است، «۳» زیرا روایاتی در این زمینه وجود دارد. امام باقر علیه السّلام فرمود که علی علیه السّلام در مورد بکر و بکره‌ای که زنا

کرده بودند، حکم کرد صد تازیانه بخورند و یک سال به شهر دیگری تبعید گردند. بکر و بکره کسانی هستند که ازدواج کرده‌اند،

ولی دخول نکرده‌اند. «۴»

اهل سنت در این مسأله اختلاف دارند؛ مالک، ماوردی، ابو اسحاق شیرازی و اوزاعی می‌گویند: زن تبعید نمی‌شود. «۵»

شافعی، ابن حزم، سرخسی و برخی دیگر می‌گویند: زن تبعید

- (۱) - المبسوط، ج ۸، ص ۱ و ج ۵، ص ۲۰۳.
- (۲) - النفی و التفریب، ص ۲۴۱.
- (۳) - مختلف الشیعۀ، ج ۹، ص ۱۵۲؛ مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۳۷۰؛ مجمع الفائدۀ، ج ۱۳، ص ۷۶؛ جامع المدارک، ج ۷، ص ۹۰؛ مبانی تکملۀ المنهاج، ج ۱، ص ۲۰۱.
- (۴) - الکافی، ج ۷، ص ۱۷۷؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۲۰۲.
- (۵) - المدونۀ الکبری، ج ۶، ص ۲۳۶؛ الاحکام السلطانیۀ، ص ۲۲۳؛ المهذب، ج ۲، ص ۲۷۱؛ الانصاف، ج ۱، ص ۱۷۴؛ سبل السلام، ج ۴، ص ۵.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۴

می‌شود. «۱» برخی از علمای اهل سنت نیز می‌گویند: فقط اگر محرم دارد تبعید می‌شود. «۲»

تبعید محارب زن مورد بحث است؛ ظاهر کلام شیخ طوسی، علامه حلی و فاضل هندی این است که زن محارب هم تبعید می‌شود. «۳» ظاهر کلام بعضی دیگر مانند ابن ادریس و ابن جنید «۴» این است که تبعید اختصاص به مرد دارد. این، رأی مالک و بعضی از حنفی‌ها است. «۵»

فعالیت اقتصادی در تبعید

آیا به تبعیدی اجازه داده می‌شود در تبعیدگاه به کسب و تجارت پردازد- چنان که مقتضای اطلاق است و دلیل خاصی بر منع آن نیست؟

ماوردی، رویانی و شربینی- از علمای عامه- این نظر را دارند، ولی ما فتوایی از فقهای امامیه در این مورد نیافتیم- «۶» یا به او اجازه نمی‌دهند بیش از نفقه، با خود بردارد و به تجارت پردازد؛ چنان که رملی گفته است. «۷»

(۱) - ارشاد الساری، ج ۱۰، ص ۲۶؛ المحلی، ج ۱۱، ص ۱۸۶؛ المبسوط، ج ۹، ص ۴۴.

(۲) - الفروع للمقدسی، ج ۶، ص ۶۹.

(۳) - الخلاف، ج ۲، ص ۴۸۳؛ مختلف الشیعۀ، ج ۹، ص ۲۵۸؛ کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۵۱؛ النفی و التفریب، ص ۴۲۳.

(۴) - السرائر، ج ۳، ص ۵۱۰؛ مختلف الشیعۀ، ج ۹، ص ۲۵۹.

(۵) - المدونۀ الکبری، ج ۶، ص ۳۰۲؛ حاشیۀ ابن عابدین، ج ۴، ص ۱۱۷.

(۶) - النفی و التفریب، ص ۲۷۵.

(۷) - مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۸.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۵

تبعیدی محارب، محاصره اقتصادی می‌شود و همه روابط اجتماعی با او قطع می‌گردد؛ چنان که در روایت مدائنی از امام رضا علیه السلام نقل شده است؛ سپس هر جا که وارد می‌شود اعلان می‌شود که این شخص، تبعیدی است، به او خوردنی و آشامیدنی ندهید و با او ازدواج نکنید. «۱»

در روایت دیگر آمده است: با او هم‌نشینی نکنید و با او خرید و فروش نکنید. «۲»

مفهوم این روایت، رأی بسیاری از فقهای شیعه است، چنان که از ابن فهد، محقق حلی، علامه حلی، خوئی و طبسی (ره) نقل شده

است. (۳)

مرخصی رفتن تبعیدی

آیا به تبعیدی مرخصی داده می‌شود تا به وطن خود بازگردد و با خویشان و نزدیکان خود دیدار کند؟ در این مسأله نص خاصی نیامده، جز آنچه هندی از ماوردی نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به «آنه» فرمود: ای آنه، از مدینه خارج شو و به حمراء الاسد برو و فقط در آنجا بمان؛ هرگز به مدینه نیا، مگر مردم عیدی داشته باشند که می‌توانی در آن حضور یابی. «۴»

(۱) - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۷.

(۲) - الکافی، ج ۷، ص ۲۴۶.

(۳) - المهدب، ج ۲، ص ۵۵۳؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۸۲؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۷۲؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۲۴؛ ذخیره الصالحین، طبسی، ج ۸، ص ۶۰.

(۴) - کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲۴؛ النفی و التغریب، ج ۲۷۹.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۶

این روایت، سندش ضعیف است و از نظر دلالت هم مشکل دارد.

ممکن است گفته شود: اگر تبعید، حدّ باشد - یعنی عنوان حدّ داشته باشد - و مدت آن مشخص باشد، مقتضای اطلاق این است که در تمام مدت سال، تبعید باشد و مرخصی با آن منافات دارد.

اگر مدت تبعید محدود نباشد یا حدّ آن تا زمانی باشد که توبه کند، اطلاق اقتضا کند تا مدت خاصی [که لازم نیست یک سال باشد] تبعید شود؛ در نتیجه، مرخصی پس از آن مدت جایز است.

اگر تبعید از باب تعزیر باشد، مانند تبعید به علت آمیزش با حیوان و قتل فرزند و قتل عبد و قتل ذمی، حاکم شرع بنا بر مصلحت می‌تواند به او مرخصی بدهد؛ بنا بر قول به گستردگی ولایت.

در مورد مخنث، روایت مرسلی وارد شده که در اعیاد و برای حضور در نماز عید به او اجازه داده می‌شود به مرخصی برود.

از کلمات برخی شیعه برمی‌آید که تبعیدی نمی‌تواند به شهر خود بازگردد، مگر پس از این که مدتی در تبعید گاه بماند، یعنی مدتی در شهر خود بماند و مدتی در تبعید گاه؛ چنان که رأی مرحوم گلپایگانی است. «۱»

(۱) - الدر المنضود، ج ۱، ص ۳۲۲.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۷

فصل دوم موارد تبعید**اشاره**

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۶۹

فصل دوم: موارد تبعید پس از بررسی روایات و فتاوا، معلوم می‌شود مجازات برخی از جرائم، - تبعید است که در چهار عنوان کلی خلاصه می‌شود:

گفتار اول: قتل

اشاره

این گفتار شامل قتل فرزند، قتل برده خود، قتل برده، قتل ذمی و مثله کردن میّت می شود. «۱»

۱. قتل فرزند توسط پدر

این نظریه یحیی بن سعید «۲» و طبری «۳» است. علامه مجلسی، «۴» خوئی و خوانساری «۵» با وی موافق‌اند؛ ولی از باب تعزیر و در صورت صلاحدید

(۱) - النفی و التغریب، ص ۱۲.

(۲) - الجامع للشرائع، ص ۵۷۶.

(۳) - ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۱۷۲.

(۴) - ملاذ الاخیار، ج ۱۶، ص ۵۰۰.

(۵) - جامع المدارک، ج ۷، ص ۲۳۳؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۷۲.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۰

حکم شرعی. دلیل این فتوا، روایت جابر از امام باقر علیه السلام است راجع به شخصی که پسر خود یا برده خود را می کشد. آن حضرت فرمود: قصاص نمی شود، بلکه مورد ضرب شدید قرار می گیرد و از مسقط الرأس خود، تبعید می گردد «۱» و مراد از مسقط الرأس در این جا، وطن فعلی او است. «۲»

در این روایت، مدت تبعید ذکر نگردیده است؛ که اگر تبعید از باب تعزیر باشد، مدت تبعید به نظر حاکم شرع وابسته است. «۳»

۲. قتل برده خود

شیخ طوسی روایت کرده است: امام باقر علیه السلام فرمود: قاتل برده خود، از مسقط الرأس تبعید می گردد. «۴» بنا بر روایاتی که در کتاب‌های اهل سنت آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله او را یک سال تبعید کرد؛ «۵» گرچه این روایات بر مبنای اهل سنت، از نظر سند ضعیف است.

از فقهای شیعه، یحیی بن سعید و علامه مجلسی در این جا حکم به تبعید داده‌اند. «۶»

۳. قتل برده

(۱) - تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۳۶.

(۲) - النفی و التغریب، ص ۵۲.

(۳) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۳۹.

(۴) - تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۳۶.

(۵) - مصنف، ابن ابی شیبۀ، ج ۹، ص ۳۰۴؛ السنن الکبری، ج ۸، ص ۳۶.

(۶) - الجامع للشرائع، ص ۵۷۶؛ ملاذ الاخیار، ج ۱۶، ص ۵۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۱

گرچه برده خود نباشد. اهل سنت در این مورد روایاتی را نقل کرده‌اند. «۱» یکی از خلفا، قاتل برده را به مدت یک سال تبعید کرد. «۲» من ندیدم هیچ‌یک از فریقین، فتوا به تبعید در این مورد داده باشند؛ گرچه گفته‌اند قاتل برده، تعزیر می‌شود. برخی از علمای عامه فتوا داده‌اند که قاتل برده، زندانی می‌شود. «۳»

۴. قتل ذمی

این روایت از طریق عامه وارد شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قاتل از سرزمین خود به جای دیگری تبعید می‌گردد. «۴» عمر بن عبد العزیز، کشنده شخصی ذمی را به سرزمین خثعم تبعید کرد. «۵» علمای اهل سنت فتوا به تبعید نداده‌اند، بلکه گفته‌اند تعزیر می‌شود. شاید علت عدم فتوا، ضعف روایت باشد؛ «۶» به جهت مرسل بودن و حذف واسطه میان عمرو بن شعیب و پیامبر صلی الله علیه و آله و یا به جهت اختلاف درباره خود عمرو بن شعیب، زیرا وی از نظر برخی از علمای اهل سنت حجت نیست. «۷»

(۱) - مصنف، ابن ابی شیبۀ، ج ۹، ص ۴۰۷.

(۲) - کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۱۹.

(۳) - المدونۀ الکبری، ج ۶، ص ۴۰۳؛ المحلی، ج ۱، ص ۳۴۷.

(۴) - مصنف، عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۹۲.

(۵) - السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۰۱.

(۶) - النفی و التغریب، ص ۷۶.

(۷) - تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۳؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۶۵.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۲

۵. مثله کردن

امام جواد علیه السلام درباره کسی که قبر زنی را نبش کرده و با او آمیزش کرده و کفن او را دزدیده بود، دستور داد به جهت دزدی، دستش قطع شود و به خاطر مثله کردن میت، تبعید شود. «۱»

ولی ما کسی را نیافتیم که برای چنین مجرمی چنین فتوایی داده باشد، بلکه کسی جز مجلسی، فیض کاشانی و منتظری متعرض این مسأله نشده است. «۲»

گفتار دوم: فحشاء

۱. آمیزش با حیوان

روایت موثقی در این باب وارد شده که کلینی و طوسی «۳» آن را نقل کرده‌اند. در روایت آمده است: «سماعه می‌گوید: از امام

صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که با حیوان، گوسفند یا شتر یا گاو، آمیزش کند، حکمش چیست؟ فرمود: باید کمتر از حدّ، تازیانه بخورد و سپس از سرزمینش به جای دیگری تبعید گردد.

(۱) - إثبات الوصیة، ص ۱۸۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۹۰.

(۲) - مرآة العقول، ج ۲۳، ص ۴۲۰؛ الوافی، ج ۱۵، ص ۴۹۳؛ دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۲.

(۳) - الکافی، ج ۷، ص ۲۰۴؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۶۰.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۳

جمعی از فقهای شیعه، مانند محقق نجفی (صاحب جواهر) سید خوئی و شیخ طوسی «۱» به مضمون این روایت، فتوا داده‌اند. بنابر نظر مجلسی، فقهای شیعه تبعید را به عنوان مجازات این جرم، ذکر نکرده‌اند. «۲»

بنابر نقل نووی، برخی از اهل سنت گفته‌اند: این مجرم، تازیانه می‌خورد و تبعید می‌گردد. «۳»

۲. قَوَادِی

قَوَادِ کسی است که مرد و زن نامحرم را به هم می‌رساند. «۴» این روایت در زمینه مجازات او وارد شده است: عبد الله بن سنان می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: حدّ قَوَادِ چیست؟ فرمود: حدّی بر قَوَادِ نیست، مگر پول نمی‌گیرد که به هم برساند؟ گفتم: فدایت شوم، منظور کسی است که میان مرد و زن نامحرم جمع کند؟ فرمود: منظور کسی است که زن و مرد نامحرم را به هم می‌رساند؟ گفتم: بله، فدایت شوم. فرمود: ۳/۴ حدّ زانی به او می‌زنند، یعنی ۷۵ تازیانه و از شهری که در آن است تبعید می‌گردد. «۵»

(۱) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۳۹؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۴۵؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۶۲.

(۲) - مرآة العقول، ج ۲۳، ص ۳۱۲؛ ملاذ الأخیار، ج ۱۶، ص ۱۲۰.

(۳) - المجموع، ج ۲۰، ص ۲۹؛ النفی و التغریب، ص ۸۹-۸۱.

(۴) - مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۲.

(۵) - الکافی، ج ۷، ص ۲۶۶؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۶۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۴

بسیاری از علمای شیعه به مضمون این روایت فتوا داده‌اند، بلکه این حکم در میان علمای شیعه مشهور است. از جمله فقها که این فتوا را داده‌اند، شیخ مفید، شیخ طوسی و ابو صلاح حلبی [از قدما] می‌باشند. «۱»

از معاصران، خوانساری، خمینی، طبسی، «۲» سزواری و فاضل لنکرانی مطابق مشهور فتوا داده‌اند. «۳»

در این زمینه از اهل سنت رأی صریحی نیافتیم، جز آنچه از مقدسی، بهوتی و حرّانی نقل شده است. «۴»

بنابر نظر طوسی، ابن براج، ابن حمزه و فاضل آبی «۵» تبعید اختصاص به مرد قَوَادِ دارد و زن قَوَادِ تبعید نمی‌شود؛ ادّعی اتّفاق و یا عدم خلاف هم در این باره شده است. «۶»

(۱) - المقنعة، ص ۷۹۱؛ النهایة، ص ۷۱۰؛ الکافی فی الفقه، ص ۴۱۰.

(۲) - جامع المدارک، ج ۷، ص ۹۱؛ تحریر الوسیلة، ج ۴، ص ۴۲۵؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۲۴۷.

- (۳) - مهذب الاحکام، ج ۲۷، ص ۳۹۱؛ تفصیل الشریعة (کتاب الحدود)، ص ۲۷۷؛ ر. ک: المراسم العلویة، ص ۲۵۷؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۳۴؛ الوسیلة، ص ۴۱۴؛ غنیة النزوع، ص ۴۲۷؛ اصباح الشیعة، ص ۵۱۹؛ کشف الرموز، ج ۲، ص ۵۶۳؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۶۲؛ الجامع للشرائع، ص ۵۵۷؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۴.
- (۴) - الفروع، ج ۶، ص ۱۱۵؛ کشف القناع، ج ۶، ص ۱۲۷؛ الفتاوی الکبری، ج ۴، ص ۲۹۹.
- (۵) - النهایة، ص ۷۱۰؛ المهذب، ج ۲، ص ۵۳۴؛ الوسیلة، ص ۴۱۴؛ کشف الرموز، ج ۲، ص ۵۶۳.
- (۶) - ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۶؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۰۱؛ ذخیره الصالحین، ج ۸، ص ۴۷.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۵

سَلَّار معتقد است تبعید شامل زن هم می‌شود. از سخن اردبیلی و خوانساری برمی‌آید که آنان نیز موافق نظر سَلَّار هستند. «۱» از طرف شرع، مدت خاصی برای تبعید وارد نشده است. «۲» مدت تبعید کمتر از یک سال کامل است. «۳» بنابراین فتوا امام خمینی، مدت تبعید وابسته به نظر امام است، «۴» چون امام نصب شده است تا اعمال مصلحت کند. «۵»

فاضل لنکرانی نظر امام خمینی را پسندیده است. «۶» این بحث وجود دارد که آیا قواد در همان بار اول تبعید می‌شود، چنان‌که بسیاری از فقهای گذشته و معاصر نظر داده‌اند و یا برای بار دوم اگر مرتکب شد، تبعید می‌گردد، چنان‌که نظر جمعی دیگر است. بنابراین نظر شیخ طوسی، ابن بَرَّاج، ابن ادریس، فاضل آبی، فخر المحققین، یحیی بن سعید، علامه حلی در بعضی از کتاب‌هایش، ابن فهد حلی، طبری و سید خوانساری، قواد در بار نخست قواد، تبعید می‌شود. «۷»

(۱) - المراسم، ص ۲۵۷؛ مجمع الفائدة، ج ۱۳، ص ۱۲۶؛ جامع المدارک، ج ۷، ص ۹۱.

(۲) - النفی و التغریب، ص ۱۱۴.

(۳) - السرائر، ج ۳، ص ۴۷۱.

(۴) - تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۲۵.

(۵) - النهایة و نکته‌ها، ج ۳، ص ۳۱۴.

(۶) - تفصیل الشریعة، ص ۲۷۸.

(۷) - ر. ک: النفی و التغریب، ص ۱۲۲.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۶

بنابر نظر شیخ مفید، ابو صلاح حلبی، سَلَّار، ابن حمزه، صهرشتی، طباطبایی، محقق نجفی، امام خمینی و فاضل لنکرانی، قواد در بار دوم قواد، تبعید می‌شود. «۱»

۳. لواط

برخی از علمای اهل سنت مانند سعید بن مسیب، عطاء، حسن، قتاده، نخعی، ثوری، اوزاعی، ابوطالب و شافعی معتقدند که لواطکننده باید تبعید شود، «۲» در حالی که چنین مجازاتی برای لواطکننده از نظر امامیه مردود است و علمای امامیه، به اتفاق می‌گویند: واجب است لواطکننده کشته شود. «۳»

۴. زنای غیر محصنه

در این حکم میان امامیه، خلافتی نیست و بیش از ده روایت در این زمینه وارد شده است؛ از جمله امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حکم مرد و زن مجردی که زنا می‌کنند، صد تازیانه به اضافه یک سال تبعید به محلی غیر از وطنشان می‌باشد. «۴»

(۱) - النفی و التغریب، ص ۱۲۲.

(۲) - نیل الاوطار، ج ۷، ص ۱۱۶؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۱۴۱.

(۳) - جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۸۱.

(۴) - الکافی، ج ۷، ص ۱۷۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۷

بیش از ده روایت از اهل سنت، به همین مضمون وارد شده است که صد تازیانه و یک سال تبعید است. «۱»

از آرای امامیه به کلام ابن ابی عقیل اکتفا می‌کنیم که گفته است: اگر هر دو مجرد باشند صد تازیانه می‌خورند و یک سال تبعید می‌گردند. «۲»

این، نظر جمهور اهل سنت است، بلکه شاید به اجماع برسد. «۳» رأی مالکی‌ها، شافعی‌ها و حنبلی‌ها [سه مذهب از چهار مذهب] همین است. «۴»

۵. مخنث بودن

مخنث، آن‌طور که عسقلانی و قسطلانی «۵» گفته‌اند، مردی است که به زنان تشبیه پیدا می‌کند. [بعضی گفته‌اند] مخنث مردی است که در گفتار، نرمی [حالتی زنانه] و در رفتار، کرشمه دارد. «۶» [برخی گفته‌اند] مخنث مردی است که مفعول واقع می‌شود. «۷» از نظر امامیه، مخنث رجم می‌شود «۸» و تبعید او ثابت نشده است؛

(۱) - البخاری، ج ۸، ص ۳۰.

(۲) - مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۱۵۰.

(۳) - الدرر البهیة، ص ۳۲۱.

(۴) - الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۶، ص ۳۹.

(۵) - ارشاد الساری، ج ۱۰، ص ۲۶؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۳۳۶.

(۶) - مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۴۸؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۱۴۵.

(۷) - مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۵۲.

(۸) - الکافی، ج ۷، ص ۲۶۷.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۸

چنان‌که ابو صلاح حلبی «۱» به آن تصریح کرده است؛ گرچه علامه در آن تردید کرده است. بنابر روایاتی که از طریق شیعه رسیده، پیامبر صلی الله علیه و آله «هیت» و «مانع» را به «عرایا» «۲» که نام قلعه‌ای است در مدینه، تبعید کرد. «۳»

بنابر روایات مخنث از مسجد «۴» یا از محله طرد می‌شود. «۵» روایاتی در لعن وی وارد شده است. «۶»

اهل سنت می‌گویند: مخنث تبعید می‌شود؛ چنان‌که از علمای شافعی نقل شده؛ «۷» بلکه این مسأله میان آنان اتفاقی است «۸» و بابی مستقل برای آن باز کرده و روایاتی منسوب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل کرده‌اند. «۹»

۶. مورد ستایش عاشقانه قرار گرفتن در اشعار

بنابر روایاتی که از طریق اهل سنت وارد شده، کسی که «تشیب» واقع می‌شود، یعنی در اشعار مورد ستایش عاشقانه قرار می‌گیرد، تبعید می‌شود. (۱۰)

-
- (۱) - الکافی فی الفقه، ص ۴۰۹.
 - (۲) - الکافی، ج ۷، ص ۲۶۸.
 - (۳) - مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۵۱.
 - (۴) - علل الشرائع، ص ۶۰۲.
 - (۵) - الجعفریات، ص ۱۲۷.
 - (۶) - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۴۹.
 - (۷) - الام، ج ۶، ص ۱۴۶.
 - (۸) - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۱۳۵؛ الاحکام السلطانیة، ص ۲۷۹.
 - (۹) - فتح الباری، ج ۱۲، ص ۱۳۴، ج ۱۰، ص ۲۷۴؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲۴.
 - (۱۰) - الاختبارات العلمیة، ج ۴، ص ۶۰۴.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۷۹

۷. نوشیدن مسکر در ماه رمضان

در روایت آمده است: هر که در ماه رمضان خمر بنوشد، تبعید می‌شود. (۱) کسی که با دف زدن و غناء ارتزاق می‌کند، تبعید می‌گردد. در برخی از کتاب‌ها نیز چنین آمد و بعضی نیز آن را بیان داشتند. (۲)

از طریق شیعه، روایاتی که مؤید این معنا باشد، وارد نشده است و فقهای شیعه در این موارد فتوا به تبعید نداده‌اند.

گفتار سوم: تخلفات سیاسی - امنیتی

۱. جاسوسی

برخی قائل به تبعید جاسوس مسلمان شده‌اند؛ چنان که به اوزاعی و سحنون (۳) [از علمای اهل سنت] نسبت داده‌اند؛ ولی از نظر شیعه، حکم تبعید ندارد. (۴)

-
- (۱) - مصنف، عبد الرزاق، ج ۷، ص ۳۸۲.
 - (۲) - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۷۱؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۲۲؛ النفی و التغریب، ص ۳۳۲؛ قرشی نیز در معالم القریة: ص ۱۰۷ بدان اشاره کرده است.
 - (۳) - معالم السنن، ج ۲، ص ۲۷۴؛ أفضیة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸۰.
 - (۴) - النفی و التغریب، ص ۳۳۸.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۰

۲. استهزای پیامبر صلی الله علیه و آله و افشای اسرار حکومت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حکم بن ابی العاص «۱» را به طائف تبعید کرد. هم چنین یهودیان بنی قینقاع «۲» و یهودیان بنی نضیر را از مدینه تبعید کرد. «۳»

۳. دشنام به اهل بیت علیهم السلام «۴»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حکم بن ابی العاص را از مدینه تبعید کرد «۵» و علی علیه السلام، قبیله «باهله» را از کوفه به دیلم تبعید کرد، «۶» زیرا آنان حاضر نشدند با آن حضرت در جنگ صفین شرکت کنند. حضرت مهدی علیه السلام نیز ناصیان را از کوفه به اطراف، تبعید می‌کند. «۷»
عمر بن عبد العزیز- از خلفای اموی- شخصی را که معتقد بود معاویه از حضرت علی علیه السلام، برتر است تبعید کرد. «۸»

(۱)- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۵۹؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۲۴، ص ۱۹۲.

(۲)- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۴۹.

(۳)- مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۵۶.

(۴)- النفی و التغریب، ص ۳۳۴.

(۵)- شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۴۹.

(۶)- وقعة صفین، ص ۱۱۶؛ الغارات، ج ۱، ص ۱۹.

(۷)- الکافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۰۸ (نجم الدین الطبسی بالاشتراک).

(۸)- مجموعه ورام، ص ۳۰۱.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۱

۴. جعل اسناد دولتی

محتال کسی است که اسناد دولتی و غیردولتی را جعل می‌کند. برخی از خلفا چنین کسی را تبعید کردند. «۱» و ابن قدامه «۲» تلاش کرده است عمل خلیفه را توجیه کند؛ ولی از نظر شیعه، فقط تعزیر و مجازات بدنی دارد. «۳»

۵. سرقت

روایاتی در این زمینه وارد شده است. علی علیه السلام سارق را از کوفه به شهری دیگر تبعید کرد. «۴»
ما فتوایی از فقهای شیعه در این جهت نیافتیم. علمای عامه در این زمینه فتوا دارند. «۵»

۶. احتکار

بعضی از علمای عامه مانند عینی و عسقلانی گفته‌اند: محتکر، تبعید می‌شود. «۶»

(۱) - الفروع للمقدسی، ج ۶، ص ۱۱۲.

(۲) - المغنی، ج ۸، ص ۳۲۵.

(۳) - النفی و التغریب، ص ۳۵۵.

(۴) - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۷۱؛ الکافی، ج ۷، ص ۲۳۰.

(۵) - الانصاف للمرداوی، ج ۱۰، ص ۲۸۶.

(۶) - عمدۀ القاری، ج ۲۴، ص ۱۴؛ فتح الباری، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۲

۷. شرارت

تبعید اشرار. تبعید اشرار برای تأدیب و دفع و جلوگیری از شرارت‌های اوست؛ همان‌طور که بعضی از علمای عامه گفته‌اند؛ ولی از فقهای شیعه کسی چنین فتوایی نداده است، اما حاکم شرع می‌تواند در چنین موارد حکم کند. «۱»

۸. محاربه

محارب کسی است که سلاح حمل می‌کند و مشکوک و متهم است. «۲»
قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً... أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ)؛ «۳» مجازات کسانی که با خدا و رسولش محاربه می‌کنند و در زمین به فساد می‌کوشند... یا از آن سرزمین تبعید شوند.
روایات زیادی درباره‌ی تعریف محارب و حکم آن وارد شده است؛ از جمله جمیل بن درّاج می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ) ... پرسیدم: کدام یک از این حدودی که خداوند عز و جل نام برده، بر آنان جاری می‌شود؟ فرمود: به نظر امام بستگی دارد؛ هر کدام خواست؛ یا قطع می‌کند یا بر دار می‌کشد یا تبعید می‌کند یا می‌کشد.

(۱) - غایه‌المأمول شرح التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۲.

(۲) - النهایة للطوسی، ص ۷۲۰؛ موارد السجن، ص ۳۵۴.

(۳) - مائده، آیه ۳۳.

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۳

گفتم: به کجا تبعید می‌کند؟ گفت: از شهری به شهر دیگر. علی علیه السلام دو نفر از اهالی کوفه را به بصره تبعید کرد. «۱»

این‌جا در چند محور بحث وجود دارد:

حکم طلیع، تبعید نیست. طلیع کسی است که اخبار رفت و آمدهای راه را به محارب‌ان گزارش می‌کند. «۲»

حکم رده، تبعید نیست. رده کسی است که غیرمستقیم به محارب‌ان کمک می‌کند.

حکم طلیع و رده، زندان است؛ ولی از اهل سنت قائل به تبعید هستند. «۳»

موارد دیگری از جرم هست، که برخی از علمای اهل سنت معتقدند حکمشان تبعید است؛ مانند کسی که ایجاد شبهه می‌کند، اما ما

به همین مقدار بسنده می‌کنیم. «۴» و بحث زندان و تبعید را در اینجا به پایان می‌رسانم به امید آنکه بتوانم احکام قتل و اعدام را نیز در آینده نزدیک به این مجموعه ملحق کنم. انشاء...
و الحمد لله رب العالمین

- (۱)- الکافی، ج ۷، ص ۲۴۵.
(۲)- معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۰۷.
(۳)- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۲؛ النفی و التغریب، ص ۴۳۵.
(۴)- أفضیة رسول الله صَلَّى الله عليه و آله، ص ۱۰؛ النفی و التغریب، ص ۴۳۸؛ كنز العمال، ج ۲، ص ۳۳۶.
زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۵

منابع

- ۱۰- القرآن الکریم.
۱۱- نهج البلاغه، جمع الشریف الرضی، ت: ۴۰۶ ه، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۱۲- آئین نامه جمهوری اسلامی، ذکر الله احمدی، دارالباقر، قم المقدسه.
۱۳- إثبات الهداء، محمد بن الحسن الحر العاملی، ت: ۱۱۰۴ ه، المطبعة العلمیه، قم المقدسه.
۱۴- إثبات الوصیة، علی بن الحسین المسعودی، المؤرخ، ت: ۳۴۶ ه، المطبعة الحیدریه، النجف الاشرف، نشر الرضی، قم المقدسه.
۱۵- الإحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی - من علماء القرن السادس، مکتبه المصطفوی، قم المقدسه.
۱۶- أحسن التقاسیم، محمد بن احمد البناء البشاری المقدسی، ت ۳۸۰ ه، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۷- احکام بانوان، محمد وحیدی، مکتب الاعلم الاسلامی، قم المقدسه.
۱۸- احکام السجون، للوائلی، الشیخ احمد، مؤسسه اهل البيت، بیروت.
۱۹- الاحکام السلطانیة، ابو الحسن الماوردی، ت ۴۵۰ ه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم المقدسه.
۲۰- الاحکام السلطانیة، ابو یعلی الفراء، ت ۴۵۸ ه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم المقدسه.
زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۶
۲۱- أحکام القرآن، لابن العربی، ت ۵۴۲ ه، ط: مصر، دار إحياء الكتب العربیة، بیروت.
۲۲- الاختیار، عبد الله الموصلی، ت ۵۹۰ ه، عالم المعرفة، بیروت.
۲۳- الاختبارات العلمیة (الفتاوی الکبری)، ابن تیمیة، ت ۷۲۸ ه، دار المعرفة، بیروت.
۲۴- إختيار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی)، للشیخ الطوسی، ت ۴۶۰ ه، مشهد.
۲۵- الاستبصار، محمد بن الحسن الطوسی - شیخ الطائفة - ت ۴۶۰ ه، المکتبه المرتضویة، طهران.
۲۶- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبد البر، ت ۴۶۳ ه، مکتبه نهضة مصر.
۲۷- الإسلام و مبدأ المقابلة بالمثل، للسید جعفر مرتضی، نشر الوكالة العالمیة للتوزیع.
۲۸- الاشتقاق، ابن درید، ت ۳۲۱ ه، مکتبه الخانجی، مصر.
۲۹- أدب القاضي، ابو الحسن الماوردی، ت ۴۵۰ ه، طبع العانی، بغداد، سنه ۱۳۹۲ ه.
۳۰- الارشاد، محمد بن محمد بن النعمان - المفید - ت ۴۱۳ ه، مکتبه بصیرتی، قم المقدسه.

- ۳۱- ارشاد الاذهان، ابو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی، ت ۷۲۶ هـ، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- ۳۲- ارشاد الساری، القسطلانی، ت ۹۲۳ هـ، دار التراث العربی، بیروت.
- ۳۳- استفتات جدید، للإمام الخمينی، ت ۱۴۰۹ هـ، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- ۳۴- اسد الغابه، ابن الاثير الشيباني، ت ۶۳۰ هـ، المكتبة الاسلامیه، طهران.
- ۳۵- اسنی المطالب، ابو یحیی زکریا الانصاری، ت ۹۲۶ هـ، المكتبة الاسلامیه، عن طبع الیمینی، مصر، سنه ۱۳۱۳ هـ.
- ۳۶- اشاره السبق، علاء الدین الحلبي، ت ۷۰۸ هـ، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۷
- ۳۷- الاشباه و النظائر، جلال الدین السیوطی، ت ۹۱۱ هـ، مصطفى الحلبي، مصر، سنه ۱۳۷۸ هـ.
- ۳۸- الاشباه و النظائر، زین العابدین ابن نجیم، ت ۹۷۰ هـ، مصطفى الحلبي، مصر، سنه ۱۳۷۸ هـ.
- ۳۹- الاصابه، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ هـ، دار الكتاب، بیروت.
- ۴۰- اصباح الشیعہ، للصرهشتی، نظام الدین، بین القرن الرابع و الخامس، مؤسسہ الإمام الصادق علیه السلام، قم.
- ۴۱- اصول السرخسی، ت ۴۹۰ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۴۲- اصول الحدیث، محمد عسجج الخطیب، دار الفكر، بیروت.
- ۴۳- الأعلام الوری، للزرکلی، خیر الدین، دار العلم للملایین، بیروت.
- ۴۴- إعلام، ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، ت ۵۴۸ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۴۵- الأغانی، ابو الفرج الاصفهانی، ت ۳۵۶ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۴۶- الامالی، للصدوق، محمد بن علی بن الحسن، ت ۳۸۱ هـ، الاعلمی، بیروت.
- ۴۷- الأمالی للطوسی، ت ۴۶۰ هـ، مكتبة الداوری، قم.
- ۴۸- الإمامه و السیاسه، لابن قتیبه الدینوری، ت ۲۷۶ هـ، دار الشریف الرضی، قم المقدسه.
- ۴۹- اقصیه رسول الله صلی الله علیه و آله، محمد بن فرج القرطبی المالکی، ت ۴۹۷ هـ، دار البخاری، القصیم.
- ۵۰- الاقناع، ابو بکر النیسابوری، ت ۳۱۸ هـ، الطبعة الاولى، تحقیق: جبرین.
- ۵۱- الأم، محمد بن ادريس الشافعی، ت ۲۰۴ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۸
- ۵۲- الانتصار، علی بن الحسن الموسوی (الشریف الرضی)، ت ۴۳۶ هـ، نشر الرضی، قم المقدسه.
- ۵۳- الأنساب، احمد بن یحیی البلاذری، ت القرن الثالث، الاعلمی، بیروت.
- ۵۴- الأنساب، عبد الکریم بن محمد التیمی السمعانی، ت ۵۶۲ هـ، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۵۵- الانصاف، علاء الدین المرادوی، ت ۸۸۵ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۵۶- الاوائل، للطبرانی، ت ۳۶۰ هـ، (ضمن الوسائل للسیوطی) دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۵۷- إیضاح الفوائد، الشیخ ابو طالب الحلی (فخر المحققین)، ت ۷۷۱ هـ، بنیاد فرهنگ اسلامی، طهران.
- ۵۸- ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، اسماعیل باشا، ت ۱۳۳۹ هـ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۵۹- بحار الانوار، محمد باقر المجلسی، ت ۱۱۱۱ هـ، مؤسسہ الوفاء، بیروت.
- ۶۰- البحر الرائق، زین العابدین ابن نجیم، ت ۹۷۰ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۶۱- بدء الإسلام و شرایع الدین، لابن سلام الإباضی، ت ۲۷۳، فرانز شتانیز.

- ۶۲- بدائع الصنائع، علاء الدین الکاسانی، ت ۵۸۷ ه، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۶۳- بدایه المجتهد، ابن رشد القرطبی، ت ۵۹۵ ه، دار المعرفه، بیروت.
- ۶۴- البدایه و النهایه، إسماعیل بن عمر بن کثیر، ت ۷۷۴ ه، دار الفکر، بیروت.
- ۶۵- بدایه الهدایه، محمد بن الحسن، الحر العاملی، ت ۱۱۰۴ ه، آل البیت، قم المقدسه.
- ۶۶- بدائع الصنائع، للکاسانی، علاء الدین، ت ۵۸۷ ه، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۶۷- البرهان فی تفسیر القرآن، السید هاشم البحرانی، ت ۱۱۰۷ ه، اسماعیلیان، قم المقدسه.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۸۹
- ۶۸- برهان قاطع، محمد حسین برهان، ت ۱۰۸۳ ه، نشر خرد، نیما، طهران.
- ۶۹- بستان السیاحه، للشیروانی، زین العابدین، کان حیا: ۱۲۴۸ ه، مکتبه النسائی.
- ۷۰- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد بن الحسن بن فروخ الصفار القمی، ت ۲۹۰ ه، مکتبه المرعشی، قم المقدسه.
- ۷۱- البلدان، احمد بن یعقوب، الشهیر بالیعقوبی، ت ۲۸۴ ه، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۷۲- بلوغ المرام، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ ه، القاهره سنه ۱۳۵۲ ه.
- ۷۳- البیان فی تفسیر القرآن، السید ابو القاسم الخوئی، المطبعة العلمیه، قم المقدسه.
- ۷۴- البیان و التحصیل، ابن رشد القرطبی، ت ۵۲۰ ه، دار الغرب الاسلامی.
- ۷۵- بیست و پنج مقاله، محمد باقر المجلسی، ت ۱۱۱۱ ه، مکتبه المرعشی، قم المقدسه.
- ۷۶- البیع، للامام الخمینی، ت ۱۴۰۹ ه، إسماعیلیان، قم المقدسه.
- ۷۷- التاج الجامع للاصول، منصور علی ناصف، ت ۱۳۷۱ ه، دار إحياء التراث العربی.
- ۷۸- تاریخ ابن معین، یحیی بن معین الغطفانی البغدادی، ت ۲۳۳ ه، دار القلم، بیروت.
- ۷۹- تاریخ الإسلام، شمس الدین الذهبی، ت ۷۴۸ ه، دار الکتب العربی، بیروت.
- ۸۰- تاریخ الامم و الملوک، ابو جعفر محمد بن جریر الطبری، ت ۳۱۰ ه، دار المعارف، القاهره.
- ۸۱- تاریخ بغداد، ابو بکر، احمد بن علی الخطیب البغدادی، ت ۴۶۳ ه، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۸۲- تاریخ الخلفاء، للسیوطی، ت ۹۱۱ ه، مطبعة السعادة، مصر.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۰
- ۸۳- تاریخ خلیفه، خلیفه بن خیاط، ت ۲۴۰ ه، دار طیبه، الرياض.
- ۸۴- التأریخ الکبیر، إسماعیل بن ابراهیم البخاری، ت ۲۵۶ ه، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۸۵- تاریخ المدینة، لابن شبة البصری، ت ۲۶۲ ه، دار الفکر، قم المقدسه.
- ۸۶- تاریخ مدینة دمشق (ابن عساکر)، علی بن حسن الشافعی، ت ۵۷۱ ه، مجمع اللغة العربیة، دار الفکر، دمشق.
- ۸۷- تاریخ الیعقوبی، ابن واضح الاخباری، ت ۲۸۴ ه، دار صادر، بیروت.
- ۸۸- تبصرة الحکام، برهان الدین ابن فرحون، ت ۷۹۹ ه، مطبوع بهامش فتح العلی المالك، مطبعة مصطفى الحلبي، مصر، سنه ۱۳۷۸ ه.
- ۸۹- تبصرة المتعلمین، العلامه الحلّی، ت ۷۲۶ ه، مجمع الذخائر الاسلامی، قم المقدسه.
- ۹۰- تبیین الحقائق، فخر الدین الزیلعی، ت ۷۴۳ ه، دار المعرفه، بیروت.

۹۱- تتمه المنتهی، شیخ عباس، ت ۱۳۵۹ هـ.

۹۲- تحریر الأحکام، العلامه الحلّی، ت ۷۲۶ هـ، مؤسسه آل البيت، قم المقدسه.

۹۳- تحریر الوسیله، الامام الخمينی، ت ۱۴۰۹ هـ، جماعه المدرسين، قم المقدسه.

۹۴- تحفه الفقهاء، علاء الدين السمرقندی، ت ۵۳۹ هـ، دار الكتب العلمیه، بیروت.

۹۵- تحفه المحتاج، ابن حجر الهیثمی، ت ۹۷۴ هـ، دار صادر، بیروت.

۹۶- تدریب الراوی، جلال الدين السيوطی، ت ۹۱۱ هـ، دار الفكر، بیروت.

۹۷- تذکره الحفاظ، شمس الدين الذهبي، ت ۷۴۸ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۹۸- تذکره الخواص، لسبط بن الجوزی، ت ۶۵۴ هـ، مؤسسه أهل البيت، بیروت.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۱

۹۹- تذکره الفقهاء، العلامه الحلّی، ت ۷۲۶ هـ، مؤسسه آل البيت، قم المقدسه.

۱۰۰- التراتیب الاداریه، عبد الحی الكتانی، ت ۱۳۸۳ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۱۰۱- التشريع الجنائي الاسلامی، عبد القادر عوده، ت ۱۳۷۳ هـ، مؤسسه الرساله، بیروت.

۱۰۲- تعليق و تحقیق (القضاء للعراقی)، للشيخ هادی المعرفة، مهر، قم المقدسه.

۱۰۳- التفریح، ابن جلاب، ت ۳۷۸ هـ، دار الغرب الاسلامی، بیروت.

۱۰۴- تفسير آیات الأحکام، الصابونی، مكتبة الغزالی، دمشق.

۱۰۵- تفسير التبيان، محمد بن الحسن الطوسی - شيخ الطائفة -، ت ۴۶۰ هـ، الأعلمی، بیروت.

۱۰۶- تفسير الخازن (لباب التأویل)، علاء الدين البغدادي الخازن، ت ۷۲۵ هـ، دار الفكر، بیروت.

۱۰۷- تفسير الدر المنثور، جلال الدين السيوطی، ت ۹۱۱ هـ، نشر محمد امين دمج، بیروت.

۱۰۸- تفسير روح المعاني، الآلوسی، ت ۱۲۷۰ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۱۰۹- تفسير الصافي، المولى محسن (الفيض الكاشاني)، ت ۱۰۹۱ هـ، مؤسسه الاعلمی، بیروت.

۱۱۰- تفسير العياشي، ابو النضر محمد بن مسعود بن عياش، المكتبة العلمیه، طهران.

۱۱۱- تفسير فرات، فرات بن ابراهيم بن فرات الكوفي، ت القرن الثالث هـ، مكتبة الداوری، قم المقدسه.

۱۱۲- تفسير القمی، علی بن ابراهيم بن هاشم القمی، ت القرن الثالث هـ، مكتبة العلامه، قم المقدسه.

۱۱۳- التفسير الكبير، الفخر الرازی، ت ۶۰۶ هـ، مطبعة البهیه المصریه.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۲

۱۱۴- تفسير مجمع البيان، ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، الشهير ب (أمين الاسلام)، ت ۵۴۸ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۱۱۵- تفسير المنار، محمد رشيد رضا، دار المعرفة، بیروت.

۱۱۶- تفسير الميزان، السيد محمد حسين الطباطبائي، ت ۱۴۰۲ هـ، دار الكتب الاسلامیه، طهران.

۱۱۷- تفسير نور الثقلين، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، ت ۱۱۱۲ هـ، مؤسسه اسماعيليان، قم المقدسه.

۱۱۸- تفصيل الشریعه، الشيخ محمد الفاضل اللنکرانی، جماعه المدرسين، قم المقدسه.

۱۱۹- تقریرات اباحت الکلیپایگانی (مخطوط)، بقلم السيد علی الميلانی.

۱۲۰- تلخیص الخلاف، الشيخ مفلح الصیمری، ت ۸۷۳ هـ، مكتبة المرعشی، قم المقدسه.

۱۲۱- تلخیص مستدرک الحاکم، للذهبي، ت ۸۴۸ هـ، مطبوع بهامش المستدرک.

۱۲۲- التمهید لما فی الموطأ، ابو عمر القرطبی، ت ۴۶۳ ه، مکتبه السوادى، جدۀ.

طبسی، نجم الدین - مترجم: حسینی، سید محمد رضا و شفیعی، مصطفی، زندان و تبعید در اسلام، در یک جلد، انتشارات صفحه‌نگار، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه ق زندان و تبعید در اسلام؛ ص: ۱۹۲

۱۲۳- التنبیه، للفیروزآبادی، ت ۴۷۶ ه، عالم الکتب، بیروت.

۱۲۴- التنبیه و الاشراف، علی بن الحسین المسعودی، ت ۳۴۵ ه، دار الصاوی، القاهرة.

۱۲۵- التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، الفاضل المقداد السیوری، ت ۸۲۶ ه، مکتبه المرعشی، قم المقدسه.

۱۲۶- تنقیح المقال، الشیخ عبد الله المامقانی، ت ۱۳۵۱ ه، المطبعة المرتضویه، النجف الاشراف.

۱۲۷- تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن الطوسی - شیخ الطائفة - ت ۴۶۰ ه، دار الکتب الاسلامیه، طهران.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۳

۱۲۸- تهذیب الاسماء و اللغات، ابو زکریا، محی الدین بن شرف النووی، ت ۶۷۶ ه، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۱۲۹- تهذیب تاریخ دمشق، عبد القادر بدران، ت ۱۳۴۶ ه، دار المسیره، بیروت.

۱۳۰- تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ ه، دار صادر، بیروت.

۱۳۱- توضیح المسائل للإمام الخمینی، نشر روح، قم المقدسه.

۱۳۲- توضیح المسائل، للسید الخوئی، المطبعة العلمیه، قم المقدسه.

۱۳۳- توضیح المسائل، للسید الکلبایگانی، نشر صدر، قم المقدسه.

۱۳۴- جامع الاحادیث، جلال الدین السیوطی، ت ۹۱۱ ه، مطبعة محمد هاشم الکتبی، دمشق.

۱۳۵- جامع أحادیث الشیعه، تحت اشراف الإمام البروجردی، ت ۱۳۸۰ ه، نشر مدينه العلم، قم المقدسه.

۱۳۶- جامع الرواه، محمد بن علی الاردبیلی، کان حیا ۱۱۰۰ ه، مکتبه المصطفوی، قم المقدسه.

۱۳۷- جامع الشتات، للمحقق القمی، ت ۱۲۳۱ ه، الرضوان، طهران.

۱۳۸- جامع عباسی، بهاء الدین العاملی، ت ۱۰۳۱ ه، مؤسسه فراهانی، طهران.

۱۳۹- جامع المدارک، السید احمد الخوانساری، ت ۱۴۰۵ ه، نشر مکتبه الصدوق، طهران.

۱۴۰- جامع المقاصد، المحقق الکرکی، ت ۹۴۰ ه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم المقدسه.

۱۴۱- الجامع الصحیح، محمد بن عیسی بن سورة الترمذی، ت ۲۹۷ ه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۴۲- الجامع لاحکام القرآن، ابو عبد الله القرطبی، ت ۶۷۱ ه، دار الکتب العربی، القاهرة، سنه الطبع ۱۳۸۷ ه.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۴

۱۴۳- الجامع للشرايع، یحیی بن سعید الحلّی، ت ۶۹۰ ه، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم المقدسه.

۱۴۴- الجرح و التعديل، عبد الرحمان بن ابی حاتم التمیمی الرازی، ت ۳۲۷ ه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۴۵- الجعفریات، إسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام، بروایه محمد بن محمد الاشعث الکوفی - من اعلام القرن الرابع - الطبعة

الحجریه، الدار الاسلامیه، طهران.

۱۴۶- الجمل (النصره فی حرب البصره)، للشیخ المفید، ت ۴۱۳ ه، مکتبه الداوری، قم المقدسه.

۱۴۷- الجنایات المتحدّه بین القانون و الشریعه، رضوان الشافعی، المطبعة السلفیه، مصر.

۱۴۸- جواهر الفقه، ابن البرّاج الطرابلسی، ت ۴۸۱ ه، جماعه المدرسین، قم المقدسه.

- ۱۴۹- جواهر الکلام، محمد حسن النجفی، ت ۱۲۶۶ هـ، دار الکتب الاسلامیه، طهران.
- ۱۵۰- الجوهر النقی - بهامش السنن الکبری - علاء الدین الترمذی، ت ۷۴۵ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۱۵۱- الحاشیه، محمد تقی الشیرازی، ت ۱۳۳۸ هـ، نشر الشریف الرضی، قم.
- ۱۵۲- حاشیه الجمل علی شرح المنهج، الشیخ سلیمان الجمل، دار الفکر، بیروت.
- ۱۵۳- حاشیه رد المحتار علی الدر المختار، محمد امین الشهیر ببن عابدین، ت ۱۲۵۲ هـ، مصطفی الحلبي، مصر، سنه ۱۳۸۶ هـ.
- ۱۵۴- حاشیه الشبراملسی، ابو ضیاء الشبراملسی، ت ۱۰۸۷ هـ، طبع مصطفی الحلبي، مصر، سنه ۱۳۸۶ هـ.
- ۱۵۵- حاشیه الشروانی علی تحفه المحتاج، عبد الحمید الشیروانی، دار صادر، بیروت.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۵
- ۱۵۶- حاشیه المکاسب، للسید محمد کاظم الیزدی، ت ۱۳۳۷ هـ، دار العلم، قم المقدسه.
- ۱۵۷- حاشیه المکاسب، للمیرزا علی الایروانی، ت ۱۳۵۴ هـ، نشر مصطفوی، طهران.
- ۱۵۸- الحاوی للفتاوی، جلال الدین السیوطی، ت ۹۱۱ هـ، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۱۵۹- الحجّه، للشیبانی، محمد بن الحسن، ت ۱۸۹ هـ.
- ۱۶۰- الحدائق الناضره، للشیخ یوسف البحرانی، ت ۱۱۰۷ هـ، جامعه المدرسین، قم المقدسه.
- ۱۶۱- حدود الشریعه، محمد آصف محسنی، مطبعه امیر المؤمنین علیه السلام، قم المقدسه.
- ۱۶۲- حدود، قصاص، دیات، محمد باقر المجلسی، ت ۱۱۱۱ هـ، نشر آثار اسلامی، قم المقدسه.
- ۱۶۳- حیاة ابن ابی عقیل و فقهه، مرکز المعجم الفقهی فی الحوزه العلمیه بقم المقدسه.
- ۱۶۴- حیاة الإمام الحسن العسکری علیه السلام، للطبسی، محمد جواد، مکتب الإعلام الاسلامی، قم المقدسه.
- ۱۶۵- الخراج ابو یوسف، ت ۱۸۲ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۱۶۶- الخرائج و الجرائح، قطب الدین الراوندی - سعید بن هبه الله - ت ۵۷۳ هـ، مدرسه الامام المهدي علیه السلام، قم المقدسه.
- ۱۶۷- الخصال، للشیخ الصدوق، ت ۱۳۸۱ هـ، جامعه المدرسین، قم المقدسه.
- ۱۶۸- الخصائص الکبری، للسیوطی، ت ۹۱۱ هـ، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۱۶۹- الخلاف، محمد بن الحسن الطوسی - شیخ الطائفه - ت ۴۶۰ هـ، نشر جامعه المدرسین، قم.
- ۱۷۰- دائره المعارف الإسلامیه، دار المعرفه، بیروت.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۶
- ۱۷۱- دائره المعارف، للبستانی، ت ۱۳۰۱ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۱۷۲- دائره المعارف القرن العشرين، محمد فريد وجدی، دار المعرفه، بیروت.
- ۱۷۳- الدراری المزیئه، محمد بن علی الشوکانی، ت ۱۲۲۰ هـ، دار المعرفه، بیروت.
- ۱۷۴- درر الاخبار فیما يتعلق بحال الاحتضار، الشیخ محمد رضا الطبسی، الوالد - رضوان الله علیه - ت ۱۴۰۵ هـ، مطبعه النعمان، النجف الاشرف.
- ۱۷۵- الدرر الكامنه، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ هـ، دار الجیل، بیروت.
- ۱۷۶- الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، للشهید الاول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، ت ۷۸۶ هـ، نشر جامعه المدرسین، قم المقدسه.
- ۱۷۷- دعائم الاسلام، نعمان بن محمد بن منصور التیمی المغربي، ت ۳۶۳ هـ، آل البيت، قم المقدسه.

- ۱۷۸- ذخیره الصالحین فی شرح تبصرة المتعلمین، محمد رضا الطبسی، الوالد- رضوان الله علیه- ت ۱۴۰۵ ه، (مخطوط).
- ۱۷۹- ذخیره المعاد، زین العابدین المازندرانی، ت ۱۳۰۸ ه، مطبعة رياض الرضا، الهند.
- ۱۸۰- ذرایع البیان فی عوارض اللسان، للطبسی، محمد رضا، المطبعة العلمية، قم المقدسة.
- ۱۸۱- الذریعة الی تصانیف الشیعة، آغا بزرك الطهرانی، ت ۱۳۸۹ ه، المكتبة الإسلامية، طهران.
- ۱۸۲- رجال الحلی، (خلاصة الاقوال) الحسن بن یوسف بن مطهر الحلی، ت ۷۲۶ ه، نشر الرضی، قم المقدسة.
- ۱۸۳- رجال صحیح البخاری، ابو نصر الكلاباذی، ت ۳۹۸ ه، دار المعرفة، بیروت.
- ۱۸۴- رجال النجاشی، احمد بن علی بن عباس النجاشی، ت ۴۵۰ ه، مكتبة الداوری، قم المقدسة.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۷
- ۱۸۵- رد المحتار علی الدرّ المختار، لابن عابدین، ت ۱۲۵۲ ه، ط مصر، بولاق.
- ۱۸۶- رساله المحکم و المتشابه، للسید المرتضی علم الهدی، ت ۴۳۳ ه ط، سنه ۱۳۱۲ ه.
- ۱۸۷- روائع البیان، الصابونی، مكتبة الغزالی، دمشق.
- ۱۸۸- الرواشح، میر محمد باقر الحسینی، الداماد، مكتبة المرعشی، قم المقدسة.
- ۱۸۹- الروضة البهیة، زین الدین الجبعی العاملی (الشهید الثاني)، ت ۹۶۶ ه، جامعة النجف الدینیة.
- ۱۹۰- روضة الطالبین، ابو زکریا یحیی النوی، ت ۶۷۶ ه، المكتب الاسلامی، دمشق، بیروت.
- ۱۹۱- روضة المتقین، محمد تقی بن مقصود الاصفهانی (المجلسی الاول)، ت ۱۰۷۰ ه، نشر بنیاد فرهنگ، اسلامی، کوشانپور، طهران.
- ۱۹۲- الروض المربع، منصور بن یونس البهوتی، ت ۱۰۵۱ ه، طبع السلفية، القاهرة.
- ۱۹۳- ریاض المسائل (الشرح الكبير)، میر سید علی بن السید محمد علی الطباطبائی، ت ۱۲۳۱ ه، مؤسسه آل البيت، قم المقدسة.
- ۱۹۴- الریاض النضرة، ابو جعفر احمد، المحب الطبری، دار الندوة الجديدة، بیروت.
- ۱۹۵- سبل السلام، محمد بن اسماعیل الصنعانی، ت ۱۱۸۲ ه، دار الریان، القاهرة.
- ۱۹۶- السرائر، ابن ادريس العجلی الحلّی، ت ۵۹۸ ه، نشر جماعة المدرسین، قم المقدسة.
- ۱۹۷- سفینه البحار، الشیخ عباس القمی، ت ۱۳۵۹ ه، دار الاسوة، قم المقدسة.
- ۱۹۸- سنن ابی داود، سلیمان بن الاشعث السجستانی، ت ۲۷۵ ه، دار إحياء السنة النبویة.
- ۱۹۹- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، ت ۲۷۵ ه، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۸
- ۲۰۰- سنن الدار قطنی، علی بن عمر الدار قطنی، ت ۳۸۵ ه، دار المحاسن، القاهرة.
- ۲۰۱- سنن الدارمی، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمی، ت ۲۵۵ ه، دار الفكر، بیروت.
- ۲۰۲- سنن سعید بن منصور، ابن شعبه الخراسانی المکی، ت ۲۲۷ ه، دار الکتب العلمیة، بیروت.
- ۲۰۳- السنن الكبرى، ابو بکر، احمد بن الحسين البیهقی، ت ۴۵۸ ه، دار المعرفة، بیروت.
- ۲۰۴- سنن النسائی، احمد بن شعيب بن علی النسائی، ت ۳۰۳ ه، دار الفكر، بیروت.
- ۲۰۵- سیر اعلام النبلاء، شمس الدین الذهبی، ۷۴۸ ه، الرسالة، بیروت.
- ۲۰۶- السیره الحلیة، علی بن برهان الدین الحلبي الشافعی، ت ۱۰۴۴ ه، بیروت.
- ۲۰۷- السیره النبویة، ابن هشام، ت ۲۱۳ ه، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

- ۲۰۸- شذرات الذهب، ابو الفلاح، ابن عماد، ت ۱۰۸۹ هـ، المكتب التجاری، بیروت.
- ۲۰۹- شرائع الاسلام، ابو القاسم، نجم الدين الحلبي (المحقق الحلبي)، ت ۶۷۶ هـ، مطبعة الآداب، النجف الاشرف.
- ۲۱۰- شرح الاخبار، نعمان بن محمد بن منصور التميمي، ت ۳۶۳ هـ، جماعة المدرسين، قم المقدسة.
- ۲۱۱- شرح الازهار، لجمع من الشراح، طبع على نفقة عبد الله بن اسماعيل غمضان.
- ۲۱۲- شرح تبصرة المتعلمين، للعراقي، شيخ ضياء الدين، ت ۱۲۶۱ هـ، مطبعة مهر، قم المقدسة.
- ۲۱۳- شرح الجمل على المنهج، شيخ سليمان الجمل، ت ۱۲۰۴ هـ، ط مصر، مصطفى محمد.
- ۲۱۴- شرح الخرشى، ابو عبد الله، محمد الخرشى، ت ۱۱۰۱ هـ، دار صادر، بيروت.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۱۹۹
- ۲۱۵- شرح الزرقانى، عبد الباقي الزرقانى، ت ۱۰۹۹ هـ، طبع عيسى الحلبي، مصر.
- ۲۱۶- الشرح الصغير، مير سيد على الطباطبائي، ت ۱۲۳۱ هـ، مكتبة المرعشى، قم المقدسة.
- ۲۱۷- شرح فتح القدير، محمد المعروف بابن الهمام، ت ۶۸۱ هـ، طبع مصطفى الحلبي، مصر، سنة ۱۳۸۹ هـ.
- ۲۱۸- الشرح الكبير، احمد الدردير، ت ۱۲۰۱ هـ، طبع عيسى الحلبي، مصر.
- ۲۱۹- الشرح الكبير مع حاشية الدسوقي، محمد بن احمد الدسوقي، ت ۱۲۳۰ هـ، طبع عيسى الحلبي، مصر.
- ۲۲۰- شرح منتهى الارادات، منصور بن يونس البهوتى، ت ۱۰۵۱ هـ، المكتبة السلفية، المدينة المنورة.
- ۲۲۱- شرح نهج البلاغة، ابن ابى الحديد المعتزلى، ت ۶۵۶ هـ، دار الكتب العلمية، قم المقدسة.
- ۲۲۲- شعائر الاسلام، ملا محمد الاشرفى البار فروشى، ت ۱۳۱۵ هـ، طبع سنة ۱۳۱۲ هـ.
- ۲۲۳- صحاح اللغة، اسماعيل بن حماد الجوهري، ت ۳۹۶ هـ، دار العلم للملايين، بيروت.
- ۲۲۴- صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل البخارى، ت ۲۵۶ هـ، دار المعرفة، بيروت.
- ۲۲۵- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج القشيري، ت ۲۶۱ هـ، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
- ۲۲۶- صفة الصفوة، لابي الفرج ابن الجوزى، ت ۵۹۷ هـ، دار المعرفة، بيروت.
- ۲۲۷- صفحات سوداء، لعبد الحميد العباسى.
- ۲۲۸- الضعفاء الكبير، ابو جعفر محمد بن عمر العقيلي المكي، ت ۳۲۲ هـ، الدار العلمية، بيروت.
- زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۰
- ۲۲۹- طبقات الشافعية، عبد الوهاب السبكي، ت ۷۷۱ هـ، عيسى البابى، مصر.
- ۲۳۰- الطبقات الكبرى، محمد بن سعيد بن منيع البصرى، ت ۲۳۰ هـ، دار صادر، بيروت.
- ۲۳۱- الطرق الحكمية، لابن قيم الجوزية، ت ۷۵۱ هـ، ط مصر، المدني: ۱۳۸۱.
- ۲۳۲- العبر فى خبر من غبر، شمس الدين الذهبى، ت ۷۴۸ هـ، دار الكتب العلمية، بيروت.
- ۲۳۳- عبد الله بن سبأ، للسيد مرتضى العسكري، دار الزهراء عليها السلام، بيروت.
- ۲۳۴- عجائب أحكام أمير المؤمنين عليه السلام، للسيد محسن العاملى، ت ۱۳۷۱ هـ.
- ۲۳۵- العروة الوثقى، للسيد كاظم اليزدى، ت ۱۳۳۷ هـ، دار الكتب الاسلامية، طهران.
- ۲۳۶- عقد الدرر ليوסף بن يحيى المقدسى السلمى، ت القرن السابع، عالم الفكر، القاهرة.
- ۲۳۷- عقاب الاعمال، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه القمى (الصدوق)، ت ۳۸۱ هـ، الطبعة الحجرية ۱۲۹۹ هـ.
- ۲۳۸- العقد الثمين، محمد بن احمد الحسينى القاسى المالكى، ت ۸۳۲ هـ، مؤسسة الرسالة، بيروت.

- ۲۳۹- العقد الفريد، ابن عبد ربه الاندلسی، ت ۳۲۷ هـ، دار الكتاب العربی، بیروت.
- ۲۴۰- علل الشرائع، محمد بن علی بن الحسین، الصدوق، ت ۳۸۱ هـ، المكتبة الحیدریه، النجف الاشرف.
- ۲۴۱- علماء معاصرین، للملا علی الواعظ التبریزی، کان حیا ۱۳۳۶ هـ، المكتبة الاسلامیه، طهران.
- ۲۴۲- عمده القارئ، بدر الدین العینی، ت ۸۵۵ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۲۴۳- عوائد الايام، للمولی احمد بن محمد مهدی نراقی، ت ۱۲۴۴ هـ، مكتب الاسلام الاسلامی، قم المقدسه.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۱
- ۲۴۴- العین، لأبی عبد الرحمن الفراهیدی، ت ۱۷۵ هـ، دار الهجرة، قم المقدسه.
- ۲۴۵- عیون الأخبار، عبد الله بن مسلم بن قتیبة الدینوری، ت ۲۷۶ هـ، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۲۴۶- عیون اخبار الرضا، محمد بن علی الحسین الصدوق، ت ۳۸۱ هـ، مكتبة طوس، قم المقدسه.
- ۲۴۷- عیون الازهار، احمد بن یحیی المرتضی، ت ۸۸۵ هـ، دار الكتاب اللبنانی.
- ۲۴۸- الغارات، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد الثقفی، ت ۲۸۳ هـ، انجمن آثار ملی، طهران.
- ۲۴۹- غایه المأمول، لمنصور علی ناصف (بهامش التاج)، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۲۵۰- غایه المراد، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (الشهید الاول)، ت ۷۸۶ هـ، مكتب الاعلام الاسلامی، قم.
- ۲۵۱- الغدير، عبد الحسین الأمینی، ت ۱۳۹۰ هـ، دار الكتاب العربی، بیروت.
- ۲۵۲- غمر عیون البصائر، ابن نجیم المصری، کان حیا ۹۶۹ هـ، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۲۵۳- غنائم الأيام، للمیرزا أبی القاسم القمی، ت ۱۲۳۱ هـ، دار الخلافة، طهران.
- ۲۵۴- غنیة النزوع، ابو المکارم ابن زهره، ت ۵۸۵ هـ، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم.
- ۲۵۵- غوالی اللآلی، محمد بن علی بن ابراهیم الاحسائی، ت ۹۴۰ هـ، مطبعة سيد الشهداء علیه السلام، قم المقدسه.
- ۲۵۶- الفائق فی غریب الحدیث للزمخشری، محمود بن عمر، ت ۵۳۸ هـ، دار المعرفة، بیروت.
- ۲۵۷- الفتاوی الحدیثیه، احمد بن حجر الهیثمی، ت ۹۷۴ هـ، مطبعة التقدم العلمیه، مصر.
- ۲۵۸- فتاوی الغیاثیه، داود بن یوسف الخطیب، ت ۹۷۰ هـ، المكتبة الاسلامیه، کویته.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۲
- ۲۵۹- الفتاوی الکبری، ابن تیمیة، ت ۷۲۸ هـ، دار المعرفة، بیروت.
- ۲۶۰- فتح الباری بشرح البخاری، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۲۶۱- فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث، الحافظ العراقی، عالم الکتب، بیروت.
- ۲۶۲- فرائد الاصول (الرسائل)، الشیخ مرتضی الانصاری، ت ۱۲۸۱ هـ، الطبعة الحجریه، مكتبة المصطفوی، قم المقدسه.
- ۲۶۳- فرهنگ عمید، حسن عمید، نشر جاویدان، طهران.
- ۲۶۴- فرهنگ معین، محمد معین، نشر امیر کبیر، طهران.
- ۲۶۵- الفروع، محمد بن مفلح المقدسی، ت ۷۶۳ هـ، عالم الکتب، بیروت.
- ۲۶۶- الفروق، شهاب الدین احمد بن ادريس القرافی، ت ۶۸۴ هـ، دار المعرفة، بیروت.
- ۲۶۷- الفقه الاسلامی و أدلته، و هبة الزحیلی، دار الفکر، بیروت.
- ۲۶۸- فقه السنة، للسید سابق، دار التبیان، الكويت.
- ۲۶۹- الفقه علی المذاهب الاربعه، عبد الرحمان الجزیری، ت ۱۳۶۰ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

- ۲۷۰- الفقه علی المذاهب الخمسة، محمد جواد مغنیه، ت ۱۳۹۹ ه، دار التعارف، بیروت.
- ۲۷۱- فقه (فارسی) محمد تقی المجلسی، ت ۱۰۷۰ ه، نشر فراهانی، طهران.
- ۲۷۲- فقه القرآن، سعید بن هبة الله الراوندی، ت ۵۷۳ ه، المطبعة العلمية، قم المقدسة.
- ۲۷۳- الفقه المنسوب الى الرضا عليه السلام، نشر المؤتمر العالمي، للامام الرضا عليه السلام، مشهد المقدسة.
زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۳
- ۲۷۴- فرائد الاصول، تقرير ابحاث ميرزا حسين النائینی، بقلم تلميذه الشيخ محمد علی الكاظمی، مكتبة المصطفوی، قم المقدسة.
- ۲۷۵- قاموس الرجال، محمد تقی التستری، ت ۱۴۱۵ ه، جماعة المدرسين، قم المقدسة.
- ۲۷۶- القاموس المحيط، محمد بن يعقوب الفيروزآبادی، ت ۸۱۷ ه، مؤسسة الحلبي، القاهرة.
- ۲۷۷- قرب الاسناد، ابو عباس عبد الله بن جعفر الحميري، ت ۳۱۰ ه، مؤسسة آل البيت، قم المقدسة.
- ۲۷۸- القضاء للكلبيگانی، بقلم السيد علی الميلانی، مطبعة الخيام، قم المقدسة.
- ۲۷۹- القضاء من كتاب تحقيق الدلائل في شرح تلخيص المسائل، للشيخ ميرزا علی الكني، ت ۱۳۰۶.
- ۲۸۰- القضاء و الشهادة للمحسنی، مطبعة سيد الشهداء عليه السلام، قم المقدسة.
- ۲۸۱- فرائد الدرر في بيان آيات الاحكام بالأثر، للجزائري، الشيخ احمد، ت ۱۱۵۱، مكتبة النجف الاشرف.
- ۲۸۲- القواعد و الفوائد، محمد جمال الدين مكی العاملي - الشهيد الاول - ت ۷۸۶ ه، مكتبة المفيد، قم المقدسة.
- ۲۸۳- قوانين الأحكام الشرعية، لابن جزى، الغرناطی، ت ۷۴۱ ه، دار العلم للملايين، بیروت.
- ۲۸۴- الكاشف، شمس الدين الذهبي، ت ۷۴۸ ه، دار الكتب العلمية، بیروت.
- ۲۸۵- الكافي، محمد بن يعقوب الرازی الكليني، ت ۳۲۸ ه، المطبعة الاسلامية، طهران.
زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۴
- ۲۸۶- الكافي في الفقه، ابو الصلاح الحلبي، ت ۴۴۷ ه، مكتبة الامام أمير المؤمنين عليه السلام، اصفهان.
- ۲۸۷- كامل الزيارات، ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي (فقيه الطائفة)، ت ۳۶۷ ه، مكتبة وجداني، قم المقدسة.
- ۲۸۸- الكامل في التاريخ، علی بن ابی المكرم، المعروف بابن الاثير، ت ۶۳۰ ه، نشر دار صادر، بیروت.
- ۲۸۹- الكامل في الضعفاء، عبد الله بن عدی الجرجاني، ت ۳۶۵ ه، دار الفكر، بیروت.
- ۲۹۰- كشف الأستار، لأبي بكر الهيثمي، ت ۸۰۷ ه، مؤسسة الرسالة، بیروت.
- ۲۹۱- كشف الرموز، زين الدين الحسن بن ابی طالب اليوسفي، المعروف بالفاضل الآبي، ت ۶۷۶ ه، جماعة المدرسين، قم المقدسة.
- ۲۹۲- كشف الظنون، مصطفى بن عبد الله الشهير ب (الحاج خليفة)، ت ۱۰۶۷ ه، دار احياء التراث العربي، بیروت.
- ۲۹۳- كشف الغطاء، للشيخ جعفر كاشف الغطاء، ت ۱۲۲۸ ه، نشر مهدوی، اصفهان.
- ۲۹۴- كشف الغمة، علی بن عيسى بن ابی الفتح الاربلي، ت ۶۰۰ ه، دار الكتاب الاسلامی، بیروت.
- ۲۹۵- كشاف القناع، منصور بن يونس البهوتي، ت ۱۰۵۱ ه، عالم الكتب، بیروت.
- ۲۹۶- كشف اللثام، الفاضل الاصفهاني، المعروف بالفاضل الهندي، ت ۱۱۳۵ ه، مؤسسة فراهانی، طهران.
- ۲۹۷- كفاية الأحكام، للسيزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، ت ۱۰۹۰ ه، نشر مهدوی، اصفهان.
زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۵
- ۲۹۸- كفاية الاخيار، ابو بكر بن محمد الحصني الدمشقي الشافعي، من اعلام القرن التاسع الهجري، دار صعب، بیروت.
- ۲۹۹- الكني و الالقاب، الشيخ عباس القمي، ت ۱۳۵۹ ه، مكتبة الصدر، طهران.

- ۳۰۰- کنز العرفان فی فقه القرآن، الفاضل المقداد السیوری، ت ۸۲۶ هـ، المكتبة المرتضوية، طهران.
- ۳۰۱- کنز العمال، المتقی الهندی، ت ۹۷۵ هـ، مؤسسه الرساله، بیروت.
- ۳۰۲- لب الوسائل، الشیخ عباس القمی، ت ۱۳۵۹ هـ، مكتبة الصدر، طهران.
- ۳۰۳- اللباب فی شرح الكتاب، عبد الغنی الميدانی، ت ۴۲۸ هـ، دار الحديث.
- ۳۰۴- لغت نامه دهخدا، منظمه طبع لغت نامه، طهران.
- ۳۰۵- لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مكرم الافریقی، ت ۷۱۱ هـ، ادب الحوزه، قم المقدسه.
- ۳۰۶- لسان المیزان، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ هـ، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- ۳۰۷- مائة و خمسون صحابی مختلق، للعسکری السید مرتضی، دار الزهراء علیها السلام، بیروت.
- ۳۰۸- مبانی تکملة المنهاج، السید ابو القاسم الخوئی، مطبعة الآداب، النجف الاشرف.
- ۳۰۹- المبسوط، محمد بن الحسن الطوسی (شیخ الطائفة)، ت ۴۶۰ هـ، المكتبة المرتضوية، طهران.
- ۳۱۰- المبسوط، شمس الدین السرخسی، ت ۴۸۳ هـ، دار الفكر، بیروت.
- ۳۱۱- المجروحین، محمد بن حیان التیمی البستی، ت ۳۵۴ هـ، دار المعرفة، بیروت.
- ۳۱۲- مجمع الامثال، ابو الفضل النیسابوری الميدانی، ت ۵۱۸ هـ، دار الجیل، بیروت.
- ۳۱۳- مجمع البحرین، فخر الدین الطریحی، ت ۱۰۸۵ هـ، المكتبة المرتضوية، طهران.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۶
- ۳۱۴- مجمع الرجال، زکی الدین، عنایه الله بن مشرف الدین القهبائی، من اعلام القرن الحادی عشر، مطبعة الربانی، اصفهان.
- ۳۱۵- مجمع الزوائد، علی بن ابی بکر الهیثمی، ت ۸۰۷ هـ، دار الكتاب العربی، بیروت.
- ۳۱۶- مجمع الفائده و البرهان، للمولی احمد، المقدس الاردبیلی، ت ۹۹۳ هـ، جماعة المدرسین، قم المقدسه.
- ۳۱۷- مجمع المسائل، محمد رضا الکلپایگان، نشر دار القرآن الکریم، قم المقدسه.
- ۳۱۸- المجموع، محی الدین بن شرف النووی، ت ۶۷۶ هـ، دار الفكر، بیروت.
- ۳۱۹- مجموع فتاوی ابن تیمیه، ابو العباس ابن تیمیه، ت ۷۲۸ هـ، جمعها عبد الرحمان بن محمد، السعودیه ۱۳۸۶ هـ.
- ۳۲۰- مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ابو الحسن بن ابی فراس المالکی الاشری، ت ۶۰۵ هـ، طهران.
- ۳۲۱- محاضرات فی اصول الفقه للراغب، ابو القاسم حسین بن محمد الراغب الاصبهانی، ت ۵۶۵ هـ.
- ۳۲۲- محاضرات فی اصول الفقه، تقرير ابحاث السيد الخوئی، بقلم پمحمد اسحاق قنایض، نشر الامام موسی الصدر.
- ۳۲۳- محاضرات فی فقه الإمامیه، للسید محمد هادی المیلانی، ت ۱۳۹۵ هـ، مؤسسه فردوسی.
- ۳۲۴- المحکم و المتشابه، منسوب الی السید المرتضی، حجریه، ۱۳۱۲ هـ.
- ۳۲۵- المحلّی، ابن حزم، ت ۴۵۶ هـ، دار الآفاق الجدیده، بیروت.
- ۳۲۶- مختصر تاریخ دمشق، محمد بن مكرم (المعروف بابن منظور)، ت ۷۱۱ هـ، دار الفكر، دمشق.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۷
- ۳۲۷- مختصر تفسیر ابن کثیر، إختصار الصابونی، دار القرآن الکریم، بیروت.
- ۳۲۸- مختصر کتاب البلدان، ابو بکر احمد بن محمد الهمدانی (ابن الفقیه)، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۳۲۹- مختصر المزنی، لأبی ابراهیم، إسماعیل بن یحیی المزنی، ۲۶۴ هـ، مطبوع بهامش الأم للشافعی، دار المعرفة، بیروت.
- ۳۳۰- المختصر النافع، ابو القاسم، نجم الدین - المحقق الحلّی - ت ۶۷۶ هـ، دار الكتاب العربی، بمصر.

- ۳۳۱- مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، العلامة الحلّی، ت ۷۲۶ هـ، مرکز الأبحاث و الدراسات الاسلامیة، قم المقدسة.
- ۳۳۲- المدونة الكبرى، مالک بن انس الأصبیحی، بروایة سحنون بن سعید التنوخی، ت ۲۴۰ هـ، عن عبد الرحمان بن القاسم، دار صادر، بیروت.
- ۳۳۳- مرآة العقول، محمد باقر المجلسی، ت ۱۱۱۱ هـ، دار الکتب الاسلامیة، طهران.
- ۳۳۴- المراسم فی الفقه الامامی، حمزة بن عبد العزيز الدیلمی، ت ۴۶۳ هـ، نشر الحرمین.
- ۳۳۵- مرصد الاطلاع، عبد المؤمن البغدادی، ت ۷۳۹ هـ، طبع عیسی الحلبي، مصر، سنة ۱۳۷۳ هـ.
- ۳۳۶- المرشد الی کثر العمال، لنديم المرعشلی، الشركة المتحدة للتوزيع.
- ۳۳۷- مروج الذهب، علی بن الحسين المسعودی، ت ۳۴۶ هـ، دار الاندلس، بیروت.
- ۳۳۸- مسالك الافهام، زين الدين الجبعی (الشهيد الثاني)، ت ۹۶۵ هـ، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم المقدسة.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۸
- ۳۳۹- مسالك الافهام الی آیات الاحکام، الجواد الكاظمی، من اعلام القرن الحادی عشر، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- ۳۴۰- المسالك و الممالك، ابو القاسم عبيد الله بن عبد الله، (المعروف بابن خرداذبة)، كان حيا ۲۳۳ هـ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۳۴۱- المستدرک علی الصحیحین، ابو عبد الله الحاكم النيسابوری، (الحاكم)، ت ۴۰۵ هـ، دار الفكر، بیروت.
- ۳۴۲- المستدرک علی معجم المؤلفین، عمر رضا كحالة، مؤسسه الرساله، بیروت.
- ۳۴۳- مستدرک الوسائل، میرزا حسین الطبرسی، النوری، ت ۱۳۲۰ هـ، مؤسسه آل البيت، قم المقدسة.
- ۳۴۴- مستمسك العروة الوثقی، للسید محسن الحكيم، ت ۱۳۹۰ هـ، مكتبة النجفی، قم المقدسة.
- ۳۴۵- مستند تحرير الوسيلة، احمد المطهری، مطبعة الخيام، قم المقدسة، سنة ۱۴۰۶ هـ.
- ۳۴۶- مستند الشیعة، للمولی احمد بن محمد مهدي النراقي، ت ۱۲۴۴ هـ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
- ۳۴۷- مستند العروة الوثقی، تقریرات ابحاث السيد الخوئی، المطبعة العلمية، قم المقدسة.
- ۳۴۸- مسند احمد، احمد بن حنبل، ت ۲۴۱ هـ، دار الفكر، بیروت.
- ۳۴۹- مسند الحمیدی، ابو بكر الحمیدی، ت ۲۱۹ هـ، عالم الكتب، بیروت.
- ۳۵۰- مسند زيد، جمع عبد العزيز بن اسحاق البقال، ت ۳۱۳ هـ، دار الکتب العلمیة، بیروت.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۰۹
- ۳۵۱- مسند الطیالسی، سلیمان بن داود الفارسی (الشهیر بابی داود الطیالسی)، ت ۲۰۴ هـ، دار الباز، مكة المكرمة.
- ۳۵۲- مشیخة الفقیه، للشيخ الصدوق، ت ۱۳۸۱ هـ، مطبوع فی اخر (الفقیه) دار الکتب الاسلامیة، طهران.
- ۳۵۳- مصادر الحق، عبد الرزاق السنهوری، دار المعارف، مصر.
- ۳۵۴- مصباح الاصول، للسید سرور البهسودی، مطبعة النجف الاشرف.
- ۳۵۵- مصباح الفقاهة، للشيخ محمد علی التوحیدی، ت ۱۳۹۲ هـ، مطبعة سيد الشهداء، قم المقدسة.
- ۳۵۶- المصباح المنیر، احمد الفيومی، ت ۷۷۰ هـ، مصطفى الحلبي، مصر.
- ۳۵۷- المصنف، عبد الله بن محمد بن ابی شیبة، ت ۲۳۵ هـ، طبع السلفية، الهند، سنة ۱۳۹۹ هـ.
- ۳۵۸- المصنف، عبد الرزاق الصنعانی، ت ۲۱۱ هـ، المكتب الاسلامی، بیروت.
- ۳۵۹- المصنف، الكندی النزوی، ت ۵۵۷ هـ، سلطنة عمان، وزارة الاوقاف.

- ۳۶۰- معارج الاصول، للمحقق الحلی، ابو القاسم، نجم الدین، ت ۶۷۶ هـ، آل البيت، قم المقدسه.
- ۳۶۱- المعارف، ابو عبد الله بن قتیبه الدینوری، ت ۲۷۶ هـ، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۳۶۲- معالم السنن، ابو سلیمان حمد بن محمد الخطابی البستی، ت ۳۸۸ هـ، المكتبة العلمیه، بیروت.
- ۳۶۳- معالم القریه، محمد بن محمد بن احمد القرشی، ت ۶۴۸ هـ، مكتب الاعلام الاسلامی، قم المقدسه.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۰
- ۳۶۴- معالم المدرستین، للعسکری السید المرتضی، مؤسسہ البعثه، طهران.
- ۳۶۵- معانی الاخبار، محمد بن بابویه القمی (الصدوق)، ت ۳۸۱ هـ، دار المعرفه، بیروت، سنه ۱۳۹۹ هـ.
- ۳۶۶- معتمد العروه الوثقی، تقریرات أبحاث السید الخوئی، مدینه العلم، قم المقدسه.
- ۳۶۷- معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، نجم الدین الطیبی بالاشتراک، نشر مؤسسہ المعارف الاسلامیه، قم المقدسه.
- ۳۶۸- معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله الحموی، ت ۶۲۶ هـ، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۳۶۹- معجم رجال الحديث، السید ابو القاسم الخوئی، دار الزهراء، بیروت.
- ۳۷۰- معجم فقه ابن حزم، لجنة موسوعه الفقه الاسلامی، دمشق، طبع دار الفكر.
- ۳۷۱- المعجم الكبير، سليمان بن احمد الطبرانی، ت ۳۶۰ هـ، وزارة الاوقاف العراقیه.
- ۳۷۲- المعجم المفهرس لألفاظ الحديث النبوی، وضعه: جماعه المستشرقین، مكتبة بریل، لیدن.
- ۳۷۳- المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبد الباقي، دار الکتب المصریه، القاہرہ.
- ۳۷۴- معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۳۷۵- معجم المغنی، دار الفكر، بیروت.
- ۳۷۶- معجم مقایس اللغه، ابو الحسین، احمد بن فارس، ت ۳۹۵ هـ، مكتب الاعلام الاسلامی، قم المقدسه.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۱
- ۳۷۷- المعرفه و التأریخ، یعقوب بن سفیان البسوی، ت ۲۷۷ هـ، مطبعه الارشاد، بغداد.
- ۳۷۸- معیار اللغه، میرزا محمد علی شیرازی، کان حیا ۱۲۷۳ هـ، الحجریه، سنه ۱۳۷۰ هـ.
- ۳۷۹- معین الحکام، ابو الحسن الطرابلسی، ت ۸۴۴ هـ، مصطفی الحلبي، سنه ۱۳۹۲ هـ.
- ۳۸۰- المغازی، محمد بن عمر بن واقد، ت ۲۰۷ هـ، نشر عالم الکتب، بیروت.
- ۳۸۱- المغنی، ابو محمد عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه، ت ۵۴۱ هـ، عالم الکتب، بیروت.
- ۳۸۲- المغنی فی الضعفاء، ابو عبد الله الذهبی، ت ۷۴۸ هـ، دار المعارف، حلب.
- ۳۸۳- مغنی المحتاج، محمد الشربینی الخطیب، ت ۹۷۷ هـ، المكتبة الاسلامیه.
- ۳۸۴- مفاتیح الشرائع، الفیض الکاشارنی، ت ۱۰۹۱ هـ، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم المقدسه.
- ۳۸۵- مفتاح الکتب الأریبه، للدهسرخی، مطبعه مهر، قم المقدسه.
- ۳۸۶- مفتاح الکرامه، محمد جواد العاملی، ت ۱۲۶۶ هـ، مؤسسہ آل البيت، قم المقدسه.
- ۳۸۷- مفتاح کنوز السنه، أ ی فنسنگ، دار الباز، مکة المکرمة.
- ۳۸۸- المفردات، الراغب الاصفهانی، ت ۵۶۵ هـ، مؤسسہ اسماعیلیان، قم المقدسه.
- ۳۸۹- مقباس الهدایه، عبد الله المامقانی، ت ۱۳۵۱ هـ، مؤسسہ آل البيت، قم المقدسه.
- ۳۹۰- المقتصر، احمد بن محمد بن فهد الحلی، ت ۸۴۱ هـ، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد المقدسه.

- ۳۹۱- مقدمه ابن خلدون، دار القلم، بیروت.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۲
- ۳۹۲- المقنع، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، القمی، (الصدوق)، ت ۳۸۱ ه، دار العلم، قم المقدسه.
- ۳۹۳- المقنعه، محمد بن محمد بن نعمان، ت ۴۱۳ ه، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- ۳۹۴- مكارم الاخلاق، رضی الدین ابو نصر، الحسن بن الفضل الطبرسی - من اعلام القرن السادس - المطبعة الحیدریه، النجف الاشرف.
- ۳۹۵- المكاسب، الشیخ مرتضی الانصاری، ت ۱۲۸۱ ه، منشورات النجف الاشرف.
- ۳۹۶- ملاذ الاخيار، محمد باقر المجلسی، ت ۱۱۱۱ ه، مكتبة المرعشی، قم المقدسه.
- ۳۹۷- الملل و النحل، جعفر السبحانی، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- ۳۹۸- الملل و النحل، ابو الفتح محمد بن عبد الکریم، الشهرستانی، ت ۵۴۸ ه، الشریف الرضی، قم المقدسه.
- ۳۹۹- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ت ۵۸۸ ه، المطبعة العلمیه، قم المقدسه.
- ۴۰۰- مناهج المتقین، عبد الله المامقانی، ت ۱۳۵۱ ه، المطبعة المرتضویه، النجف الاشرف.
- ۴۰۱- منتخب كنز العمال، علی بن حسام الدین المتقی، ت ۹۷۵ ه، مطبوع بهامش مسند احمد.
- ۴۰۲- منتهی الارادات، ابن النجار الفتوحی، ت ۹۷۲ ه، دار الجیل، القاهرة، سنه ۱۳۸۱ ه.
- ۴۰۳- المنجد، للأب لویس معلوف الیسوعی، دار المشرق، بیروت.
- ۴۰۴- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین (الصدوق)، ت ۳۸۱ ه، دار الکتب الاسلامیه، طهران.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۳
- ۴۰۵- المنتقی، ابو محمد ابن الجارود، ت ۳۰۷ ه، طبع الفجالة الجدیدة، القاهرة، سنه ۱۳۸۲ ه.
- ۴۰۶- المنتقی، ابو الولید الباجی، ت ۴۹۴ ه، طبع السعادة، مصر، سنه ۱۳۳۲ ه.
- ۴۰۷- المنتقی، للاندلسی، ت ۴۳۹ ه.
- ۴۰۸- منتهی المطلب، العلامه الحلّی، ت ۷۲۶ ه، حجریه، نشر الحاج احمد مؤید العلماء.
- ۴۰۹- منهاج البراعة، للمیرزا حبیب الله الخوئی، ت ۱۳۲۴ ه، المكتبة الاسلامیه، طهران.
- ۴۱۰- منهاج السنه، للحرانی، ت ۷۵۸ ه، المكتبة العلمیه، بیروت.
- ۴۱۱- منهاج الصالحین، للسید ابو القاسم الخوئی، المطبعة العلمیه، قم المقدسه.
- ۴۱۲- منهاج الطالبین، للنووی، ت ۷۷۷ ه، مصر، مصطفی الحلّبی.
- ۴۱۳- المنیة فی تحقیق حکم الشارب و اللحیه، محمد رضا الطبسی - الشیخ الوالد رضوان الله تعالی علیه - ت ۱۴۰۵ ه، المطبعة العلمیه، قم المقدسه.
- ۴۱۴- المهذب، ابن البرّاج الطرابلسی، ت ۴۸۱ ه، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- ۴۱۵- المهذب، ابو اسحاق الشیرازی، ت ۴۷۶ ه، عیسی البابی، مصر.
- ۴۱۶- مهذب الاحکام، عبد الأعلى السبزواری، ت ۱۴۱۴ ه، مطبعة الآداب، النجف الاشرف.
- ۴۱۷- المهذب البارع، ابن فهد الحلّی، ت ۸۴۱ ه، جماعة المدرسين، قم المقدسه.
- ۴۱۸- موارد السجن، نجم الدین الطبسی، مكتب الاعلام الاسلامی، قم المقدسه.
- ۴۱۹- موازین قضائی از دیدگاه امام خمینی (ره)، حسین کریمی، نشر شکوری، قم المقدسه.

۴۲۰- الموافقات، ابو اسحاق الشاطبی ت ۷۹۰ ه، دار المعرفة، بیروت.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۴

۴۲۱- الموطأ، مالک بن انس، ت ۱۹۰ ه، بروایه یحیی الاندلسی، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۴۲۲- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، الكويت.

۴۲۳- المؤلف من المختلف، فضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، ت ۵۴۸ ه، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.

۴۲۴- المؤلف و المختلف، علی بن عمر الدار قطنی، ت ۳۸۵ ه، دار المحاسن، القاهرة.

۴۲۵- موضح الاوهام، للخطیب البغدادی، ت ۴۶۳ ه، دار المعرفة، بیروت.

۴۲۶- میزان الاعتدال، شمس الدین الذهبی، ت ۷۴۸ ه، دار المعرفة، بیروت.

۴۲۷- التتف فی الفتاوی، علی بن الحسین السعدی، ت ۴۶۱ ه، مؤسسه الرساله، بیروت، دار العرفان، عمان.

۴۲۸- نجاه العباد، للشیخ محمد حسن النجفی (صاحب جواهر الکلام) ت ۱۲۶۶ ه.

۴۲۹- نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، شمس الدین الدمشقی (المعروف بشیخ الربوة)، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۴۳۰- نزهة الناظر فی الإشباه و النظائر، یحیی بن سعید الحلّی، ت ۶۹۰ ه، مطبعة الاداب، النجف الاشرف.

۴۳۱- نصب الرایة، ابو محمد الزیلعی، ت ۷۶۲ ه، المكتبة الاسلامية، بیروت.

۴۳۲- نضد القواعد الفقهية، للفاضل المقداد الحلّی، ت ۸۲۶ ه، مكتبة النجفی، قم المقدسة.

۴۳۳- النظم الاسلامية، صبحی الصالح، دار العلم للملایین، بیروت.

۴۳۴- نظم الحكم بمصر فی عهد الفاطمیین، عطیة مصطفى، مطبعة الإعتما، مصر.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۵

۴۳۵- النفقات، للشیانی، ابو بکر، احمد بن عمرو، ت ۲۶۱ ه، دار الكتاب العربی، بیروت.

۴۳۶- نکت النهایة، للمحقق نجم الدین الحلّی، ت ۶۷۶ ه، جماعة المدرسین، قم المقدسة.

۴۳۷- النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (شیخ الطائفة)، ت ۴۶۰ ه، منشورات قدس، قم المقدسة.

۴۳۸- النهایة فی غریب الحدیث، المبارک بن محمد الجزری (ابن الأثیر)، ت ۶۰۶ ه، مؤسسه اسماعیلیان، قم المقدسة.

۴۳۹- نهایة المحتاج، محمد بن ابی العباس الرملی، ت ۱۰۰۴ ه، طبع مصطفى الحلّی، مصر سنه ۱۳۸۶ ه.

۴۴۰- النهایة و نکتها، نجم الدین، جعفر بن الحسن الهذلی (المحقق الحلّی)، ت ۶۷۶ ه، جماعة المدرسین، قم المقدسة.

۴۴۱- نهج السعادة، للشیخ محمد باقر المحمودی، مكتبة التضامن الفکری، بیروت.

۴۴۲- نهج الصباغة، للشیخ محمد تقی التستری، مكتبة الصدر، طهران.

۴۴۳- نوادر احمد بن عیسی، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم المقدسة.

۴۴۴- نیل الاوطار، محمد بن علی الشوکانی، ت ۱۲۵۵ ه، دار الکتب العلمیة، بیروت.

۴۴۵- الهدایة، محمد بن علی بن بابویه القمی (الصدوق)، ت ۳۸۱ ه، دار العلم، قم المقدسة.

۴۴۶- الهدایة، لأحمد بن محمد الصدیق، ت ۱۳۸۰ ه، عالم الکتب، بیروت.

۴۴۷- الهدایة، ابو الخطاب الكلوزانی، ت ۵۱۰ ه، طبع القصیم، سنه ۱۳۹۱ ه.

۴۴۸- هداية الطالب، للشیخ فتاح الشهیدی، ت ۱۳۷۲ ه، مكتبة النجفی، قم المقدسة.

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۶

۴۴۹- الوافی، الفیض الکااشانی، ت ۱۰۹۱ ه، حجریة، مكتبة المرعشی، قم المقدسة، الطبعة الجديدة، مكتبة الامام أمير المؤمنين عليه

السلام، اصفهان.

- ۴۵۰- الوجیز، (فی الفقه الشافعی) للغزالی، ت ۵۰۵، مطبعة: خوش قدم، قاهره.
- ۴۵۱- وسائل الشیعة، محمد بن الحسن الحر العاملی، ت ۱۱۰۴ ه، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۴۵۲- الوسائل الی مسامرة الأوائل، للسيوطی، ت ۹۱۱ ه، دار الکتب العلمیة، بیروت.
- ۴۵۳- الوسيلة الی نیل الفضیلة، علی بن حمزة الطوسی، ت ۵۶۶ ه، مكتبة المرعشی، قم المقدسة.
- ۴۵۴- وسیلة النجاة، السيد ابو الحسن الاصفهانی، ت ۱۳۶۵ ه، الحجریة.
- ۴۵۵- وسیلة النجاة مع تعالیق الشیخ الطبسی - الوالد رحمه الله - (مخطوط).
- ۴۵۶- الوفا بأحوال المصطفی، ابو الفرج، عبد الرحمان المعروف ب (ابن الجوزی)، ت ۵۹۷ ه، دار المعرفة، بیروت.
- ۴۵۷- وفيات الاعیان، احمد بن محمد بن خلکان، ت ۶۸۱ ه، دار الثقافة، بیروت.
- ۴۵۸- وقعة صفین، لنصر بن مزاحم، ت ۲۱۲ ه، مكتبة النجفی، قم المقدسة.
- ۴۵۹- ولایة الفقیه، حسین علی المنتظری، المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.
- ۴۶۰- الینایع الفقهیة، جمع علی اصغر مروارید، نشر: مرکز بحوث الحج و العمرة.
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۷

فهرست آیات

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۱۶۱
 إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ ۱۵۵
 إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا ۱۸۲
 أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۱۴۶، ۱۸۲
 تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَتُقْسِمَانِ بِاللَّهِ ۱۰۲
 وَالَّذِينَ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا ۱۴۱
 وَيَذَرُونَهَا عَنِ الْعَذَابِ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ ۷۶
 زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۸

فهرست روایات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصی را به اتهام قتل بازداشت کرد ۲۷
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متهم به قتل را شش روز زندانی می کرد ۲۷
 پیامبر صلی الله علیه و آله به «آنه» فرمود: ای آنه، از مدینه خارج شو و به حمراء الاسد برو ۱۶۵
 پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قاتل از سرزمین خود به جای دیگر تبعید می گردد ۱۷۱
 پیامبر صلی الله علیه و آله «هیت» و «مانع» را به «عرایا» که نام قلعه‌ای است در مدینه ۱۷۸
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد شخصی که فردی را نگه داشته و دیگری او را ۲۹
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حکم مرد و زن متأهل، صد تازیانه و رجم است ۶۶
 رسول خدا صلی الله علیه و آله، بنی قریظه را زندانی کرد ۸۵

- امام علی علیه السلام چنین قضاوت کرد که صاحب دین (مدیران) زندانی می‌شود ۹۲
- امام علی علیه السلام درباره کسی که تصمیم دارد بر ضد امام شورش کند، فرمود: برای ما خون ۸۳
- امام علی علیه السلام فرمود: «تا زمانی که تصمیم نهایی برای خروج و شورش ۸۳
- علی علیه السلام به مسافر بن عفیف ازدی گفت: «اگر به من خبر رسد که به «تنجیم» می‌پردازد ۵۸
- علی علیه السلام پس از این که هشتاد ضربه به نجاشی - به سبب شرب خمر - زد ۶۴
- علی علیه السلام جمعه‌ها به زندان‌ها سرکشی می‌کرد ۱۱۸
- علی علیه السلام درباره دو نفر، که یکی مقتول ۲۹
- علی علیه السلام درباره کنیزکی که نصرانی بود [مسلمان شد و سپس مرتد شد] ۶۱
- علی علیه السلام در مورد شخصی که به عبدش دستور داده بود فردی را بکشد ۴۰
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۱۹
- علی علیه السلام در مورد شخصی که به فردی حمله کرد تا او را بکشد ۳۱
- علی علیه السلام زندانیانی را که به جهت بدهی زندانی بودند ۱۱۳
- علی علیه السلام سارق را از کوفه به شهری دیگر تبعید کرد ۱۸۱
- علی علیه السلام فرمود: اگر عبد به دستور مولا، فردی را بکشد ۴۰
- علی علیه السلام فرمود: «لازم است، امام، دانشمندان فاسق، ۱۰۴
- علی علیه السلام فرمود: مانع کسانی نشو که برای زندانی غذا یا آب یا لباس و یا فرش ۱۱۵
- علی علیه السلام، مسیب را سرزنش کرد و به او گفت: تو از قوم خود ۸۸
- علی علیه السلام می‌فرماید: لباس خشن به مقداری که عورت او را بیوشاند ۱۳۵
- علی علیه السلام هنگامی که خیانت ابن هرمه، والی «سوق الاهواز» ۸۶
- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس به واسطه تهدید به تازیانه یا زندان یا ترساندن، اقرار ۱۳۲
- امیر المؤمنین علیه السلام فقط در سه مورد شخص را زندانی می‌کرد ۹۵
- امام باقر علیه السلام درباره شخصی که به دیگری دستور می‌دهد شخص ثالثی ۳۲
- امام باقر علیه السلام راجع به شخصی که پسر خود یا برده خود را می‌کشد ۱۷۰
- امام باقر علیه السلام فرمود: علی علیه السلام درباره سارق چنین قضاوت کرد ۴۳
- امام باقر علیه السلام فرمود: قاتل برده خود، از مسقط الرأس تبعید می‌گردد ۱۷۰
- امام باقر علیه السلام فرمود: که علی علیه السلام در مورد بکر و بکره‌ای که زنا کرده بودند ۱۶۳
- امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه امیر المؤمنین علیه السلام می‌خواست مسلمانی را تبعید کند ۱۴۶، ۱۴۹
- امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حکم مرد و زن مجردی که زنا می‌کنند، صد تازیانه ۱۷۶
- امام صادق علیه السلام فرمود: این شخص [علاوه بر حبس] در هر سال پنجاه ۱۳۶
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۰
- امام صادق علیه السلام فرمود: جمعی مشروب می‌خوردند و مستی می‌کردند ۱۰۵
- امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی را نزد علی علیه السلام آوردند که کفالت دیگری را کرده بود ۹۷
- امام صادق علیه السلام فرمود: «صد تازیانه می‌خورد و مویش جدا می‌گردد» ۱۶۰

- امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام از خانه خارج شد و مردم را برای نماز ۳۴
- امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام افراد فاسق را [در زندان] به نماز جمعه می‌آورد ۱۰۶
- امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام فردی را که بدهی طلبکاران خود را ۸۸
- امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام هرگاه شاهد زوری را دستگیری کرد ۱۰۳
- امام صادق علیه السلام فرمود: فقط سه گروه به زندان ابد محکوم می‌شوند ۵۲
- امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که محکوم به زندان ابد شده، از بیت المال ۱۲۳
- امام صادق علیه السلام فرمود: هر که نبش قبر کند، تنبیه شدید و شکنجه و زندانی ۴۸
- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مولی از طلاق، امتناع می‌ورزید ۷۱
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: امام باید زندانیانی را که به سبب دین و بدهی ۱۱۳، ۱۱۷
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زندان مسلمانان، حبس می‌شود» ۱۳۰
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زنی نزد علی علیه السلام از شوهرش دادخواهی کرد ۱۲۰
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ملاک، توبه است ۱۵۶
- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «تازیانه می‌خورد و سرش تراشیده می‌شود» ۱۶۰
- امام رضا علیه السلام فرمود: مدت زمان تبعید محارب، به نسبت جنایتی ۱۵۵
- امام جواد علیه السلام درباره کسی که قبر زنی را نبش کرده و با او آمیزش کرده ۱۷۲
- امام جواد علیه السلام فرمود: اگر قاطع الطریق فقط راه را ناامن کرده و کسی را ۵۰
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۱
- ابو مریم روایت کرده است: نجاشی شاعر را که در ماه رمضان شرب خمر کرده بود ۶۹
- ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی فردی را عمدا کشته ۳۸
- ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به مردی که نسبت به زن خود ظهار کرده بود ۷۲
- از امام رضا علیه السلام نقل شده است؛ سپس هر جا که وارد می‌شود اعلان می‌شود که ۱۶۵
- از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حکم شخصی که با خواهر خود جماع کند چیست؟ فرمود: ۶۵
- اگر شخصی به برده خود دستور قتل کسی را بدهد و ۳۲
- بنو عامر دو تن از یاران پیامبر را به اسارت گرفتند ۸۰
- به امام باقر علیه السلام گفتم: ده نفر، یک نفر را کشته‌اند [حکم آن چیست؟] فرمود ۳۵
- جایز است زندانی بدهکار به استخدام طلبکاران درآید ۱۳۲
- جمیل بن دراج می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ) ... ۱۸۲
- حکم کرد کسی مقتول را نگه داشته بود ۳۱
- دختر حاتم را در محوطه چهار دیواری که در کنار درب ورودی ۸۰
- در حدیثی دیگر آمده است: «اگر باز سرقت کرد، او را به زندان می‌سپارم» ۴۴
- در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است اگر تبعیدی محارب خواست وارد کشور کفر ۱۶۱
- در روایت آمده که آن حضرت [حضرت علی علیه السلام]، فساق و بدکاران را برای نماز ۱۱۳
- در روایتی آمده است، «در زندان مؤمنان، حبس می‌شود» ۱۳۰

در ضمن نامه‌ی علی علیه السلام به قاضی اهواز آمده است: «دستور بده زندانیان را شب ۱۱۶ در مورد دزدی امام صادق علیه السلام فرمود: مرتبه اول، دست قطع می‌شود ۱۲۲ دزدی را نزد علی علیه السلام آوردند که دیوار خانه‌ای را سوراخ کرده و قبل از سرقت ۴۷ زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۲

دزدی که دست و پایش قطع شده بود، را نزد عمر آوردند ۴۵

راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی، فردی را عمدا کشته است ۳۳

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام در نهران سخن می‌گفت و حکم بن ابی العاص ۸۶ زنی از دست شوهرش نزد علی علیه السلام دادخواهی کرد. آن حضرت دستور داد او را ۷۵ سارقی را نزد علی علیه السلام آوردند، وی دست راست او را قطع کرد ۴۳

سماعه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم، مردی که با حیوان ۱۷۲

شخصی را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند که عبدش را بر اثر شکنجه، کشته بود ۳۹

شخصی را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند که گوشواره‌ای را از گوش دخترکی ربوده ۴۶

شخصی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مادرم دست نامحرم را رد نمی‌کند ۵۵

عبد الله بن سنان می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر مردی زنی را بگیرد و ۵۳

عبد الله بن سنان می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: حدّ قواد چیست فرمود ۱۷۳

عبدی که قتل عمد را انجام داده، زندانی می‌گردد ۴۰

کار گزار خائن [در روایت آمده است]: «او را از زندان بیرون بیاور ۱۳۶

کلینی به سند خود از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که مرد مرتد ۵۹

موسی بن طلحه بن عبید الله که در میان اسیران جنگ جمل بود و با ۷۹

نگذار هیچ کس در زندان با او ملاقات کند و به او راهکار یاد بدهد ۸۷

وقتی اسیران بنی قریظه را به مدینه آوردند، در یکی از خانه‌های ۸۰

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۳

فهرست مذاهب و قبایل

اباضیه: ۱۲۴

اهل سنت- در اکثر صفحات بنو عامر: ۸۰، ۸۱

بنی نجار: ۸۰، ۱۱۶

بنی قریظه: ۸۵، ۸۰

حنبل‌ها: ۳۰، ۱۷۵، ۱۷۷

حنفی‌ها- حنفیان: ۳۰، ۴۲، ۶۰، ۶۸، ۷۳، ۷۵، ۱۶۲، ۱۴۸

خوارج: ۶۸

زیدیه: ۷۱، ۷۳، ۷۶، ۷۹، ۹۹

شافعیه: ۵۰- شافعی‌ها: ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۷

ظاهریه: ۳۲، ۷۱، ۱۶۲

علمای سمرقندی: ۶۰

علمای شافعی: ۱۵۹، ۱۷۸

علمای شیعه - در اکثر صفحات علمای کوفی: ۶۰

فقهای امامیه - امامیه: ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۶، ۷۸، ۸۲، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۳،

۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۶، ۱۷۷

فقهای اهل مدینه: ۷۰

قبیله باهله: ۱۸۰

مالکی‌ها - مالکیه: ۳۸، ۶۳، ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۷

ناصبیان: ۶۸، ۱۸۰

یهودیان: ۱۳۳

یهودیان بنی قینقاع: ۱۸۰

یهودیان بنی نصیر: ۱۸۰

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۴

فهرست اشخاص

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - پیامبر - محمد صلی الله علیه و آله - رسول اکرم صلی الله علیه و آله - رسول خدا صلی الله علیه و آله

آله: ۲۷، ۳۵، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۶، ۱۲۹، ۲۹، ۵۵، ۶۶، ۸۵، ۱۱۶، ۱۳۳، ۱۴۶، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۰

علی علیه السلام - امیر المؤمنین علیه السلام - علی بن ابی طالب علیه السلام - ابا الحسن: ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰،

۵۴، ۵۸، ۶۱، ۶۴، ۶۹، ۷۱، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰،

۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳

امام حسن علیه السلام: حسن علیه السلام: ۳۴

امام مجتبی علیه السلام: ۳۴

امام حسین علیه السلام: ۳۴

امام باقر علیه السلام: ۳۲، ۳۵، ۴۳، ۵۹، ۹۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۶

امام صادق علیه السلام: ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۷۱، ۷۲، ۸۸، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۳،

۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۲

امام موسی بن جعفر علیه السلام: ۱۶۰

امام رضا علیه السلام: ۱۵۵، ۱۶۵

امام جواد علیه السلام: ۵۰، ۱۷۲

حضرت مهدی (عجل الله): ۱۸۰

امام خمینی قدس سره: ۲۷، ۳۰، ۳۶، ۴۳، ۴۶، ۸۹، ۹۹، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶

آل حجاج: ۶۳

ابن ابی حمزه طوسی: ۲۷، ۲۸، ۳۶، ۶۲

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۵

ابن ابی شیبیه: ۴۳

ابن ابی عقیل: ۶۰، ۱۷۷

ابن ابی لیله: ۱۰۲، ۱۵۱

ابن ادريس: ۴۳، ۴۶، ۶۰، ۹۰، ۱۱۴، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۵

ابن براج- ابن براج طرابلسی- قاضی ابن براج: ۲۷، ۳۲، ۴۶، ۷۸، ۸۳، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۷۵

ابن جلاب: ۳۹، ۶۷، ۹۲، ۱۱۹

ابن جنید: ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۴

ابن حزم: ۳۲، ۹۴، ۱۶۲، ۱۶۳

ابن حمزه- علی بن حمزه: ۸۹، ۹۹، ۱۱۸، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۷۴، ۱۷۶

ابن رشد: ۱۰۵

ابن زهره- سید ابن زهره: ۲۹، ۵۰، ۸۴، ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۶۲

ابن عابدین: ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۱

ابن عباس: ۴۹

ابن فهد حلی- ابن فهد: ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۵

ابن قدامه: ۳۷، ۴۵، ۸۱، ۸۵، ۹۴، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۸۱

ابن نجار: ۵۵، ۱۱۹

ابن هرمه: ۸۶، ۸۷، ۱۳۵، ۱۳۶

ابن هشام: ۸۰

ابو اسحاق شیرازی: ۱۱۹، ۱۶۳

ابو بصیر: ۳۸، ۷۲، ۱۶۱

ابو ثور: ۴۵، ۷۱

ابو حنیفه- حنفی: ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۵۷، ۶۰، ۶۸، ۷۶، ۷۸، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۱، ۱۶۲

ابو طالب: ۴۰، ۱۷۶

ابو عبید: ۷۱

ابو غده: ۱۳۸

طبسی، نجم الدین - مترجم: حسینی، سید محمد رضا و شفیعی، مصطفی، زنداد و تبعید در اسلام، در یک جلد، انتشارات

صفحه‌نگار، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه ق زنداد و تبعید در اسلام؛ ص: ۲۲۵

ابو محجن: ۷۰

ابو مریم: ۶۹

ابو یوسف- قاضی: ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۶۴، ۷۸، ۷۹، ۸۲، ۹۱، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۲۴

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۶

احمد بن یحیی: ۷۶، ۹۹، ۱۲۴

اردبیلی: ۱۷۵

اردستانی: ۱۳۸

اسحاق: ۷۱

اسکانی: ۲۸

اصطخری: ۶۲

اندلسی: ۱۵۷

آنه: ۱۶۵

اوزاعی: ۳۶، ۷۸، ۱۷۶، ۱۷۹

باقری: ۱۳۸

بحرانی - محدث بحرانی: ۳۴، ۷۵

بکیر: ۱۵۰

بلاذری: ۸۸

بهوتی: ۷۶، ۱۵۰، ۱۷۴

بیهقی: ۴۵

تاج زمان دانش: ۱۳۸

توفیق فکیکی: ۱۳۸

ثوری: ۴۲، ۶۰، ۱۷۶

جابر: ۱۷۰

جزیری: ۶۲، ۸۵

جمیل بن دراج: ۱۸۲

حافظ بستی: ۳۵

حاکم نیشابوری: ۲۷

حرانی: ۱۷۴

حسن بصری - حسن: ۴۲، ۱۷۶

حصنی شافعی: ۱۵۲

حکم بن ابی العاص: ۸۶، ۱۸۰

حلبی - ابو صلاح حلبی: ۳۴، ۴۰، ۵۰، ۸۴، ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۱۱۴، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸

حموی: ۱۳۱

حنبلی - احمد بن حنبل - احمد: ۳۷، ۴۰، ۵۷، ۵۸، ۷۱

خالصی: ۱۳۸

خلّاس: ۴۰

- خویی: ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۸۹، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۷
- دار قطنی: ۲۹
- داود بن یوسف خطیب - خطیب: ۵۱، ۱۲۱
- دختر حاتم: ۸۰، ۱۲۹
- دیلمی - سالار بن عبد العزیز دیلمی - سالار: ۲۹، ۴۳، ۹۲، ۹۷، ۹۹، ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۷۵، ۱۷۶
- رفاعه: ۸۶، ۸۷
- رملی: ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴
- رویانی: ۱۶۴
- زبیر: ۱۳۳
- زهری: ۴۲
- زید: ۵۰، ۶۶، ۱۰۶
- زید بن خطاب: ۶۳
- سحنون: ۱۷۹
- سرخسی: ۴۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۷۶، ۸۳، ۱۰۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۶۳
- سعد: ۸۵
- سماعه: ۱۷۲
- سمرقندی: ۱۲۴
- سید ابو الحسن اصفهانی: ۹۸
- سید خوانساری - سید احمد خوانساری - خوانساری: ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۱۹، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۵
- سید عاملی: ۸۲، ۹۵، ۹۹، ۱۱۸
- سید مرتضی: ۳۰، ۱۲۵
- سید یزدی - یزدی: ۹۰، ۱۲۴
- شافعی: ۲۹، ۳۰، ۳۷، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۹۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۶
- شرینی: ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴
- شعبه بن حجاج: ۶۳
- شعبی: ۴۲
- شوکانی: ۶۷
- شهید اول: ۳۶، ۷۳، ۷۹، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۵۶
- شهید ثانی: ۴۴، ۶۰، ۷۷، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۱۷، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۳
- شیبانی: ۳۷، ۱۲۴
- شیخ بهایی: ۹۴، ۱۱۸
- زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۸

شیخ حر عاملی - عاملی: ۵۶، ۶۵، ۱۰۴، ۱۳۱

شیخ طوسی: ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۶۱، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵

شیخ کنی - کنی: ۹۵، ۹۹

شیخ مفید: ۲۹، ۴۲، ۶۸، ۸۰، ۸۸، ۹۲، ۹۹، ۱۰۶، ۱۲۵، ۱۵۶، ۱۷۴، ۱۷۶

صاحب جواهر - محمد حسن نجفی - محقق نجفی: ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۵۷، ۷۵، ۷۹، ۸۴، ۹۰، ۱۲۵، ۱۷۳، ۱۷۶

صاحب مفتاح الکرامه: ۵۳

صدوق: ۵۵، ۹۲، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۶۰

صهرشتی: ۵۰، ۱۷۶

ضحاک بن مزاحم: ۶۳

طباطبایی: ۴۳، ۹۲، ۱۲۳، ۱۵۱، ۱۷۶

طبرانی: ۸۵

طبری: ۸۳، ۱۶۰

طحاوی: ۹۳

عبد الرحمن بن ملجم - ابن ملجم: ۳۴

عبد الرزاق - صاحب مصنف: ۳۴، ۱۲۱

عبد الله بن سنان: ۵۳، ۱۷۳

عبد الله بن مسعود: ۷۰

عسقلانی: ۱۷۷، ۱۸۱

عطاء: ۱۷۶

علامه حلی: ۲۷، ۳۶، ۴۴، ۴۶، ۶۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۵۰

۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵

علامه مجلسی: ۳۹، ۵۳، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳

علاء الدین حلبی: ۸۴

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۲۹

علاء الدین کاشانی: ۹۶

عمانی: ۱۶۳

عمر: ۴۵

عمران بن حصین: ۸۰

عمر بن عبد العزیز: ۴۱، ۸۴، ۱۲۱، ۱۷۱، ۱۸۰

عمر و بن شعیب: ۱۷۱

عیاشی: ۱۳۷

عینی: ۱۸۱

- غلیان بن سلمه: ۸۴
 غنّام محمّد: ۱۳۸
 فاضل آبی: ۱۷۴، ۱۷۵
 فاضل لنکرانی: ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶
 فاضل مقداد: ۴۴
 فاضل هندی- هندی: ۴۴، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۵
 فخر المحققین: ۳۶، ۷۴، ۱۷۵
 فزّاء: ۷۹
 فضیل بن سیار: ۳۵
 فیروز آبادی: ۷۹، ۸۵، ۱۱۹، ۱۳۱
 فیض کاشانی: ۱۱۸، ۱۷۲
 قاضی نعمان مصری: ۱۱۵
 قتاده: ۴۷، ۱۷۶
 قثم - غلام فضل: ۳۴
 قرافی: ۳۷، ۵۶، ۵۷، ۷۴، ۸۴، ۱۰۲
 قسطلانی: ۱۷۷
 کاسانی: ۴۲
 کاشانی: ۶۴، ۱۴۶
 کتانی: ۱۲۹
 کلبی: ۸۵
 کلینی: ۳۱، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۵۳، ۵۹، ۶۴، ۷۱، ۸۸، ۱۳۲، ۱۷۲
 کنانه ابن ابی الحقیق: ۱۳۳
 گلپایگانی: ۲۷، ۳۴، ۱۰۵، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۶
 لیث: ۳۶
 ماعز: ۶۲
 زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۳۰
 مالک بن انس - مالک: ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۴۵، ۵۰، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۱، ۷۴، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۶۳، ۱۶۴
 مامقانی: ۱۲۴
 مانع: ۱۷۸
 ماوردی: ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵
 مجلسی اول: ۵۶
 محقق: ۹۰
 محقق اردبیلی: ۱۶۳

محقق حلی: ۴۶، ۷۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۱۸، ۱۶۵

محقق سبزواری - سبزواری: ۸۹، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۴

محقق عراقی: ۹۲

محقق قمی: ۷۸، ۹۵

محقق کرکی: ۹۴

محمد ۱۰۴

محمد بن اسحاق: ۸۵

محمد بن عجلان: ۶۳

محمد بن مقاتل: ۵۱

محمد رضا طبسی - طبسی: ۳۰، ۴۳، ۴۶، ۸۹، ۹۸، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵

محمدی: ۱۳۸

مدائنی: ۱۵۵، ۱۶۵

مرداوی: ۱۱۹، ۱۵۲

مزنئی: ۵۷

مسافر بن عفیف ازدی: ۵۸

مسیب - سعید بن مسیب: ۸۸، ۱۷۶

معاویه: ۷۸، ۱۸۰

مقدسی: ۱۷۴

ملا احمد نراقی: ۹۰

منتظری: ۱۷۲

موسی بن طلحه بن عبید الله: ۷۹

موصلی - ابو علی موصلی: ۴۲، ۵۰، ۷۶، ۸۴، ۹۲

موصلی حنفی: ۹۶

زنداد و تبعید در اسلام، ص: ۲۳۱

نجاشی - نجاشی شاعر: ۴۶، ۶۹

نخعی: ۴۲، ۱۷۶

نزوی: ۱۲۴

نوری: ۷۹

نووی: ۳۷، ۴۹، ۱۱۹، ۱۷۳

وائلی: ۱۳۷

هرم بن حیان: ۶۳

هیت: ۱۷۸

یحیی بن سعید: ۳۴، ۶۵، ۸۴، ۹۷، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۵

یحیی بن سعید حلّی: ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۱۰۵

زندان و تبعید در اسلام، ص: ۲۳۲

فهرست اماکن

اتاق: ۱۲۹

اتاقکی: ۷۱، ۱۲۹

اهواز: ۱۱۶

بصره: ۷۸، ۷۹، ۱۸۳

ثقیف: ۸۱

حمراء الأسد: ۱۶۵

خنعم: ۱۷۱

خبیر: ۳۵

دار الحرب: ۸۳

دستشویی: ۴۳

دیلیم: ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۸۰

سوق الاهواز: ۸۶

صفین: ۱۸۰

طائف: ۷۴، ۱۸۰

عدن: ۴۱

عرایا: ۱۷۸

قبر: ۴۸

کوفه: ۷۸، ۸۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳

مخیس: ۲۲

مدینه: ۷۰، ۸۰، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۸۰

مسجد: ۸۸، ۱۲۹، ۱۷۸

نافع: ۲۱

هند: ۴۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰۰۰۰۰
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

